

۳۸۷

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۰ تا ۲۶ آبان ماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۵۲

زن زندگی آزادی
مردمهن آبادی

موج بیداری ملی
از آبان ۹۸

تا

آبان ۴۰۱



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیمهان شما ، کیمهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیمهان شماره ۱۸۵۳ (۳۸۷)

جمعه ۲۰ تا ۲۶ آبان ماه ۱۴۰۱

۱۶ تا ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیمهان خریداری نمایند

**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود**

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیمهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر حیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیمهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیمهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

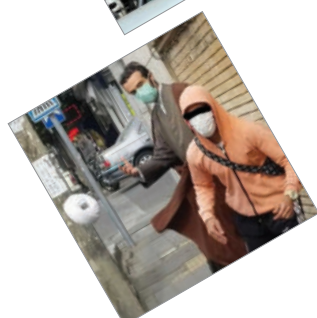
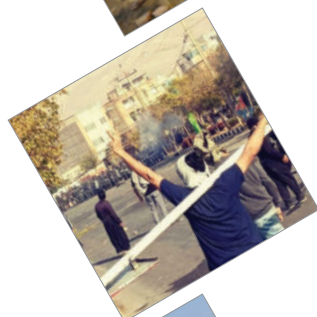
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



۴	 سرمقاله - امروز و ندای های دیروز / الاهی بقراط
۴-۵	 موج بیداری ملی از آبان ۹۸ تا آبان ۴۰۱ / روشنگر آسترکی
۶-۸	 کنفرانس اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» در سان دیگو ... /
۸	 پنجاهه‌ی انقلاب آزادیخواهی مردم ایران و اعتراف خوش بینانه‌ی معاون ... /
۹	 تهدید به «تیر جنگی» و «اعدام» اثر ندارد! ... /
۱۰	 خط جدید تبلیغات جمهوری اسلامی و لایبگرن: «اغتشاشات» برای ... /
۱۱	 کالبدشکافی یک طغیان (۲۵) ... / احمد احرار
۱۲-۱۳	 معمایی به نام هویدا (۹) ... / عباس میلانی
۱۴-۱۵	 هیچ خوراکی از آشپزخانه شیطان اشتهاى جامعه جوان ایران را ... / امیر طاهری
۱۵	 موفقیت کارزار تحریم «شرکت میهن»؛ مجازات پشتیبانی از سرکوبگران! ... /
۱۶-۱۷	 جشن صدسالگی نشریه «ارتش شاهنشاهی ایران» در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ... /
۱۷	 هشدار کشورهای «گروه هفت» به جمهوری اسلامی در مورد سرکوب اعتراضات و ... /
۱۸	 دور تازه اعتصاب دانشجویان با تحریم کلاس درس و تحصن و ... /
۱۹	 رهبران دنیا «تغییر رژیم» در ایران را جدی تر مطرح می کنند ... /
۲۰-۲۲	 چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند؟ ... / محمود مسائلی
۲۲-۲۳	 رنسانس در خاورمیانه: نبرد تاریخی سنت و مدرنیته ... / الاهی بقراط
۲۴-۲۵	 تلاش فعالان و نهادهای حقوق بشری برای ارائه گزارش‌های مستند از جانباختگان و ... /
۲۵	 گزارش ویژه؛ سپاه برای سرکوب مردم به دار و دسته «هانی گرده» متوسل شد! ... /
۲۶	 ادامه بازداشت‌های سازمانیافته همزمان با تداوم خیزش انقلابی مردم ... /
۲۷	 عزم و استقامت مردم عامل شکاف در بدنه نیروهای سرکوبگر ... /
۲۸	 کارزار دادخواهی خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح علیه جمهوری اسلامی ... /
۲۹	 اقتصاددان اصلاح طلب برای «عبور نظام از بحران کنونی» ... /
۳۰-۳۱	 اعتصاب کارکنان رسمی وزارت نفت با عبارت «زمستان سردی در راه است!» ... /
۳۱	 تلفات زیاده‌ورزش دریگان‌های سرکوبگر ... /
۳۲	 تداوم وضعیت بحرانی دارو با کمیاب و نایاب شدن ۷۰۰ قلم دارو ... /
۳۳	 کسری بودجه ۲۳ هزار میلیارد تومانی برای اتمام پروژه «مسکن مهر» ... /
۳۴	 دلار از مرز ۳۶ هزار تومان گذشت؛ سامانه به اصطلاح «بر خط» ... /
۳۵	 کیهان تهران: فردای براندازی جهنم است! ... /
۳۶-۳۷	 یک جشنواره جدید بین‌المللی به نام «قصه» در لندن ... /
۳۷	 بعد از ماه‌ها انکار سرانجام وزیر خارجه جمهوری اسلامی ارسال پهباد به ... /
۳۸	 تداوم اعتراضات خواب از سر اصولگرایان و اصلاح طلبان که می گفتند ... /
۳۹	 فرمانده نژاد: اگر با «مگسان» برخورد نمی شود اراده رهبر است! ... /
۴۰-۴۱	 چهلهم جانباختگان «جمعه خونین زاهدان» و تداوم اعتراض و اعتصاب در ... /
۴۱	 آمارهای نگران کننده از وضعیت آب در ایران؛ مخزن سد اکباتان هم‌دان تنها ... /
۴۲	 پشت جلد - عکس هفته / عمامه پرانی / آبان ۱۴۰۱

تیتراول

موج بیداری ملی از آبان ۹۸ تا آبان ۴۰۱



● سومین سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در حالی فرا می‌رسد که خیزش ملی مردم علیه جمهوری اسلامی ثابت کرده است «آبان ادامه دارد...»

و نارضایتی مردم بود! شعارهای مردم در اعتراضات آبان ۹۸ نیز نه علیه گرانی بنزین بلکه در تقابل با کل نظام جمهوری اسلامی بود؛ نظامی که مردم آن را به درستی مسبب و علت مشکلات خود می‌دانند.

آبان ۹۸ دارای پیشینه است

خیزش ملی ایرانیان در سالهای گذشته همواره مسیر رو به گسترش و تکامل را طی کرده است.

نخستین تبلور این خیزش در آبان سال ۱۳۹۵ با تجمع چند هزار نفری پاسارگاد همزمان با روز کوروش بزرگ شکل گرفت. حرکتی که سالها تلاش گروه‌ها و جریانات مختلف ملی و مخالف با جمهوری اسلامی آن را رقم زد و رژیم را به شدت غافلگیر کرد. شعارهای مردم در این تجمع بزرگ و بی‌سابقه چون «ایران کشور ماست، کوروش پدر ماست» و «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» به‌طور مستقیم سرشت و ماهیت ایدئولوژیک نظام را نشانه می‌گرفت و نشان می‌داد موجی از بیداری ملی در برابر حکومت اسلامی و جهان‌وطنی یا به عبارت بهتر، بی‌وطن، برای بپا خاستن در تلاطم است.

این موج اگرچه در سالهای بعد با قرنطینه کردن پاسارگاد در هفتم آبان، در یک محل و یک روز، مهار شد، اما به همه روزها و همه نقاط کشور گسترش یافت!

خیزش ملی در دی‌ماه ۹۶ با شعارهایی قاطعانه‌تر به میدان آمد. شعارهایی مانند «اسلامو پله کردین؛ مردمو ذله کردین» و «رضاشاه روحت شاد» مرز روشن معترضان با جمهوری اسلامی و جناحین‌اش را مشخص کرد. شعار اساسی و تعیین‌کننده «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» نیز در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ سوی دانشجویان در دانشگاه تهران سر داده شد. شعاری که نشان می‌داد جنبش دانشجویی نیز خود را از سلطه‌ی اصلاح‌طلبان و منافع آنها رها می‌سازد.

«روز انتقام نزدیکه؛ همه‌ی مادرای آبان میشیم کابوستون. شما خودتون هم میدونید با آبان نابود شدید و این آبان ادامه داره...» اینها جملاتی است که محبوبه رضایی مادر پژمان قلی‌پور از جانباختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ یکسال پیش در دومین سالگرد جان باختن فرزندش در ویدئویی کوتاه گفت.

اینروزها در حالی به سومین سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸ می‌رسیم که خیزش ملی مردم علیه جمهوری اسلامی ثابت کرده است «آبان ادامه دارد...» و «روز انتقام» نزدیک شده است.

سه سال گذشت اما آبان نگذشت!

هفته‌ی پیش رو سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸ است که از نیمه‌شب ۲۳ آبان در پی گران کردن ناگهانی قیمت بنزین آغاز و به سرعت در سراسر ایران به قیام مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

گرانی یک‌شنبه بنزین به راستی بر آتش خشم مردم بنزین ریخت تا ظرفیت نهفته‌ی انزجار و نارضایتی مردم از شرایط موجود در قالب تظاهرات و تجمعات سراسری با شعارهایی که اصل و بنیان جمهوری اسلامی را نشانه گرفته بود در برابر چشم همگان به نمایش درآید.

برای طبقه تنگدست و متوسط جامعه که سالها زیر فشارهای اقتصادی ناشی از رکود تورمی و ناکارآمدی مدیریتی جمهوری اسلامی قرار داشتند، افزایش قیمت بنزین به معنای موج تازه‌ای از گرانی و بیش از پیش به زیر خط فقر رانده شدن خانوارهای ایرانی بود. تحلیلگران حکومتی دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی را متهم می‌کردند که اگر بنزین گران نمی‌شد اعتراضاتی با این ابعاد رخ نمی‌داد. گذشته از اینکه مسئولیت تصمیم برای گرانی بنزین بر عهده هر سه قوه و رهبری جمهوری اسلامی بود اما واقعیت این است که این گرانی تنها یک جرقه بر آتش زیر خاکستر خشم

سرمقاله

امروز و تداعی‌های دیروز

مقایسه‌ی اینروزها با تجارب تاریخ معاصر ایران امریست که از آن گریزی نیست. گاه تداعی‌هایی به ذهن می‌رسد که با تأمل در آنها می‌توان رشته‌های پیوند بین امروز و دیروز را دریافت.

با «عمامه‌پرانی» که توسط جوانان شکل گرفته، بلافاصله اهداف انقلاب مشروطه و شعار «آزادی و تجدد» و سپس تلاش پهلوی‌ها برای راندن ملایان به کنج حجره‌ها و انجام امور معنوی که ادعای آن را نیز دارند، تداعی می‌شود. تلاشی



که با توجه به نفوذ سیزده قرن تا عمق جامعه آسان نبود و انقلاب مشروطه و ارتجاعی ۵۷ نیز آن را اثبات کرد. با اینهمه مشروطه و سپس پهلوی بذر آزادی و مدرنیته را در بطن جامعه کاشتند تا سالها بعد که نسل‌های دیگری برای حقوق خود مبارزه می‌کنند بتوانند از همان ریشه تغذیه کنند. مضامین ترقی‌خواهانه‌ی مشروطه و پهلوی در اعتراضات یک دهه اخیر به روشنی به چشم می‌خورد که حقوق زنان و کشف حجاب یکی از بارزترین آنهاست. نقش دستاوردهای تاریخ معاصر ایران در خیزش کنونی، جز جمهوری اسلامی نمی‌بایست سبب نگرانی نیروهای دیگر شود چرا که این نقش، بستر منطقی عبور از حکومت اسلامی و غلبه بر گسستی است که این حکومت در حرکت جامعه به وجود آورده است. در این میان، «عمامه‌پرانی» فقط یک حرکت شوخ و شنگ و بامزه نیست بلکه یک اقدام سیاسی و اجتماعی و مقابله با تفکر پست که زیر عمامه قرار دارد! همان تفکر «هیچ» معروف که در بهمن ۵۷ بر ایران نازل شد و ملت و مملکت را در داخل و خارج به «هیچ» تبدیل کرد!

تداعی دیگر در اینروزها به چهره‌های سال ۵۷ برمی‌گردد؛ همان کسانی که یا به قدرت رسیدند و یا مستقیم و غیرمستقیم حامی جمهوری اسلامی شدند. چهره‌هایی که هیچ شباهتی به معترضان امروز ندارند! عزت‌الله ضرغامی وزیر «میراث فرهنگی و گردشگری» به تازگی از قول یک بازجو گفته است: «من یک عمر بازجویی کردم از آدم‌های درشت سیاسی بازجویی کردم و این چند روز چند صد نفر از افراد بازجویی کردم و این سخت‌ترین بازجویی من بود، زیرا نه من می‌فهمم آنها چه می‌گویند و نه آنها می‌فهمد من چه می‌گویم!» در این اعتراف، حقیقتی هست که در «عمامه‌پرانی» نیز نهفته است: «هیچ» از درک همه چیز عاجز است!

صحبت بر سر این یا آن آخوند و یا خود عمامه نیست! بلکه بر سر حکومتی است که عمامه به سرها و آخوندهای مکلا از آغاز بر خون مردم و جوانان ایران بنا کرده‌اند. عمامه‌پرانی یک حرکت نمادین برای تعیین تکلیف با این جماعت است تا آنچه را مشروطه و پهلوی به دلیل مقاومت ارتجاعی، نه فقط در حوزه‌های علمی و حجره‌ها، بلکه در جامعه، نتوانستند پیش ببرند، اینبار توسط خود مردم به سرانجام برسد.



جان باختن ژینا / مهسای ۲۲ ساله بر اثر ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد اسلامی توانست بار دیگر مردم را گسترده‌تر از همیشه به خیابان بیاورد تا در برابر نظام سرکوب و گلوله و کشتار بایستد.

مردمی که قتل حکومتی مهسا امینی برای آنها به نماد بیش از چهار دهه قتل عام کرامت انسانی و غرور شهروندی آنها تبدیل شده، هشت هفته است در سراسر کشور به میدان می‌آیند تا خانه و میهن خود را از وجود پلید دشمن مشترک و متجاوز پاک کنند.

مردم ایران با شعار «زن زندگی آزادی» که مهسا امینی به بهای جان خود آن را جهانی کرده است، به دنبال پس گرفتن انسانیت، زندگی و آزادی برپادرفته‌ی خود هستند. آنها جداسازی‌ها و آپارتاید سازمانیافته‌ی جمهوری اسلامی را با جسم و جان خویش تجربه کرده‌اند و از همین رو بلافاصله در ابتکاری کم‌نظیر، زن را با مرد، زندگی را با میهن و آزادی را با آبادی تکمیل کردند. آنها می‌دانند که شعار «زن زندگی آزادی» در کنار مردان و در میهن مشترک و آباد تحقق می‌یابد. همین نگاه همبسته و تکمیلی است که یکپارچگی مردم را در خیزش آزادیخواهی آنان به نمایش گذاشته است.

در این میان، جمهوری اسلامی مذبوحانه می‌کوشد «جمعیت خاکستری» را از تجزیه کشور و سوری‌ای شدن ایران بترساند و در این میان برخی گروه‌های تجزیه‌طلب و رسانه‌های حامی آنها نیز به سیاست تفرقه‌افکنانه‌ی حکومت یاری می‌رسانند. مردم اما در آذربایجان شعار «آذربایجان بیدار است، پناه کردستان است» سر می‌دهند؛ درمشهد و شیراز و اصفهان «زاهدان، کردستان، چشم و چراغ ایران» فریاد می‌زنند، در تهران سرود «از زاهدان تا تهران، جانم فدای ایران» می‌خوانند و همزمان در مراسم نسرین قادری از جانب‌اختگان اعتراضات در مریوان با صدای بلند اعلام می‌کنند «ژن ژیان نازادی، مرد میهن آبادی!»

روشنک آسترکی

که اینروزها شماری از آنان چون منوچهر بختیاری، ناهید شیرپیشه و رضا سلمانزاده در زندان هستند و شمار دیگر چون محبوبه رضایی در حصر خانگی بسر می‌برند، نشان دادند که سرکوب و کشتار و بازداشت و زندان اثری بر حق خواهی و دادخواهی آنان ندارد و نمی‌تواند مردمی را که با موج بیداری ملی همراه شده‌اند به عقب براند. دادخواهی بدون آزادی ممکن نیست!

ایستادگی خانواده‌های دادخواه آبان زیر سرکوب سنگین حکومت که آنها را حتا از رفتن به مزار عزیزانشان و برگزاری مراسم سوگ و یادبود محروم می‌کند، حالا به الگوی مبارزه برای عدالت و آزادی تبدیل شده است. این ایستادگی همچنین سناریوهای جمهوری اسلامی درباره جانب‌اختگان و اعتراضات اجباری از بازماندگان را به سناریوهای نخ‌ها و رسوا تبدیل کرده که کمتر کسی آنها را باور می‌کند.

کارزار «نه به جمهوری اسلامی» و تحریم انتخابات غیابی ریاست جمهوری ۱۴۰۰ یکی دیگر از پیروزی‌های مردم علیه جمهوری اسلامی بود. این تحریم آرای اصلاح‌طلبان را که پایگاه اجتماعی بیشتری در مقایسه با جناح رقیب داشتند، به کمتر از آرای باطله کاهش داد و آنها را به «سه درصدی‌ها» معروف کرد. خانواده‌های دادخواه آبان در کنار گروه‌های و چهره‌های آزادیخواه جمهوری اسلامی نقش موثری در تحریم انتخابات غیابی داشتند. برای نمونه پدر محمد طاهری از جانب‌اختگان آبان با انتشار ویدیویی شناسنامه خود و فرزندش را نشان داد و گفت که در انتخابات پیشین شرکت کرده، اما حکومت شناسنامه پسرش را باطل کرد. او تأکید کرد که رأی او در این انتخابات «سرنگونی این رژیم جنایتکار» است.

انقلاب کنونی تداوم خیزش آبان ۹۸ است

موج بیداری ملی ایرانیان طی سال‌های گذشته مسیری پرفراز و نشیب اما رو به سوی موفقیت را پشت سر گذاشته و اکنون در اعتراضاتی که از اواخر شهریور امسال در پی قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شده، وارد مراحل سرنوشت‌ساز شده است.

طی دو سال پس از آن که اعتراضات پراکنده در شهرهای مختلف از جمله در تابستان ۹۷ ادامه داشت، اعتراضات آبان ۹۸ که بر همین بستر شکل گرفت، خود به نقطه عطف دیگری در اعتراضات ملی تبدیل شد. جمهوری اسلامی این خیزش را نیز به شدت سرکوب کرد و ناخواسته آن را به نیروی دیگری علیه خویش تبدیل ساخت. قطع سراسری اینترنت طی چند روز که در آن شهروندان معترض قتل عام شدند، در تاریخچه تپه‌کاری‌ها و جنایات حکومت اسلامی به عنوان یکی از ابرزسرکوب ثبت شد. آمار دقیقی از شمار بازداشت شدگان و جانب‌اختگان این اعتراضات در دست نیست اما منابع حقوق بشری بر اساس مستندات و تحقیقات، تعداد جانب‌اختگان را تا ۱۵۰۰ نفر اعلام کرده‌اند. همچنین اظهارات منابع حکومتی نشان می‌دهد دست‌کم ۸۶۰۰ نفر در ۲۲ استان ایران طی سه هفته اعتراضات آبان ۹۸ بازداشت شدند. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در روزهای آغازین این اعتراضات به مقامات ارشد امنیتی و دولتی دستور داد برای متوقف کردن اعتراض‌ها «هر کاری لازم است» انجام دهند. بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب نیز خواستار «جمع شدن» اعتراضات و برخورد جدی حکومت با مردمی شدند که از دید آنها «اغتاشگر» و «ویرانی‌طلب» بودند!

آبان ۹۸ دادخواهی را با آزادیخواهی گره زد

ایستادگی خانواده‌های جانب‌اختگان این اعتراضات که به «خانواده‌های دادخواه آبان» معروف شدند یکی دیگر از عناصر مهم این اعتراضات است. خانواده‌های دادخواه در سه سال گذشته در برابر همه فشارهای امنیتی و قضایی ایستادگی کردند و با برگزاری مراسم و انتشار پیام یک پرسش روشن را مطرح کردند: به کدامین گناه جان فرزندان ما را گرفتید؟! پرسشی که جمهوری اسلامی و وابستگانش هیچ پاسخی برای آن ندارند.

دادخواهان آبان توانستند «سرکوب» را به «هزینه» غیرقابل جبران برای جمهوری اسلامی تبدیل کنند. دادخواهانی

کنفرانس اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» در سان دیگو؛ راهکارهایی برای یک آینده روشن همزمان با خیزش آزادیخواهی مردم



از راست: دکتر اسماعیل فلاحي، دکتر علی محسنی، دکتر امیر حمیدی

تغییرات اساسی پیدا بکند، قدر مسلم مسائلی است که ممکن است در فردی فروپاشی پیش بیاید و در این مورد جا دارد سریع‌تر فکر بشود و خوب است که با کسانی در داخل کشور به همین فعالیت‌ها مشغول هستند، هماهنگ بشود. «شاهزاده رضا پهلوی در پایان سخنان کوتاه خود ابراز امیدواری کرد که ایرانیان از پروژه ققنوس ایران پشتیبانی کنند تا این اندیشکده بهتر و مؤثرتر فعالیت خود را پیش ببرد.



دکتر فرخ زندی

مباحثی که در این کنفرانس مطرح شدند مهم‌ترین موضوعات حیاتی ایران را که طی چهار دهه گذشته مورد بی‌اعتنایی و غارت و تخریب از سوی حکومت قرار گرفته در مرکز توجه قرار دادند. از مشکلات آب و انرژی و کشاورزی و اقتصاد تا ساخت و ساز شهری و سلامت روان جامعه و آزادی بیان و رسانه. سخنرانان این کنفرانس را دانشمندان و کارشناسان ایرانی و غیرایرانی تشکیل می‌دادند از جمله

دخالت داشته باشد. واقعا معنای آزادی انسان‌ها را نه می‌فهمند و قابلیت درکش را ندارند. اگر می‌فهمیدند باور به احترام گذاشتن به آن آزادی را ندارند چون مغایر است با طرز فکر ناقص‌شان.»

دکتر فروزان در ادامه با اشاره به جان‌های جوانی که جمهوری اسلامی با خشونت و وحشیگری ستانده است افزود: «برای نشان دادن تار مویی، بهار زندگی مه‌سها و به پناه‌های دیگر، حدیث‌ها، نیک‌ها، غزاله‌ها، نداها، سهراب‌ها و... را به خزان مرگبار می‌رسانند و بستان سرشاد و پرامید نوبواگان را با خون گرم‌شان آبیاری می‌کنند. باشد تا به گفته عارف، از خون این نونهالان وطن لاله‌ها بروید که آنها بر پیکر و جهان این واپسگرایان و این ایران‌ستیزان، آذری افکند تا بنیان اندیشه‌های اهریمنی از سرزمین کهن ما از ریشه کنده شود.» وی در پایان با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام جانب‌باختگان راه آزادی ایران، سخنان خود را چنین پایان داد: «دانش درختی‌ست تنومند و پربار که حاصلش نسل‌های آینده را بهره‌مند می‌گرداند. دانش بزرگترین و بهترین ابزار نیست که برای دفاع در برابر جهالت و واپسگرایی به کار می‌رود تا اینکه میهن‌مان دوباره به سوی آینده‌ای روشن و مترقی که شایسته ایران و ایرانیست، گام بردارد.»

شاهزاده رضا پهلوی در یک پیام ویدئویی به این کنفرانس بر نگرانی مردم ایران درباره آینده تأکید کرد و گفت: «پرسشی که بسیاری از هم‌میهنان می‌پرسند که نقشه‌ی راه به سمت آینده چیست و چه می‌تواند باشد؟ ما به همین دلیل گروه ققنوس را تشکیل دادیم تا بتوانند به مشکلاتی که کشور با آنها مواجه است بپردازند. از بحران آب و محیط زیست تا بهداشت و اقتصاد و... طبیعی است که راهکارهای این اندیشکده برای آینده است و ممکن است کار دولت‌های آینده را آسان‌تر بکند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین افزود: «البته زمانی که ققنوس تشکیل شد با یک دید بلندمدت به این مسائل نگاه می‌کرد و شرایط امروز کشور ما پیش‌بینی نمی‌شد. اکنون اما در حالی که شرایط سیاسی کشور ممکن است هر آن

● کنفرانس سان دیگو قرار بود در پاییز ۲۰۲۱ برگزار شود اما به دلیل پاندمی کووید ۱۹ که همه فعالیت‌های اجتماعی را تقریباً در سراسر جهان مختل کرد، به تعویق افتاد.

● مباحثی که در این کنفرانس مطرح شدند مهم‌ترین موضوعات حیاتی ایران را که طی چهار دهه گذشته مورد بی‌اعتنایی و غارت و تخریب از سوی حکومت قرار گرفته در مرکز توجه قرار دادند. از مشکلات آب و انرژی و کشاورزی و اقتصاد تا ساخت و ساز شهری و سلامت روان جامعه و آزادی بیان و رسانه. سخنرانان این کنفرانس را دانشمندان و کارشناسان ایرانی و غیرایرانی تشکیل می‌دادند از جمله دکتر ادوارد واین برنده جایزه نوبل به یکی از مهم‌ترین مسائل نه تنها ایران بلکه جهان، یعنی انرژی، پرداخت.

● شاهزاده رضا پهلوی در یک پیام ویدئویی به این کنفرانس بر نگرانی مردم ایران درباره آینده تأکید کرد و گفت: «پرسشی که بسیاری از هم‌میهنان می‌پرسند که نقشه‌ی راه به سمت آینده چیست و چه می‌تواند باشد؟ ما به همین دلیل گروه ققنوس را تشکیل دادیم تا بتوانند به مشکلاتی که کشور با آنها مواجه است بپردازند. از بحران آب و محیط زیست تا بهداشت و اقتصاد و...

کنفرانس دو روزه اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» در روزهای شنبه و یکشنبه گذشته ۲۹ و ۳۰ اکتبر (۷ و ۸ آبان) در دانشگاه سان دیگو کالیفرنیا برگزار شد.

«پروژه ققنوس ایران» که یک اندیشکده برای بررسی مسائل و مشکلات ایران در عرصه‌های مختلف و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای حل آنها در ایران آزاد و بدون جمهوری اسلامی است، با پیشینه‌ای چندین ساله در سوم اسفند ۱۳۹۷ (۲۲ فوریه ۲۰۱۹) در واشنگتن دی‌سی با حضور مبتکر خود، شاهزاده رضا پهلوی، اعلام موجودیت کرد.

کنفرانس سان دیگو قرار بود در پاییز ۲۰۲۱ برگزار شود اما به دلیل پاندمی کووید ۱۹ که همه فعالیت‌های اجتماعی را تقریباً در سراسر جهان مختل کرد، به تعویق افتاد.

برگزاری این کنفرانس امسال نیز با رویدادهای مهم ایران و اعتراضات و خیزش آزادیخواهی مردم همزمان شد بطوری که ققنوس به عنوان پروژه‌ای که با شعار «توانا بود هر که دانا بود» دانش را در خدمت مردم می‌خواهد، نمی‌توانست نسبت به آن واکنشی نشان ندهد به ویژه آنکه عنوان آن نیز «راهکارهایی برای یک آینده روشن» بود. آینده‌ای که بدون عزم راسخ مردم برای سپردن نظام تاریک و بدخیم جمهوری اسلامی به تاریخ ممکن نیست.

در همین رابطه دکتر فرداد فروزان یکی از بنیانگذاران این اندیشکده خوشامد به مهمانان و شرکت‌کنندگان را در همین ارتباط و «به نام نامی ایرانزمین» و سروده‌ی فردوسی بزرگ درباره دانش و دانایی و توانایی و اعتراضات مردم آغاز کرد. دکتر فروزان از جمله گفت: «برنامه این کنفرانس از چندین ماه پیش در دست تهیه بوده است اما تقدیر بر آن بود که اجرای این کنفرانس مهم با قیامی خودجوش و یکصد در میهن بزرگمان ایران هم‌هنگام شود.» وی افزود «نمی‌شود از شرایط کنونی هم‌میهنان صحتی نکند. بیش از ۴ دهه از ورود رژیم قهقرایی می‌گذرد که می‌خواهد در قرن بیست و یکم با زور گلوله بر تمام جوانب زندگی ایرانیان از باورها و اعتقادات دینی تا پوشیدن لباس تا خوردن غذا و آشامیدن

خاورمیانه برای چین در اولویت قرار ندارد!
دکتر مژگان حکیمی در ارتباط با سلامت روان جامعه با اشاره به شرایط کنونی ایران و خیزش انقلابی مردم گفت: «زمانی که از من خواسته شد در این کنفرانس شرکت کنم، کارم به عنوان یک فرد دانشگاهی آسان بود. اما امروز بعد از چندماه به خاطر همه‌ی آنچه در ایران می‌گذرد، دیگر



دکتر ادوارد واین برنده جایزه نوبل

نیرو سخن گفت. وی با اشاره به اینکه این نوآوری به شارژ کردن سریع اتومبیل‌های الکترونیک در سفر و بین راه در جاده‌ها نیز کمک خواهد کرد، ابراز امیدواری نمود که دو کشور ایران و اسرائیل در آینده‌ی نزدیک بتوانند در زمینه‌های دانش و پژوهش همکاری‌های نزدیک داشته باشند.
در مورد یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات کشور، دکتر



نازنین انصاری

دکتر ادوارد واین برنده جایزه نوبل به یکی از مهم‌ترین مسائل نه تنها ایران بلکه جهان، یعنی انرژی، پرداخت. همچنین دکتر آرماند اشرف‌زاده مدیر هیئت هماهنگی و عضو کمیته اجرایی ققنوس به موضوع اساسی که در ایران امروز کمبود آن به شدت در همه زمینه‌ها تأثیرات مخرب گذاشته است پرداخت: برنامه‌ریزی جامع بر اساس فرآیند



دکتر فرداد فروزان

آسان نیست. امروز برای صحبت از زنان ایران باید به ابتدای تاریخ ایران مراجعه کنیم به زمانی که زنان در ایران هخامنشی «استقلال» داشتند. امروز بایستی برای هویت‌مان به «ناخودآگاه جمعی» برویم و آنچه را با هم در طول نسل‌های متوالی بطور مشترک داشته‌ایم و امروز به دنبالش هستیم، جستجو کنیم.»
یکی دیگر از شرکت‌کنندگان این کنفرانس دو روزه نازنین



دکتر تقی آل رضا

اسماعیل فلاحي با طرح بحران آب و رودخانه‌های ایران که حیات ایران به آنها وابسته است تأکید کرد که می‌بایست با به وجود آمدن شرایط سیاسی مساعد در کشور بلافاصله به تغییر شیوه کشاورزی در ایران اقدام کرد و این انگیزه را با پشتیبانی‌های مناسب در کشاورزان پرورش داد که با روش‌های نوین از جمله در آبیاری به فعالیت در این عرصه حیاتی بپردازند. ضمن اینکه حتما می‌توان به این موضوع



دکتر مژگان حکیمی

سیستم‌های تفکری. دکتر اشرف‌زاده در سخنان خود تأکید کرد که «پایه‌سازی این سیستم برای تغییرات اجتماعی بر اساس چارچوب‌های شناخته شده‌ی حقوق بشر توسط سازمان ملل طراحی شده و تنها زمانی که سیستم حکومتی آزاد و غیرایدئولوژیک بر کشور حاکم باشد، قابل اجرا خواهد بود.»
دکتر اشرف‌زاده مدیر اجرایی ققنوس تأکید کرد «با توجه



دکتر علی محسنی

انصاری روزنامه‌نگار بین‌المللی و مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف بود که درباره «علم ارتباطات و رسانه» سخنانی ایراد کرد. وی از جمله گفت: «کشورهایی که ساختار خود را بر پایه‌های درست و دولتمداری خوب بنا می‌کنند دارای دموکراسی و امنیت پایدارتری خواهند بود و برای تحقق این هدف رسانه‌ها نقش مهمی باز می‌کنند.» نازنین انصاری با اشاره به اینکه «امروز ایران دارای رسانه‌ها و روزنامه‌های

پرداخت که چطور می‌توان باغ‌های کهن ایرانی را که از زمان هخامشیان در این سرزمین وجود داشتند دوباره زنده کرد، جاناناتان پاریس مشاور ارشد Chetroff Group نکات مهمی را در ارتباط با قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین کمونیست مطرح ساخت و تأکید نمود که رژیم ایران در حالی با سیاست‌های خود منزوی شده و مجبور شده راه نزدیکی به چین را در پیش بگیرد که اساسا

به ایده تشکیل دولت موقت، آنچه امروز اینجا بیان می‌کنم، برنامه ریزی ۳۰ روز اول پس از جمهوری اسلامی است. مردم ایران می‌خواهند از جمهوری اسلامی رد بشوند و این برنامه‌ی جامع بر اساس نیاز امروز ایران و بر اساس تفکر و اندیشه ارائه شده و برای یک جامعه‌ی آزاد است.»
دکتر موتی هریدیم دانشمند ایرانی‌تبار از انستیتو تکنولوژی خولون در اسرائیل از راه‌های کم‌هزینه‌تر و نوآوری در انتقال

پنجاهه‌ی انقلاب آزادیخواهی مردم ایران و اعتراف خوش‌بینانه‌ی
معاون دفتر عقیدتی سیاسی خامنه‌ای:

نظام از دست نرفت اما ضربه خوردیم!



تظاهرات ضدحکومتی مهرماه ۱۴۰۱

گشادش می‌زنند و آنها نیز نمی‌خواهند به پایان رسیدن دوران سیاه جمهوری اسلامی را درک کنند. در همین ارتباط، روزنامه «همشهری» با فراق‌کنی می‌نویسد دشمن بعد از ۸۸ متوجه شد باید به مبانی مذهبی و ارزشی لطمه بزند! حرف «همشهری» تکرار سخنان احمد علم‌الهدی غایبده خامنه‌ای در خراسان رضوی است که در توصیف متفاوت بودن اعتراضات کنونی با سال‌های گذشته، موضوع روسری از سر برداشت دختران را «علامت دین‌ستیزی» دانسته و گفته بود: «اینبار با صراحتی بی‌مانند، به دنبال براندازی‌اند.» پدرزن ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» که همیشه حرف‌های بی‌سر و ته می‌زند حتماً مدعی شد: «عده‌ای از دستگیر شده‌ها، مقمعه‌ای همراه داشتند که در آن مشروبات الکلی بود!» در یک اعتراف دیگر، رحمان جلالی معاون سیاسی امنیتی استاندار کرمان نیز در یک سخنرانی اذعان کرد «همیشه محدودیت اینترنت، دستگیری سرگروه‌های اغتشاش و آمدن مردم به کف خیابان فتنه را از بین می‌برد اما جنس این فتنه و مخاطبان آن متفاوت است.»

در این میان، مسئولان نهادهای امنیتی و قضایی حکومت بارها مدعی شده‌اند که «لیدرهای اصلی» اعتراضات را بازداشت کرده‌اند اما اعتراضات مردم از خیابان تا مراکز آموزشی و محل کار ادامه دارد.

دو هفته پیش از این، وقتی عوامل نظام همچنان امیدوار بودند که با زور و خشونت می‌توانند خیزش انقلابی مردم را متوقف کنند، تحلیلگران حکومتی رجز می‌خواندند که «آشوب لمپن‌ها، بر نظام و مردم بی‌تأثیر است.»

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه بدنام کیهان تهران در مطلبی با عنوان «از اپوزیسیون شانس نیاوردیم» به خیال خودش برای تحقیر مخالفان رژیم نوشته بود برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که از اپوزیسیون‌های قوی برخوردارند، «ایران اسلامی اپوزیسیونی وامانده و فکس‌کنی دارد!» غافل از آنکه اپوزیسیون سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده مردمی هستند که در داخل کشور عزم خود را برای به پایین کشاندن حکومتی که امثال شریعتمداری ریزه‌خواران آن هستند، جزم کرده‌اند.

● پنجاه روز از انقلاب آزادیخواهانه‌ی مردم ایران که جهان را به تحسین و تغییر سیاست واداشته می‌گذرد اما با اینهمه مقامات نظام اصرار عجیبی دارند که چشم خود را به روی واقعیات بسته و با این توهم که مردم از سوی «خارجی‌ها» تحریک می‌شوند این حقیقت را قبول نکنند که در جامعه منفورند و معتزضانی که حتا از جان خود می‌گذرند، آنها را نمی‌خواهند و خواهان تغییر و به دست گرفتن سرنوشت خود هستند.

● دو هفته پیش از این، وقتی عوامل نظام همچنان امیدوار بودند که با زور و خشونت می‌توانند خیزش انقلابی مردم را متوقف کنند، تحلیلگران حکومتی رجز می‌خواندند که «آشوب لمپن‌ها، بر نظام و مردم بی‌تأثیر است.»

● حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه بدنام کیهان تهران در مطلبی با عنوان «از اپوزیسیون شانس نیاوردیم» به خیال خودش برای تحقیر مخالفان رژیم نوشته بود برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که از اپوزیسیون‌های قوی برخوردارند، «ایران اسلامی اپوزیسیونی وامانده و فکس‌کنی دارد!» غافل از آنکه اپوزیسیون سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده مردمی هستند که در داخل کشور عزم خود را برای به پایین کشاندن حکومتی که امثال شریعتمداری ریزه‌خواران آن هستند، جزم کرده‌اند.

در حالی که پنجاه روز از اعتراضات سراسری و انقلاب آزادیخواهی مردم ایران که بلافاصله پس از خاکسپاری مهسا امینی در روز ۲۶ شهریورماه آغاز شد می‌گذرد، سردار رسول سنایی‌راد معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی رهبر جمهوری اسلامی با خوش‌بینی و خوش‌خیالی گفته است «نظام از دست نرفته اما ضربه خورده‌ایم!»

به گزارش ایرنا این مقام نظامی به نقل از علی خامنه‌ای تکرار کرد «برخی از این افراد [که به خیابان‌ها آمده‌اند] فرزندان نظام هستند اما کنار دست لیدرهایی آمدند که می‌خواستند سری به تن نظام نباشد و از این موضوع ابزاری برای کشته‌سازی بسازند.»

پاسدار سنایی‌راد به واکاوی اعتراضات که ادامه دارد نیز پرداخت و توضیح داد: «این اقدام فقط خواست دشمن نبود و ضعف داخلی از جمله عقب‌افتادگی از تحولات، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و راهبردها هم اثرگذار بود!»

وی همچنین تأکید کرد «در این حوادث با یک تغییرات و گسست نسلی هم مواجه شده‌ایم، لیدرها معمولاً سن و سال دار و آموزش دیده‌اند که در کنار گود ایستاده‌اند و مدیریت می‌کنند اما در بدنه آشوب‌ها، افراد هیچانی کم سن و سالی هم داشتیم که دنبال ماجراجویی بودند!» مقامات نظام اصرار عجیبی دارند که چشم خود را به روی واقعیات بسته و با این توهم که مردم از سوی «خارجی‌ها» تحریک می‌شوند این حقیقت را قبول نکنند که در جامعه منفورند و معتزضانی که حتا از جان خود می‌گذرند، آنها را نمی‌خواهند و خواهان تغییر و به دست گرفتن سرنوشت خود هستند.

با اینهمه در نهادهای امنیتی نظام ظاهراً به این جمع‌بندی رسیده‌اند که سرشت اعتراضات کنونی با همه اعتراضات گذشته متفاوت است. با اینهمه باز هم شیپور را از سر

➔ بسیار است» افزود: «اما مهم این است که در این روزنامه‌ها و رسانه‌ها چه نوشته و منتشر می‌شود!» وی در ارتباط با رویدادهای کنونی ایران گفت: «در همین چند هفته دیدیم که نقش رسانه‌ها تا چه اندازه بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.»

دکتر تقی آل رضا عضو هیئت اجرایی پروژه ققنوس در ارتباط با انرژی برق و مسائل الکترونیک این امید و نوید را داد که «در آینده ما بایستی به کشورهای منطقه و نیازمند برق بفروشیم که درآمدی نزدیک به ۷۴ میلیارد دلار خواهد داشت و همچنین اشتغال فراوان ایجاد خواهد کرد.» وی در ارتباط با مشتریان این انرژی افزود «خریداران این انرژی از ایران، چین، ترکیه، عراق، هند و پاکستان خواهند بود.» دکتر آل رضا تأکید کرد که با درآمد حاصل از فروش برق، در بخش‌های دیگر انرژی مانند انرژی باد و خورشید می‌بایست سرمایه‌گذاری کرد.

سخنان دکتر فرداد فروزان نیز در ارتباط با برق و تولید نامتمرکز بود. دکتر فروزان با اشاره به اینکه «شرایط اقلیمی ایران به ویژه از سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) به شدت در حال تغییر است و سبب کوچ مداوم به‌خصوص از مناطق روستایی به شهرها و حاشیه‌ی شهرها شده» آن را عمدتاً در ارتباط با «مدیریت بد آب و خاک» است و گفت که «پیش از انقلاب درباره این معضل فکر شده بود. اما دولت‌ها پس از انقلاب با شعار خودکفایی و با جهاد سازندگی تنها سبب تخریب منابع طبیعی و کوچ و مهاجرت بیش از شدند.» وی گفت که برای حل مشکل انرژی در مناطق روستایی «می‌بایست انرژی برق را در همان مناطق و مناسب با آن منطقه تولید و ذخیره کرد.»

دکتر رضا سعیدی متخصص پیوند اعضای بدن به یکی دیگر از معضلات مهم ایران امروز پرداخت که کمتر به آن توجه شده است. وی با مروری بر تاریخچه‌ی این پدیده از جمله در ایران باستان و سپس بررسی وضعیت کنونی، به مشکل بازار سیاه فروش کلیه پرداخت و چشم‌اندازی از آینده‌ی موضوع پیوند اعضای بدن در ایران و نیازهای حقوقی ارائه داد.

دکتر علی محسنی از گروه کشاورزی ققنوس در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، حفظ سلامت و پایداری دام و طیور مدام تحت بررسی هست تا مبادا به چرخه غذایی صدمه وارد شود. درحالی‌که کشاورزی در ایران از روشهای فرسوده و عدم نظارت دقیق برخوردار است که کیفیت غذایی را درهم می‌زد. تنها پایه گذاری یک وزارت کشاورزی پیشرفته که چرخه ی غذایی کشور را بازبینی میکند و از تکنولوژی مدرن برای بهره برداری منابع استفاده می کند، راه گشای آینده می باشد.

دکتر فرخ زندی سرپرست گروه اقتصاد ققنوس در ارتباط با «سواد مالی و سرمایه‌گذاری در بازار بورس ایران» گفت «در سال ۲۰۱۹ در بین ۱۴۴ کشور برای مدیریت شرکت‌ها، ایران در رتبه ۱۳۷ قرار داشت. هنگامی که بورس دنیا گاه در حال سقوط است، بورس در ایران اما رشد نشان می‌دهد! این موضوع اما نشانگر یک اقتصاد سالم و درست نیست. در نظرخواهی سواد سرمایه‌گذاری که چندی پیش در ققنوس انجام شد از مردم پرسیدیم که چرا و چگونه در بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند؟»

دکتر زندی در ادامه توضیح داد: «نتایج این نظرسنجی به ما نشان می‌دهد که بسیاری از مردم بدون آنکه با همه مفاهیم و موضوعات مربوط به شرکت‌ها آشنا باشند و گاهی فقط به توصیه‌ی دیگران، در بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند.»

پروژه ققنوس ایران نتایج این نظرسنجی را به زودی در اختیار همگان قرار خواهد داد. همچنین ویدئوهای مباحث کنفرانس سان دیگو در کانال یوتیوب این اندیشکده منتشر می‌شود.

تهدید به «تیر جنگی» و «اعدام» اثر ندارد!

«نمایندگان» تبهکار مجلس شورای اسلامی: حفظ نظام از جان امام زمان واجب تر است! اعدام کنید!



تظاهرات در تهران

مذاکراتی در کار نیست و مذاکرات تعطیل است.» این در حالیست که حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه نظام ادعا کرده بود آمریکایی‌ها پشت صحنه بطور محرمانه برای مذاکره پیام داده‌اند! یکی از عوامل اصلی که دولت جو بایدن و اروپایی‌ها را وادار کرده تا مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی را از روی میز بردارند تداوم و استقامت مردم در اعتراضات ضدحکومتی است.

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هفتم آبان گفته بود «امروز روز پایان اغتشاشات است!» وی از مردم خواسته بود «دیگر به خیابان نیابید!» بی‌اثر بودن این تهدیدات و بی‌نتیجه ماندن سرکوب‌ها حکومت را به شدت از آینده نگران کرده است. اینهمه در حالیست که وقتی در یگان‌های نظامی افراد مافوق یا فرماندهان ارشد دستوری صادر یا ابلاغ می‌کنند لازم‌الاجراست. صدور دستور یا تهدید بدون پشتوانه اجرایی یا عملی نشدن آن نه تنها به موقعیت آن فرمانده لطمه وارد می‌کند بلکه ضربه به حیثیت آن یگان و نیروهای تابع آن است. در جایی که تهدیدات بی‌اثر باشد شدت ضرباتی که یگان مربوط به دریافت می‌کند چندین برابر می‌شود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شخص علی خامنه‌ای نظیر این ضربات را قبلاً زیاد خورده‌اند. چهار پنج سال پیش با شدت گرفتن حملات اسرائیل به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیابتی‌ها در سوریه مقامات جمهوری اسلامی از سوی هواداران نظام زیر فشار قرار گرفتند که چرا واکنش مشابه نشان نمی‌دهند اما ناتوانی حکومت برای دفاع در برابر حملات اسرائیل را پای «صبر استراتژیک» گذاشتند. به تدریج مسئله برای رژیم به موضوع حیثیتی تبدیل شد و علی خامنه‌ای در یک مصاحبه با لاف و گراف اسرائیل را تهدید کرد که «دوران بزن در رو تمام شده و اگر یکی بزنی دوتا می‌خورید!» از آن زمان به بعد حملات اسرائیل تشدید شد و ده‌ها ضربه به جمهوری اسلامی وارد آورد و نیروهای بیشتری از «مدافعان حرم» کشته و زخمی شدند. علت چنین پیامدی روشن بود: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رهبری نظام در عملی کردن تهدیدات خود ناتوان هستند!

تهران از مقامات امنیتی پرسیده بود «چرا با آشوبگران مداخلات می‌کنید و چرا از تیر جنگی استفاده نمی‌کنید؟» در یک و ماه نیم گذشته شمار جانباختگان اعتراضات از سوی منابع حقوق بشری حدود ۳۰۰ نفر اعلام شده که تعدادی از آنها بر اثر اصابت گلوله جنگی کشته شدند. این در حالیست که مقامات امنیتی ادعا می‌کنند از سلاح جنگی استفاده نکرده‌اند. ده‌ها نفر از معترضان نیز مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفته و حتا جان خود را از دست داده‌اند. این نوع گلوله‌ها اگر از فاصله نزدیک برخورد کرده یا اگر به نواحی حساس بدن مثل صورت اصابت کنند، مرگبارند چنانکه شماری از جانباختگان مورد اصابت این نوع از گلوله‌ها قرار گرفته‌اند.

با وجود چنین ابعادی از سرکوب و کشتار، باز هم تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی، سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور و حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی به خاطر آنچه «مدارا با آشوبگران» خوانده‌اند انتقاد کرده‌اند. یکی از آنها حجت‌الاسلام حسین جلالی نماینده رفسنجان در مجلس شورای اسلامی است که خطاب به شمخانی گفته «آقای شمخانی، حفظ نظام از اوجب واجبات است حتی از حفظ جان امام زمان هم مقدم‌تر است!»

بر اساس گزارش نماینده حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران از آغاز اعتراضات در ایران حدود ۱۴ هزار نفر از معترضان، فعالان صنفی، وکلا و معلمان و کارگران بازداشت شده‌اند.

هرچه اوضاع برای جمهوری اسلامی سخت‌تر می‌شود، هیاهو و تهدید مقامات حکومت نیز بیشتر و لحن آنها تندتر می‌شود اما در بین همین زیاده‌گویی‌ها حرف‌هایی بیان می‌کنند که بیان وضعیت بحرانی نظام است.

حسین نوش‌آبادی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه کشور با ثبات است، به «رویداد ۲۴» گفت: «آمریکایی‌ها در افکار عمومی اینطور وانمود و القا می‌کنند که ایران دارد از درون می‌پاشد و ما نیازی به مذاکره نداریم.» او افزود: «در حال حاضر که

بعد از آنکه حسین شریعتمداری مدیرمسئول تبهکار روزنامه بدنام کیهان تهران از نیروهای امنیتی خواسته برای سرکوب معترضان از تیر جنگی استفاده کنند، ۲۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار اجرای سریع حکم اعدام معترضان بازداشتی شدند!

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از مقامات امنیتی خواسته‌اند «مدارا با آشوبگران» را کنار بگذارند! حجت‌الاسلام حسین جلالی نماینده رفسنجان در مجلس خطاب به علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی گفته «آقای شمخانی حفظ نظام از اوجب واجبات است حتی از حفظ جان امام زمان هم مقدم‌تر است!»

حسین نوش‌آبادی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی: «آمریکایی‌ها در افکار عمومی اینطور وانمود و القا می‌کنند که ایران دارد از درون می‌پاشد و ما نیازی به مذاکره نداریم.»

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هفتم آبان گفته بود «امروز روز پایان اغتشاشات است!» وی از مردم خواسته بود «دیگر به خیابان نیابید!» بی‌اثر بودن این تهدیدات و بی‌نتیجه ماندن سرکوب‌ها حکومت را به شدت از آینده نگران کرده است.

در ایران حکومت در مهار خیزش انقلابی که بیش از ۵۰ روز است با وجود سرکوب‌های گسترده و بازداشت‌های فله‌ای همچنان ادامه دارد ناموفق بوده و مردم در شهرهای مختلف همچنان به خیابان‌ها می‌آیند و در کنار «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه» از جمله شعار می‌دهند: «توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد!» و «به مادرم بگوئید دیگر دختر/پسر ندارد!»

در مجلس شورای اسلامی ۲۲۷ نفر از نمایندگان از ۲۹۰ نماینده در درخواستی تبهکارانه خواهان اجرای سریع حکم اعدام معترضان بازداشتی شدند. پیش از این شماری دیگری از نمایندگان مجلس اسلامی از نیروهای امنیتی خواسته بودند «مداخلات و مدارا» با «اغتشاشگران» را تمام کنند و حتا حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه بدنام کیهان

اعتراضات بی‌نتیجه مانده است. برعکس هرچه جمهوری اسلامی شدت خشونت را افزایش داده از بین نیروهای امنیتی از جمله پلیس و بسیج و سپاه تلفات بیشتر شد. از آنجا که نظام هنوز قصد ندارد قدرت مردم را باور کند هرآنچه در خیابان‌ها اتفاق می‌افتد، به به پای «برنامه‌ریزی، سازماندهی و توطئه» خارجی می‌گذارد.

هنوز شمار زیادی از مقامات حکومت که خیزش مردم را باور نکرده‌اند یا نخواسته‌اند باور کنند تظاهرات را از چشم دولت‌های خارجی و عوامل آنها در داخل می‌بینند. اما واقعیت این است که قضیه کاملاً برعکس است! دولت‌هایی که اکنون به خاطر سرکوب و نقض حقوق بشر جمهوری اسلامی را با تحریم زیر فشار قرار داده‌اند همان‌هایی هستند که تا یک ماه پیش به دنبال مذاکرات با جمهوری اسلامی بودند و برای «معامله آقی» و «احیای برجام» با نمایندگان رژیم نشست و برخاست داشتند. این خیزش مردم است که سیاست غربی‌ها را تغییر داده و نه برعکس!

رهبان دنیا کور و کر باید باشند که نبینند و نشنوند که مردم ایران «سرنگونی جمهوری اسلامی» و «تغییر رژیم» را می‌خواهند. اما مقامات نظام و تحلیلگران حکومتی، همان‌ها که در توهّمات خود با خوش‌خیالی منتظر زمستان سرد اروپا بودند، با این پیش‌فرض که تظاهرات «برنامه‌ریزی دولت‌های اروپایی و آمریکاست» به دلشان صابون می‌زنند که هدف از «سازماندهی این اعتراضات» اهرم فشار به نظام برای انعطاف‌پذیر کردن جمهوری اسلامی در مذاکرات آقی است! آنهم در حالی که پرونده آقی رژیم از میز مذاکرات غربی‌ها به زیرزمین پایگانی‌ها رفته است!

در همین ارتباط یک «منبع آگاه» که برای ادعایش به هیچ «آگاهی» خاصی نیاز نیست، به روزنامه «جام جم» گفته «یکی از مشکلات پیش رو این است که آمریکایی‌ها تقلاً می‌کنند که از اعتراضات و اغتشاشات اخیر در کشور برای امتیازگیری بیشتر از ایران سوءاستفاده کنند!»

در این میان، حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته «ایران به ادامه مذاکرات برای احیای برجام پایبند است!» البته حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی که اخیراً در فهرست تحریم‌های کانادا قرار گرفت درباره دلیل اصرار نظام به ادامه مذاکرات می‌گوید: «برجام سیاست کنترلی آمریکا مقابل جمهوری اسلامی ست و ما نمی‌توانیم مرگ آن را اعلام کنیم!»

وبسایت مشرق نیز مدعی شده که همزمان با «اغتشاشات»، دولت بایدن پشت پرده درخواست گفتگو داده است! تکرار این حرف‌ها شاید برای مقامات جمهوری اسلامی دلگرم‌کننده باشد زیرا می‌خواهند باور داشته باشند که دولت‌های غربی «دنبال سرنگونی نظام نیستند» و در نهایت هدفشان معامله است! اما یک تناقض آنها را بیش از پیش رسوا می‌کند: وقتی رهبان غرب مستقیم و با صراحت از حمایت خود در اعتراضات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی سخن می‌گویند، مقامات حکومتی و رسانه‌های داخلی هیاهو راه می‌اندازند که «در امور داخلی ایران» دخالت شد و «اغتشاشات توطئه برای براندازیست!»

گروهی که این خط تبلیغاتی را برای جمهوری اسلامی برجسته می‌کنند همان‌هایی هستند که همواره همسو با منافع جمهوری اسلامی جهت احیای برجام تلاش می‌کرده‌اند. آریل کوهن عضو ارشد شورای آتلانتیک در مقاله‌ای در نشریه «فوربس» نوشته «چون تاریخ نشان داده سرنگونی حکومت ایران بسیار دشوار است و ایران در مقابل تحریم‌ها مقاوم شده» آشوب‌ها بهانه‌ای برای تحریم شده است!

خط جدید تبلیغات جمهوری اسلامی و لابیگران: «اغتشاشات» برای «سرنگونی نظام» نیست اهرم فشار برای معامله برجام است!



اعتراضات ضدحکومتی در ایران

ناخواسته از طریق اقدام نادرست، مرگ این مذاکرات را رقم بزند. در این گزارش تأکید شده قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا، مذاکرات وین را پیچیده‌تر خواهد کرد، زیرا یکی از موانع اصلی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات آقی قرار داشت سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا بود و تکرار این مسئله وضعیت را بدتر خواهد کرد.

از سوی دیگر، رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا و حامیان جدی «احیای برجام» مدت‌هاست تغییر موضع داده و با اعلام اینکه «داده‌ها نسبت به گذشته تغییر کرده» می‌گویند آمریکا دیگر وقت خود را برای مذاکره با جمهوری اسلامی ایران تلف نمی‌کند.

پس از پایان نشست «گروه هفت» در روز جمعه ۱۳ آبان نیز وزارت خارجه آلمان در توییتر با اشاره به سرکوب معترضان در ایران نوشت «رژیم جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را نشان می‌دهد.»

وزیر خارجه آلمان، آنانا بریوک گفت «هر کسی که شهروندان را تا سر حد مرگ کتک بزند، آنها را زندانی کند و از تجاوز جنسی به عنوان سلاح استفاده کند، چهره واقعی خود را نشان داده است.» او هشدار داد وحشتی که جمهوری اسلامی در داخل ایران به راه انداخته و اقداماتی مثل ارسال سلاح به روسیه برای رژیم ایران پیامدهای منفی خواهد داشت.

رژیم ایران با وجود اینکه تمام ظرفیت خود را برای سرکوب به میدان آورده اما اقدامات وحشیانه‌ی آن در خاموش کردن

● روزنامه «تهران تایمز» (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) در گزارشی نوشته «با فشار آلمان برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، مذاکرات آقی با موانع جدیدی روبرو شده و ممکن است ناخواسته از طریق اقدام نادرست، مرگ این مذاکرات را رقم بزند!»

● هنوز شمار زیادی از مقامات حکومت که خیزش مردم را باور نکرده‌اند یا نخواسته‌اند باور کنند تظاهرات را از چشم دولت‌های خارجی و عوامل آنها در داخل می‌بینند. اما واقعیت این است که قضیه کاملاً برعکس است! دولت‌هایی که اکنون به خاطر سرکوب و نقض حقوق بشر جمهوری اسلامی را با تحریم زیر فشار قرار داده‌اند همان‌هایی هستند که تا یک ماه پیش به دنبال مذاکرات با جمهوری اسلامی بودند و برای «معامله آقی» و «احیای برجام» با نمایندگان رژیم نشست و برخاست داشتند. این خیزش مردم است که سیاست غربی‌ها را تغییر داده و نه برعکس!

● مقامات نظام و تحلیلگران حکومتی، همان‌ها که در توهّمات خود با خوش‌خیالی منتظر زمستان سرد اروپا بودند، با این پیش‌فرض که تظاهرات «برنامه‌ریزی دولت‌های اروپایی و آمریکاست» به دلشان صابون می‌زنند که هدف از «سازماندهی این اعتراضات» اهرم فشار به نظام برای انعطاف‌پذیر کردن جمهوری اسلامی در مذاکرات آقی است! آنهم در حالی که پرونده آقی رژیم از میز مذاکرات غربی‌ها به زیرزمین پایگانی‌ها رفته است!

● با اینهمه آریل کوهن عضو ارشد شورای آتلانتیک در مقاله‌ای در نشریه «فوربس» می‌نویسد «چون تاریخ نشان داده سرنگونی حکومت ایران بسیار دشوار است و ایران در مقابل تحریم‌ها مقاوم شده» آشوب‌ها بهانه‌ای برای تحریم شده است!

با ادامه خیزش انقلابی مردم ایران هرچه فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بیشتر می‌شود اصطکاک جمهوری اسلامی با دولت‌های خارجی و سفارتخانه‌های اروپایی در تهران بیش از پیش افزایش می‌یابد.

محمدرضا نقدی معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرسیده «چرا هنوز باید سفارت انگلستان در ایران باز باشد؟» پیش از این وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) پس از آنکه به سفارتخانه‌های انگلیس، آلمان و فرانسه در مورد «دخالت عواملشان در اغتشاشات» تذکر داده بودند. بعد از این هشدارها بود که جاسوسی و شنود کارکنان سفارت‌ها تشدید شد و علاوه بر احضار سفیران آنها شماری از کارکنان ایرانی این سفارتخانه‌ها نیز بازجویی و احضار شدند که گزارش آن به صورت اختصاصی در کیهان لندن منتشر شد.

در این میان، خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران کارزار «نه به سفارت انگلیس» را به راه انداخته و حامیان حکومت برای سفیر و کارکنان آن در شبکه‌های اجتماعی خط و نشان می‌کشند و گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان بسیج دانشجویی نیز در این آتش می‌دمند و بعید نیست «آتش به اختیار» دست به اقداماتی بزنند که فقط اوضاع خود جمهوری اسلامی را وخیم‌تر خواهد کرد ضمن اینکه خطرآتش متوجه اشخاص مستقر در این سفارتخانه‌ها نیز هست.

همزمان با برگزاری چند تجمع توسط بسیج و پاسداران در مقابل سفارت آلمان و انگلیس در تهران روزنامه «تهران تایمز» (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) در گزارشی نوشته با فشار آلمان برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، مذاکرات آقی با موانع جدیدی روبرو شده و ممکن است

صورت و سیرت نادر

مؤلف «رستم‌التواریخ» با شیوه خاص خود در نگارش تاریخ، نادر را چنین توصیف می‌کند:

«والاجاه نادرقلیخان مسمی به طهماسبقلی خان، یعنی غلام اخلاص فرجام شهنشاه اسلام‌پناه شاه طهماسب ثانی، سلطان السلاطین عصر خود، که از روی قابلیت و استعداد بالاستحقاق، چهار تاج بر سر زد و ایل افشار قرخلو را ایل جلیل مفتخر و مباهی بر همه ایلها نمود مردی بود با کمال مهابت و صلابت و عظمت و مناعت و شجاعت و سخاوت و عقل و فطنت و کیاست و فراست و عدالت و انصاف و پر حلم و حوصله، بسیارگو و بسیار شنو، و راست‌گفتار و درست‌کردار و سخت‌ميثاق و نیکوعهد و با وفا و با ادب و با حیا و با حساب، با احتساب و دوست نواز و دشمن‌گداز.

و بسیار غیور و لجوج و متعصب بوده، قامتش بلند و موزون و بسیار سرخ‌رو و سرخ‌مو بوده و سرش بزرگ و پیشانی فراخ و گوشش بزرگ و دهانش بسیار فراخ و چشمانش فراخ و ابروهایش به‌هم پیوسته و پر مو و دراز و گردنش ستر و ریشش کوتاه و پر مو و سبیلش دراز و پر مو که از بناگوشش می‌گذشته، و میان دو شانه‌اش بسیار پهن، و میانش بسیار باریک، و دستهایش بسیار دراز و بازوهایش بسیار ستر و انگشتانش دراز، و بلندآواز، و خرم‌دل و روشن‌روان بوده و بشاش و شادمان و سریع‌الغضب بوده، آوازش چنان بلند و سهمناک بوده که در وقت سخن‌گفتن تا یک میل آوازش را مانند همه‌ی شیر می‌شنیده‌اند... در سپهداری و سالاری و لشکرکشی مانند وی آسمان پرورده و قوت بازو و سرپنجه‌اش به مرتبه‌ای بوده که مانند حضرت موسی، که به شبانی مشغول بوده، آن تهمت‌مثال به ساریانی اشتغال داشته چند شتر مست قصد وی کردند، بیخ حلقشان را به سرپنجه پهلوانی چنان فشرده که نفسشان منقطع شد و مردند.

اهرم‌ن‌صورت بوده و هر خصمی که چشمش به روی سهمناک و چشم پر خشم آن شیرصورت اژدها‌هیت می‌افتاد ضعف قلب می‌یافت و زانوهایش سست و بی‌حرکت می‌شد و می‌گریخت... قوت حافظه‌اش به مرتبه‌ای بود که هرگز چیزی را که می‌شنید فراموشش نمی‌شد. حواس پنجگانه‌اش بسیار قوی و فهم و ادراکش از حد اندازه بیش بود».

با چنین خصائل، نادرقلی بی آن که فرمان از کسی گرفته یا عنوان و مقامی داشته باشد، پس از تصرف کلات و نیشابور شهرتی به‌هم رساند و طهماسب میرزا خواستار دیدار وی شد.

طهماسب میرزا که امیدوار بود قدرتی پیدا کند و ملک محمود سیستانی را براندازد و خراسان را به قلمرو سلطنت خود ضمیمه سازد در نادرقلی جوهر چنین خدمتی سراغ می‌کرد. رستم‌الحکما می‌نویسد «در آن وقت به عرض نواب اقدس طهماسب‌میرزا رساندند که ندر قلیخان نام قرخلو در ابیورد رشید و صاحب آوازه شده و بسیار دلیر و جنگجو و دلاور است، اگر فرمان دهی او را به خاک پای والا حاضر نمایند این قلعه (مشهد) را زود مفتوح نماید. پس نواب طهماسب میرزا برخلاف رضای فخرالامرا، فتحعلی خان قاجار، غلام گرجی خود را که محمدحسین نام داشت با فرمانی به احضار نادرقلیخان قرخلوی مذکور فرستاد.

اتفاقاً محمدحسین خان مذکور در وسط راه به نادرقلیخان قرخلوی مذکور رسید که به جانب خصمی

کالبدشکافی یک طغیان (۲۵)

(کیشان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

بازنشتم

احمد احرار



نادرشاه افشار

می‌شتافت. فرمان پادشاهی را به وی نمود و تبلیغ رسالت کرد. عالیجاه نادرقلیخان مذکور بعد از زیارت فرمان پادشاهی و مطالعه آن عرض نمود که بنده به جانب خصمی می‌روم، ان‌شاءالله خصم خود را پایمال و مقهور کرده و بازگشت نمود و بعد، بر خود منت نهاده بنده‌وار و جان‌نثار به رکاب‌بوسی نواب ولیعهدی شرفیاب خواهم شد و ابراهیم بیگ برادر خود را به میزبانی محمدحسین خان مذکور مقرر فرمود و ایشان را به جانب ابیورد روان نمود... تا آن که به اندک زمانی نادرقلیخان مذکور مظفرآ و منصوراً و سالمأ و غامأ بازگشت از سفر نموده و وارد خانه خود گردیده، قدری با موزه (کفش) به پا نشست و ناهاری تناول کرده و در همان ساعت به اتفاق محمدحسین خان عازم خدمت ملک رفعت نواب ولیعهدی طهماسب میرزا گردید.

چون به حضور ساطع‌النور والا شرفیاب گردید هفت بار به خاک افتاده و زمین ادب بوسیده و تعظیم به‌جای آورده و به دُرُوه عرض اعلی رسانید که ای شهنشاه‌زاده کامیاب و ای ولی عهد مالک‌الرقاب، کمر بندگی تو را بر میان بسته‌ام و از قید تغافل و تکاهل و اهمال و ارسته‌ام، دشمنان سرکش تو را به خَم کمند پهلوانی و بهادری اسیر و دستگیر خواهم نمود و خواهم بست و سرِ اعادی و معاندین تو را با عمود گران به مردی و مردانگی خواهم شکست...

نواب طهماسب میرزا او را تعارفات پادشاهانه نمود و به شیرین‌زبانی التفاتهای خدیوانه به وی فرمود و از برایش

میزبانی مقرر فرمود».

بدین سان، نادرقلی به خدمت طهماسب میرزا درآمد. اما از همان زمان، رقابت و هم‌چشمی بین او و فتحعلی خان قاجار آغاز شد. نادر، زیر بار فتحعلی خان که عنوان اعتمادالدوله یا وزیر اعظم داشت نمی‌رفت و فتحعلی خان، کسی را که از راه نرسیده بخواهد بین او و شاه قرار گیرد، بر نمی‌تافت.

رستم‌الحکما می‌نویسد «عالیجاه فتحعلی خان قاجار تیموری از دیدن این حرکات و سکنات که از معشوق جورکیش بی‌وفا و از رقیب دیوسیرت بی‌حیا سر زد چون نره‌شیر شکار از دست و چنگال رها شده می‌گرید و مانند اژدهای طعمه از چنگ گریخته بر خود می‌پیچید و از روی تأسف دست بر دست می‌زد و این شعر حافظ را به مناسبت می‌خواند:

جفا و رنج و محنت دید بلبل
تنعم زان میان، باد صبا کرد

عالیجاه فتحعلی خان قاجار تیموری از استغنائی که در طبعش بود، التفاتی به عالیجاه نادر قلیخان قرخلوی مذکور ننمود و به هیچ‌گونه تعارفی او را سرافراز نفرمود و چون شب شد و به خواب ناز رفت در خواب دید که نره شیر عظیمی بر جانب او جست نمود و سرش را از تن جدا کرد. از سهم (وحشت) از خواب بیدار شد. چون صاحب فضل و کمال بود و تعبیر خواب می‌دانست گمان‌زد شد که آن شیر همین حریف پرشور و شر و همین رقیب بیدادگر خواهد بود. بسیار مهموم و مغموم و مضطرب شد».

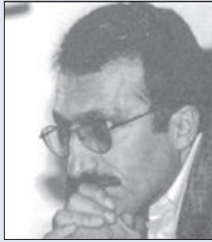
سرانجام، نادر مأمور لشکرکشی به مشهد و نبرد با ملک محمود سیستانی شد. داستان باز به‌روایت رستم‌الحکما: «... نواب والا‌جاه طهماسب میرزا به جانب وزرا و امرا خطاب فرمود که به جهت تسخیر نمودن قلعه طوس فکر بکری و تدبیر نیکی بکنید. هر یک داستانی عرض نمودند. عالیجاه فخرالامرا، فتحعلی خان قاجار تیموری عرض نمود آن کسی که تو را از دمورقایی اصفاهان به مردی و مردانگی و پهلوانی از میان دشمنان بیرون آورد و بر مسند فرمانفرمائی نشاند نیز می‌تواند قلعه مذکوره را به‌آسانی به‌تصرف تو درآورد.

نواب ولیعهدی فرمود که چرا در این باب صبر و تأملی داری؟

عالیجاه معظم‌الیه عرض نمود که آیا نشنیده‌ای که با دست شکسته پی کار می‌توان رفت و با دل شکسته پی کاری نمی‌توان رفت. که ناگاه نادرقلیخان قرخلوی عفريت‌شمایل سفاک به خاک افتاد و زمین را بوسه داد و عرض نمود: جهان‌پناه، ناز نمودن در خدمت پادشاهان نیکو نیست. متعهد این خدمت بنده کمترین می‌باشم...» نادر، با سپاهی به سوی مشهد تاخت. قلعه طوس را تسخیر کرد و ملک محمود سیستانی را کشت و سرش را بر دروازه آویخت و پیروزمندانه بازگشت و به لقب «طهماسبقلی» مفتخر گشت.

از آن پس، دیگر برای دو رقیب گردنکش در زیر یک سقف جا نبود. فتحعلی خان، رنجیده‌خاطر در خانه نشست و در به روی خود بست و از رفتن به حضور طهماسب میرزا خودداری کرد. در تاریخ عالم‌آرای نادری آمده است که روزی نادر با جمعی وارد خانه فتحعلی خان شد و او را گفت «خان! محبوس پادشاهی!» خان گفت «مزاح می‌کنی». گفت «بزنید گردنش را» که شخصی دست بر شمشیر کرده تا فتحعلی خان رفت که بر خود حرکت کند، بر گردنش زدند که سرش ده قدم دورتر افتاد. در شماره آینده: پایان داستان

معمایی به نام هویدا (۹)



نوشته دکتر عباس میلانی

هویدا خود را به داریوش فروهر تسلیم کرد

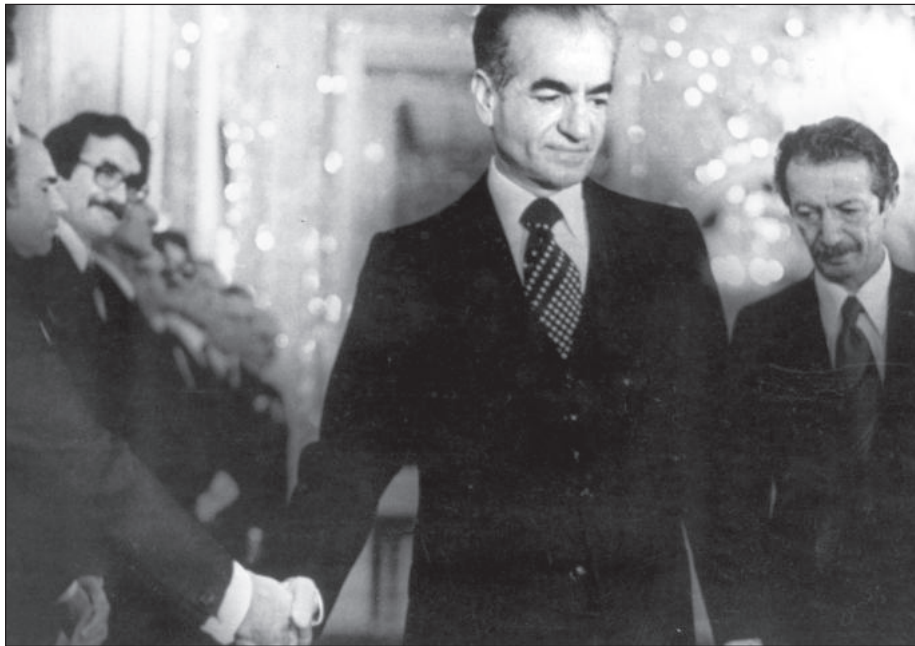
برخورد فروهر با هویدا محترمانه بود ولی تصمیمی که در باره انتقال وی به مدرسه رفاه گرفت نتیجه خوبی نداشت

مأمورین ساواک در آخرین ساعت به هویدا فرصت دادند که از زندان بگریزد و

پنهان شود اما هویدا نپذیرفت

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

بازنشست



بختیار وقتی به نخست وزیری رسید که از شاه و رژیم شاهنشاهی جز سایه‌ای بر جای مانده بود

مانند بسیاری از سیاستهای خود شاه تنها نوشداروی بعداز مرگ سهراب بود.

با اعلان بیطرفی ارتش، نگهبانان هویدا که همه عضو ساواک بودند، از بیم جان گریختند. به هویدا هم توصیه کردند فرار کند. برای تسهیل کارش کلید يك اتومبیل و يك قبضه هفت‌تیر در اختیارش قرار دادند. هویدا توصیه نگهبانان خود را نادیده گرفت. به جای فرار، به دکتر فرشته انشاء زنگ زد و گفت می‌خواهد خود را تسلیم مقامات جدید کند و از فرشته خواست که ترتیب این کار را فراهم کند. در کشاکش این تصمیمات، هویدا به يك نفر دیگر هم زنگ زد. يك هفته پیش. لایا امامی برای درمان دندانهایش به پاریس رفته بود. آخرین دیدارش با هویدا به مشاجره‌ای لفظی انجامیده بود. لایا از برخورد هویدا با شاه عصبانی شده بود. می‌گفت برخورد او انفعالی و زبونا نه است. حال که هویدا چاره‌ای جز انتظار نداشت، به پاریس زنگ زد و جویای احوال لایا شد. لایا که اخبار ایران را از طریق مطبوعات فرانسوی دنبال می‌کرد پاسخ داد که، «من را ول کن، حال تو مهم است. چطور؟» هویدا جواب داد که حال خودش بد نیست، ولی نگران وضع مملکت است. لایا توصیه کرد که هویدا از فرصت استفاده کند و هر چه زودتر از محبشش فرار کند. هویدا پیشنهاد لایا را هم نپذیرفت می‌گفت «دلیلی ندارم بترسم، کاری نکرده‌ام. می‌خواهم خودم را تسلیم کنم. به دوستان فرانسوی‌ام خبر بده.» و این واپسین گفتگوی تلفنی هویدا بود.

خروج از ایران، همواره تأکید و تصریح داشت که اعلان بی طرفی ارتش در جلسه فرماندهان ارتش به تصویب رسید و هیچ زمینه دیگری نداشت ولی اسناد سفارت آمریکا در ایران از داستانی دیگر حکایت می‌کند. بر اساس این اسناد، در عصر یازدهم فوریه، قره‌باغی، رئیس ستاد ارتش، بختیار نخست وزیر، و بازرگان با یکدیگر دیدار کردند و «قرار شد که قره‌باغی نیروهای ارتش را از تهران خارج کند و شهر را در اختیار نیروهای انقلابی بگذارد.» بدین سان، گام نخست در خنثی کردن ارتش، و تسهیل روی کار آمدن روحانیون برداشته شد.

با اعلان بیطرفی ارتش سربازان یا از پاسگاهها و سربازخانه‌ها گریختند، یا اگر در خیابان ها مستقر بودند، به سربازخانه‌ها بازگشتند. در تمام این دوران، هویدا هنوز در انتظار يك کودتای نظامی بود. بعد ها البته معلوم شد که انتظارش یکسره هم دون کیشوت وار نبود. روز پس از اعلان بیطرفی ارتش، درست چند ساعت بعد از آنکه بسیاری از سران ارتش بازداشت شده بودند، سفارت آمریکا در تهران تلگرافی از کاخ سفید دریافت کرد. دولت آمریکا از این طریق موافقت خود را با يك کودتای نظامی از سوی ارتشیان ایران اعلام کرد. واقعیت این بود که پیشتر، همین کاخ سفید، ژنرال هویزر را به این کشور فرستاده بود تا ارتش ایران را از اقدام به کودتای در دفاع از شاه برحذر کند. به فرماندهان گفته بود آمریکا چنین کودتایی را برنخواهد تابید. طبعاً تصمیم جدید دولت آمریکا نیز

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفندکس» در اساطیر نام يك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخش صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبل از نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحب نظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشنگر شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

شاه در ۲۶ دی ماه، درست يك روز بعد از رأی اعتماد مجلس به کابینه شاپور بختیار، از ایران خارج شد. بختیار عمری در جبهه ملی علیه رژیم شاه مبارزه کرده بود و زمانی نخست وزیر شد که از جلال و جبروت این مقام و قدرت سیاسی آن، جز هاله‌ای رنگ باخته چیزی باقی نمانده بود. در واقع از همان روز اول صدارت بختیار، معلوم بود که بخت پیروزی چندانی ندارد. نیروهای عرفی مسلک جامعه از او حمایتی نکردند. جبهه ملی او را از صفوف خود اخراج کرد و ارتش هم به او اعتمادی نداشت. به علاوه از اوایل فوریه سفارت آمریکا نیز نظر خود را در مورد آینده ایران تغییر داد و به این نتیجه رسید که، «به تخمین ما، جنبش اسلامی شیعیان ایران، به رهبری آیت‌الله خمینی، به مراتب متشکلاتر. روشن اندیشتر، و ضد کمونیست‌تر از آن چیزی است که مخالفان اسلام تا کنون به ما القاء کرده بودند. بعید نیست در جریان حکومت کردن، نوعی وحدت و همکاری میان نیروهای روشنفکری ضد روحانی و روحانیون پدید آید و حاصل چنین دموکراسی، چیزی در مقوله دموکراسی غربی می‌تواند بود.»

بختیار در نخستین هفته صدارتش، ساواک را منحل کرد. ولی آنچه به راستی نشان پایان عصر پهلوی و صدارت بختیار محسوب می‌شد، «اعلامیه بی طرفی ارتش» بود. می‌بینیم که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دیدار مهمی میان قره‌باغی و بختیار و بازرگان صورت گرفت. در واقع قره‌باغی پس از

هویدا خود را تسلیم کرد

دکتر فرشته انشاء بالاخره توانست با داریوش فروهر، که از وزرای کابینه جدید بود، تماس برقرار کند. به کمک او گروهی متشکل از یک روحانی، یک گارد مسلح، یک نماینده وزارت دادگستری، همراه با فرشته انشاء و شوهر خواهرش در دو اتومبیل سواری به ویلای ساواک در شیان، نزدیک تهران، شتافتند. هویدا چند هفته اخیر را در این ساختمان گذرانده بود.

خیابانهای شهر همه شلوغ بود. مردم هیجان زده در پیاده روها و خیابانها پرسه می‌زدند. شور بی سامان و ترور خودانگیخته انقلاب در هوا موج می‌زد. جوانان، اسلحه به دست سرمست از باده پیروزی، اداره خیابانهای شهر را در دست گرفته بودند. شب پیش برخی از انبارهای ارتش مورد حمله مردم قرار گرفته بود و هفت تیرها و مسلسلها و تفنگهای «مصادره شده» ای که در دست این جوانان بود همه دستاورد همان یورشهای شبانه بود.

گروههای انقلابی نیز در این حملات شرکت داشتند و مقدار زیادی اسلحه از این راه به دست آوردند. یکی از این گروهها حتی یک تانک «مصادره کرده» بود و آن را در یکی دو روز اول انقلاب در خیابانهای تهران جولان می‌داد.

نیروهای انقلابی به زندان ها هم یورش بردند. در انقلاب فرانسه، باستیل را فتح کردند و از آن پس، فتح زندان از مناسک واجب هر انقلاب بود. ولی تا شب انقلاب، بیش و کم تمامی زندانیان سیاسی ایران از زندان آزاد شده بودند. حاصل «فتح باستیل» این بار رهایی آن دسته از سران رژیم سابق بود که کماکان در زندان بودند. البته همه این زندانیان موفق به فرار نشدند. برخی به دست توده‌های هیجان زده افتادند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و اغلب هم تحویل مدرسه رفاه شدند که هم مقر آیت الله خمینی و هم مرکز فرماندهی انقلاب بود.

در نور دیدن خیابانهای تهران و رسیدن به زندان هویدا کار چندان آسانی نبود. البته این واقعیت که در جمعی که برای تحویل گرفتن هویدا می‌رفت یک روحانی هم بود که کار عبور از خیابانها را آسانتر می‌کرد. اغلب خیابانها سنگر بندی شده بود. جوانان هر محله، اغلب مسلسل به دست، نگاهیانی از این سنگرها را به عهده گرفته بودند. هر بار به یکی از سنگرها می‌رسیدند، روحانی جمع به پاسداران خود انگیزه انقلاب می‌گفت که، «ما از طرف امام ماموریت داریم»، و همین کلمات باز شدن راه و سنگر را کفایت می‌کرد.

به شیان که رسیدند، اوضاع اندکی خطرناک به نظرشان آمد. روستائیان ساکن ده که وجد انقلاب در پوستشان افتاده بود، در اطراف ویلای ساواک، که هویدا در آن حبس بود، جمع شده بودند. به نظر می‌رسید که نمی‌دانند چه کسی در آن چهاردیواری زندانی است. با این حال خشمگین به نظر می‌رسیدند. گویا می‌دانستند که خانه به ساواک تعلق داشته و همین واقعیت خشمشان را برانگیخته بود. دوباره به کمک آن روحانی، راهی از میان ازدحام روستائیان باز شد و درهای آهنین ویلا را هم، به هر تمهیدی که بود گشودند و وارد صحن ساختمان شدند. جاده‌ای شنی به خود ویلا ره می‌برد، و هنوز به انتهای جاده نرسیده بودند که هویدا را دیدند. در ایوان جلوی

ساختمان، تنها و بی محافظ ایستاده بود. بلوز یقه بلند خاکستری رنگی به تن و شلواری تیره رنگ به پا داشت. تازه اصلاح کرده بود با زندانبانان جدیدش محترمانه روبرو شد و خوش و بش کرد. می‌گفت چای تازه دم کرده ولی هیچکس سودای چای در سر نداشت. بیشتر نگران بودند که هر چه زودتر هویدا را از آنجا، و از دسترس روستائیان هیجان زده خارج کنند. از شوریدگی مردم و هیجان زدگی آنها واهمه داشتند. می‌دانستند که هویدا مهمترین زندانی انقلاب است و می‌خواستند هر چه زودتر او را به جای امنی برسانند. اما هویدا افکار دیگری در سر داشت. دائم تاکید می‌کرد که او خود را دواطلبانه تسلیم مقامات انقلاب کرده؛ ظاهراً به این دل خوش کرده بود که این واقعیت در هر دادگاه منصفانه‌ای به نفع او تمام خواهد شد و از گناهانش، هر چه که باشند، خواهد کاست.

در راه آمدن به محبس هویدا، اعضای گروه در نزدیک ویلای ساواک آمبولانسی دیده بودند که در یکی از خیابانهای مجاور پارک بود. با کمک مسلسل گاردی که همراه گروه بود، آمبولانس را به تصرف درآوردند و به داخل ویلا هدایتش کردند. آنگاه هویدا را به داخل آمبولانس فرا خواندند.

روحانی گروه توصیه کرد که هویدا در فضای خالی میان دو سکویی که در پشت آمبولانس قرار داشت، رو به زمین دراز بکشد. می‌گفت هدفش حفظ جان هویداست. می‌گفت به این ترتیب اگر هم کسی از پنجره به درون آمبولانس نگاه بیندازد هویدا را نخواهد شناخت. می‌گفت اگر کسی در میان مردم، هویت هویدا را بشناسد، چه بسا که نتوان جلوی خشونت و حمله مردم را گرفت. هویدا زیر بار نرفت. در عوض، کلاه کپی تیره‌ای بر سر گذاشت و خود را در گوشه سکوی دست چپ آمبولانس، حتی الامکان دور از ورودی و پنجره، جای داد و فرشته انشاء کنارش نشست و نماینده دادگستری هم در کنار او جای گرفت. دیگران در سکوی مقابل نشستند. تخت آمبولانس دو گروه را از هم جدا می‌کرد. روحانی گروه در اتاق جلوی آمبولانس، کنار راننده نشست. گمان این گروه این بود که حضور روحانی در کنار راننده راه پرخطر بازگشت را بر ایشان همواره خواهد کرد. در طول راه، هر بار که آمبولانس ناچار به توقف می‌شد، گروهی از مردم آمبولانس را دور می‌کردند و همواره چند چشم کنجکاو به شیشه در عقب آمبولانس می‌چسبید و درون را می‌کاوید. اما هویدا کلاهش را تا نزدیک ایروانش پایین کشیده بود و یکسره در سایه فرشته نشسته بود و به همین خاطر، از بیرون درست دیده و شناخته نمی‌شد.

امید گروه که وجود روحانی سفرشان را بی خطر خواهد کرد دیر نپایید. نزدیک یکی از سنگرهای خیابان، جوانان محافظ و مسلسل به دست فرمان ایست دادند، اما راننده فرمانشان را به موقع نشنید و آنها هم آتش گشودند و از قضا تنها خود راننده را مجروح کردند. گروه بالاخره پس از دردرهای زیاد همراه هویدا، به دفتر مرکزی جبهه ملی ایران رسید. دولت امریکا از اوایل دهه چهل کوشیده بود جبهه ملی را در ایران سر کار بیاورد. طرفه آن که این تلاشها بالاخره به فرجام رسید، اما نه در دوران سلطنت شاه، بلکه زیر نگین یک روحانی

هویدا و فروهر

در دفتر جبهه ملی، آمبولانس حامل هویدا را به گاراژی

زیرزمینی هدایت کردند. آنگاه هویدا را به سرعت به بخش خلوتی از ساختمان بردند. داریوش فروهر خود به استقبال زندانی آمد و با هویدا رفتاری سخت محترمانه داشت. میوه و نوشابه سفارش داد. چند دقیقه با هویدا گفتگو کرد. ساعت بعد را هویدا در همان اتاق گذراند. ساختمان پر از اعضای سابق و تازه جبهه ملی بود. از تمام کسانی که در آن شب در آن ساختمان جمع بودند، تنها انگشت شماری از آنان می‌دانستند که هویدا در یکی از اتاقهای آنجا موقتاً زندانی است. در این فاصله فروهر و دو تن از یارانش درگیر مساله هویدا بودند. نمی‌دانستند او را باید به کجا تحویل داد.

سرانجام بر آن شدند که او را به مدرسه رفاه ببرند که دیگر ستاد فرماندهی انقلاب به شمار می‌رفت. هویدا از این جهت با فروهر تماس گرفته بود که در واقع می‌خواست خود را تسلیم دولت موقت بازرگان کند. اما فروهر، پس از مدتی بحث و تبادل نظر با همکارانش، سرانجام هویدا را به مدرسه رفاه تحویل داد. در حقیقت با این کار قدرت دولت موقت به شدت تضعیف می‌شد. به گمان من این تصمیم به ظاهر ساده، در چشم انداز تاریخی، اهمیتی ویژه داشت. می‌توان گفت که نشان و نطفه تحولات ایران در چند ماه بعد از انقلاب، یعنی به طور مشخص تضعیف تدریجی دولت موقت و تقویت روز افزون قدرت روحانیون و کمیته‌ها را می‌توان در همان تصمیم ظاهراً ساده در باره هویدا سراغ کرد.

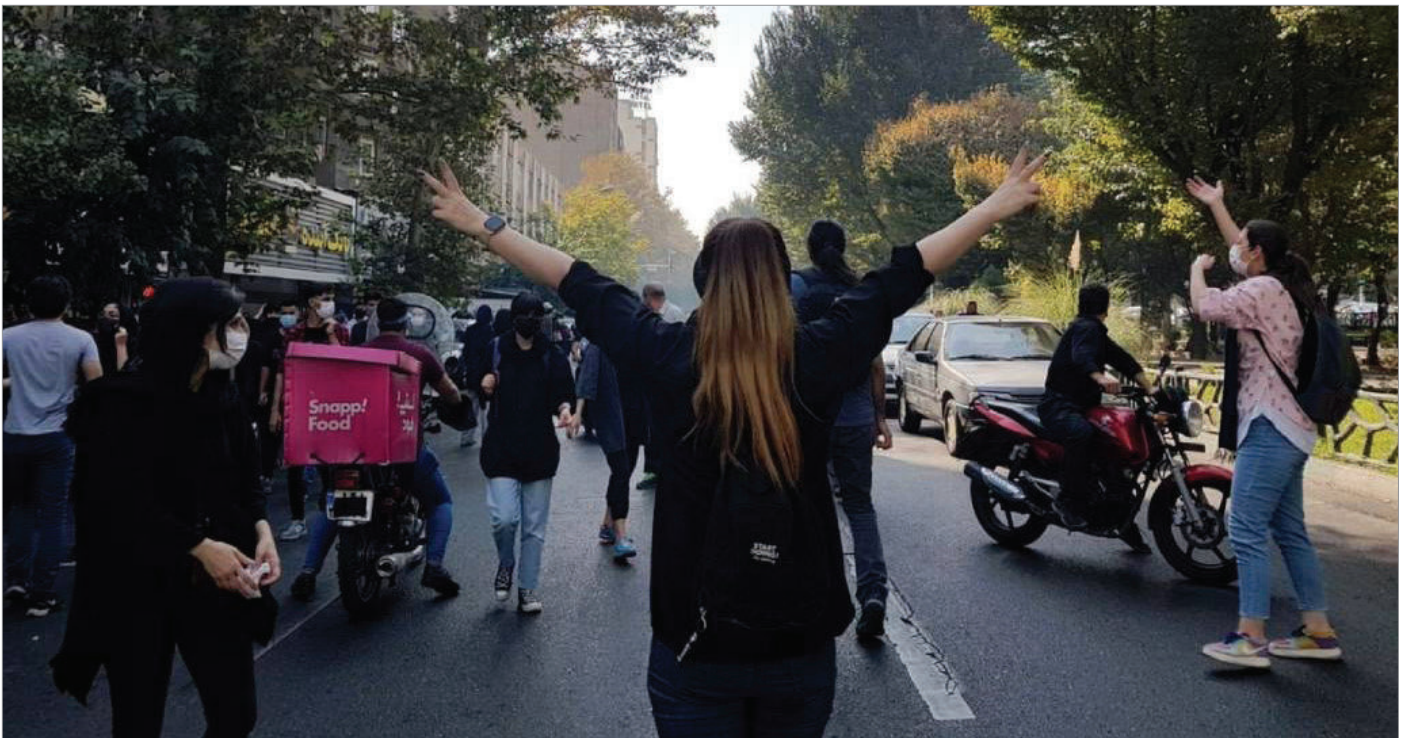
مهمتر از همه این که این تصمیم گیری چه بسا که در سرنوشت هویدا هم نقشی تعیین کننده داشت. ولی در آن شب پرهیجان مساله عمده فروهر و یارانش چگونگی انتقال زندانی به زندان بود. هوا سرد بود. گروهی که هویدا را از زندان شیان تحویل گرفته بود، دوباره به حرکت درآمد. برف آمده بود و خیابانهای شهر را می‌پوشاند.

خیل عظیمی از مردم در خیابانهای اطراف مدرسه رفاه پرسه می‌زدند. آمبولانس هویدا به زحمت راهی از این خیابان باز کرد و به در آهنین مدرسه نزدیک شد. لحظاتی طول کشید تا در را از داخل باز کردند و آمبولانس به صحن مدرسه راه یافت. دکتر فرشته انشاء و روحانی جمع، همراه همان گارد مسلح، هویدا را به طبقه دوم ساختمان همراهی کردند. از پله‌ها بالا رفتند و به راهرویی دراز و تاریک رسیدند. چند لامپ ضعیف تنها منبع نور راهرو بود. میز فلزی فیلی رنگی دیدند که پشت آن جوانکی نشسته بود. دمپایی پلاستیک به پا و مسلسل به دست داشت. ته ریشی چهره‌اش را تیره می‌کرد. و جئاتش ناراسته می‌نمود. آن سوی میز، در نزدیکی جایی که جوانک نشسته بود، جلوی در بسته اتاقی که تا چند روز پیش کلاس درس بود، تلی از کفشهای گونه‌گون و دمپایی‌های مختلف انبار شده بود.

هویدا را به اتاق کوچکی در طرف مقابل راهرو بردند. پنجره‌های اتاق را روزنامه‌های قدیمی پوشانده بود. در یکی از آنها تیتیر درشت روزنامه دیروز به چشم می‌خورد: «دیو که بیرون رود فرشته در آید». هویدا اکنون در ساختمانی زندگی می‌کرد که در عین حال محل سکونت رهبر انقلاب نیز بود. وقتی دکتر فرشته انشاء خسته و درمانده از فراز و فرودهای آن روز پراشوب، از در مدرسه رفاه بیرون آمد، شنید که مردم، به پیچ پیچ می‌گویند: «هویدا را الان آوردند.»

دنباله دارد

هیچ خوراکی از آشپزخانه شیطان اشتهای جامعه جوان ایران را تحریک نمی کند!



اعتراضات ضدحکومتی در ایران

پس چه باید کرد؟

این پرسشی است که بسیاری در درون نظام دارند. شماری از خودی‌های نظام بطور غیرمستقیم اظهار داشته‌اند که می‌بایستی بجای رهبری فردی، به سوی «رهبری غیرفردی» رفت. گروه سه نفره‌ای که شامل رئیس جمهوری حکومت اسلامی، سخنگوی مجلس قلابی و رئیس قوه قضائیه می‌شود، نشست‌های علنی متعددی را با بوق و کرنای فراوان برگزار کرده‌اند؛ چیزی که به ندرت پیشتر دیده شده بود. همچنین، برای اولین بار برخی اشاره کرده‌اند که با تغییر احتمالی قانون اساسی، جایگاه ولی فقیه کنار زده شده و به نحوی آن را با ریاست جمهوری ادغام کنند. یا این جایگاه، به سه یا پنج تن از اعضای «شورای عالی ارشاد» سپرده شود. برخی از خودی‌ها، با آنهایی که در حاشیه نظام قرار دارند بر این باور هستند که بهتر است سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قدرت را به دست گرفته و «فصل تازه‌ای از انقلاب اسلامی» را رقم بزنند. برخی از مخالفین تبعیدی نیز از سر استیصال در روای پیدا شدن یک ناپلئون بناپارت همین ساز را کوک می‌کنند. باری، دستپخت‌های دیگری هم وجود دارند. یکی از آنها آن است که دو رهبر خانه‌نشین شده‌ی «جنبش سبز» ۸۸، که از کار افتاده‌اند، از حصر خانگی بیرون آورده شده، در کنار آنها تیم محمدجواد ظریف به رهبری رئیس جمهوری پیشین، حسن روحانی را نشانده، و به امید بازگشت به «دوران طلایی امام» قدم برداشته شود. این نظریه بر این باور است که تیم جواد ظریف این شانس را دارد تا با دولت بایدن، که هنوز در قدرت و کمابیش کاخ سفید را در دست دارد، به معامله‌ای دست پیدا کند.

برخی از نزدیکان به نظام، ایده‌ی «یک گام به پیش، دو گام به پس»، پرداخته شده از طرف لنین را رواج می‌دهند که بایستی در حال حاضر عقب‌نشینی کرد و در زمان

بدهد، هنرمندان سرشناس را مجبور به تمکین در مقابل خود کند، روزنامه‌نگاران خارجی را از تهیه گزارش منع کند، جانوران هار خود را به جان مردم بیاندازد، همه چیز را به «ماموران سیا و صهیونیست‌ها» نسبت دهد، و ادعا کند که گروه‌های مسلح تجزیه‌طلب و داعش به کار گرفته شده‌اند تا شیعیان بی‌گناه را بکشند و ایران را از هم بپاشند.

این دستور عمل در مورد خیزش کنونی نیز به کار گرفته شده، اما هیچ نشانی از خاموشی این آتش خشم که بخش بزرگی از ملت ایران به ویژه جوانان را در بر گرفته در چشم‌انداز نیست.

در زمان نگارش این نوشتار، نام ۳۸۵ تن از کشته‌شدگان در دست است، که شامل ۴۰ زن، ۳۲ کودک و ۷ تن از نیروهای رژیم می‌شود. بر اساس آمار ارائه شده از سوی صلیب سرخ بین‌المللی، ۱۲۵۰۰ تن نیز دستگیر شده‌اند. حمله به «شاهچراغ» به داعش نسبت داده شده و در قتل عام در زاهدان نیز، که دست کمی از صحنه‌های میدان جنگ نداشته، رژیم ادعا کرده که پاسخ دندان شکنی به وحشت‌آفرینان مهاجم پاکستانی داده است.

اما هیچیک از این ادعاها هیچ اعتبار از دست رفته‌ای را برای رژیم به دست نیاورده. مسعود پزشکیان یکی از نمایندگان پیشین مجلس اسلامی با گله‌مندی می‌گوید: «مردم دیگر گفته‌های مقامات را باور نمی‌کنند».

از آنجا که دستپخت‌های رژیم دیگر کارکردی ندارند، بیشتر روحانیون، نیروهای نظامی، کسب و کارها و دستگاه‌های تبلیغاتی نظام یا سکوت اختیار کرده و یا در مورد واقعی بودن اعتراضات جاری با یکدیگر هم‌صدا شده‌اند. اینبار، در حالی که تمام ایران به آتش کشیده شده، آنها دیگر با سازی که ولی فقیه منزوی‌تر از همیشه می‌نوازد، نمی‌رقصند.

● برخی از نزدیکان به نظام، ایده‌ی «یک گام به پیش، دو گام به پس»، پرداخته شده از طرف لنین را رواج می‌دهند که بایستی در حال حاضر عقب‌نشینی کرد و در زمان مناسب و پس از فروکش کردن جنبش، مهار امور را دوباره به دست گرفت. از این جهت، دیده می‌شود که گشت ارشاد بدنام و منفور، به بهانه‌ی «کمبود نیرو» دیگر با نام «گشت ارشاد» دیده نشده و زنان بیشتری هر روز بدون حجاب، حتا در قلب تهران، در حال رفت و آمد هستند.

● ایران دارای جمعیتی است که بیشتر از جوانانی تشکیل شده که زندگی را در زمان حال می‌بینند، نه در گذشته‌های دور و ناپ‌مصنوعی یا آینده‌های تخیلی از شهادت و رفتن به بهشت. این جوانان می‌خواهند شاد باشند، از زندگی لذت ببرند، کار کنند، به نقاط گوناگون جهان سفر کنند و خلاصه، از یک زندگی عادی لذت ببرند. با این حال، ولی فقیه همواره تکرار می‌کند که اجازه نخواهد داد ایران «به یک کشور عادی» تبدیل شود.

امیر طاهری (انستیتو گیت استون) - آشپز و آشپزخانه همان است که همیشه بوده. مواد تهیه خوراک هم همان است. اما زمانی که آش پخته شده توسط عجوزه‌ها در رستوران، «بیت آیت‌الله»، به مشتری‌ها ارائه می‌شود، همه آن را با انزجار و بی‌زاری پس می‌زنند. این یادآور صحنه‌هایی از تلاش جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب مردمی جاری در ایران است.

از زمان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در طول ۴۳ سال گذشته، رژیم خمینی‌گرا همین دستور عمل را با همان مخلفات پیشین برای نجات خود به کار گرفته است. یعنی چند صد تن را بکشد، چند هزار تن را دستگیر کند، به نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم پول بیشتری

موفقیت کارزار تحریم «شرکت میهن»؛ مجازات پشتیبانی از سرکوبگران!



تصویری که گفته می‌شود مربوط به ارتباط ماشین‌های شرکت میهن با پرسنل نیروی انتظامی است

منتشر شد که نشان می‌داد کامیون‌های باری شرکت میهن با نیروهای امنیتی برای جابجایی آنها به داخل دانشگاه‌ها یا کلانتری‌ها همکاری کرده‌اند. حتی گفته شد که شماری از معترضان بازداشت شده در خیابان با این کامیون‌ها به مراکز امنیتی منتقل شدند.

شرکت «میهن» که از کارخانجات مربوط به قبل از انقلاب است و تأسیس آن به سال ۱۳۵۰ بر می‌گردد در صنایع غذایی و تولید فرآورده‌های لبنی و بستنی و آب میوه فعالیت می‌کند و حدود ۲۵ هزار تن در آن به کار مشغولند. در شبکه‌های اجتماعی چند لیست از شرکت‌ها و کارخانجاتی که سابقه همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند یا گفته می‌شود سرمایه‌گذاران آنها مرتبط با نهادهای حکومتی سرکوبگرند نیز منتشر شده و موضوع تحریم آنها بین مردم مطرح است. تحریمی که به نظر می‌رسد تأثیرگذار است. حتی مطرح شده مردم از خرید کالاهای غیرضروری خودداری کنند.

در این ارتباط رضا کنگری رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران گفته «در ایامی که اغتشاشگران در خیابان‌ها حضور داشتند بسیاری از مشتریان برای خرید به ما مراجعه نمی‌کردند و لذا حدود ۲ الی ۳ هفته کسب و کار بنکداران مواد غذایی به شدت دچار رکود شده بود.» وی با بیان اینکه «در مجموع شرایط رکود در بازار کماکان حاکم است»، گفت: «حضور اغتشاشگران و ناامنی‌های ناشی از حضور آنها بیشتر به این رکود دامن زد.» رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران در حالی مردم را مانند مقامات رژیم «اغتشاشگر» خوانده که بعید است نداند همین مردم «مشتریان» همه بازارها هستند!

● «شرکت میهن» توسط مردم در حالی تحریم شده که شماری از کارگران و راننده‌های این شرکت در ویدیویی نه چندان با قاطعیت، انتقال نیروی‌های سرکوبگر با مینی‌کامیون‌های یخچالدار این شرکت را تکذیب کرده و از مردم خواسته‌اند به تحریم این شرکت پایان دهند!

● رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران از رکود در کسب و کار بنکداران مواد غذایی به دلیل اعتراضات خبر داده است. او در حالی مردم را مانند مقامات رژیم «اغتشاشگر» خوانده که بعید است نداند همین مردم «مشتریان» همه بازارها هستند!

به دنبال تحریم «شرکت میهن» توسط مردم شماری از کارگران و راننده‌های این شرکت در ویدیویی نه چندان با قاطعیت، انتقال نیروی‌های سرکوبگر با مینی‌کامیون‌های یخچالدار این شرکت را تکذیب کرده و از مردم خواسته‌اند به تحریم این شرکت پایان دهند!

یکی از راننده‌ها مدعی شده «ماشین‌های میهن هم عایق دما و هم عایق رطوبت دارد و اگر هم خاموش باشد به خاطر عایقی که دارد هیچ هوایی وارد یخچال نمی‌شود و اکسیژن کم می‌آورد.»

یکی دیگر از راننده‌ها می‌گوید «مستأجر است و کرایه خانه می‌دهد و خرج دانشگاهی دارد و از پس مخارج بر نمی‌آید» و دیگری می‌گوید: «سوء تفاهم شده است.» بعد از انتشار این ویدئو شماری از کاربران در توئیتر تصویری را منتشر کردند که احتمال همکاری شرکت میهن با نیروهای امنیتی را تقویت کرده است. اواسط مهرماه در شبکه‌های اجتماعی گزارش‌هایی

مناسب و پس از فروکش کردن جنبش، مهار امور را دوباره به دست گرفت. از این جهت، دیده می‌شود که گشت ارشاد بدنام و منفور، به بهانه‌ی «کمبود نیرو» دیگر با نام «گشت ارشاد» دیده نشده و زنان بیشتری هر روز بدون حجاب، حتی در قلب تهران، در حال رفت و آمد هستند. افزایش حقوق ۲۰ درصدی برای پرسنل نظامی در ارتش، سپاه پاسداران و دیگر نیروهای گوناگون امنیتی، و افزایش حقوق بازنشستگی برای آندسته از کسانی که هنوز خاطرات خوبی از نظام در آنها زنده است، از دیگر راهکارها بوده است. حربه دیگر، برقراری همه‌پرسی در تغییر قانون اساسی نظام است. هدف این ایده، به تحلیل بردن توان خیزش ملی است؛ با این امید که همه‌پرسی راه امنی را برای خودکامگان باز می‌کند تا کارگزاران رژیم قادر باشند توهم اصلاح رژیم را به فروش رسانده و اقتدار آن را در آینده با روش‌های دیگری اعمال کنند.

با وجود این، چالشی که در مقابل رژیم قرار دارد، بیش از آن است که مخالفین آرزو کرده، یا طرفدارانش بیمناک از آن باشند.

رژیم خمینی‌گرا دورانی را متصور است که با واقعیات زمان کنونی فرسنگ‌ها فاصله داشته و از لحاظ تاریخی شدیداً ناپه‌نگام است. این رژیم، سودای فتح جهان طبق روایت‌های خمینی را در سر می‌پروراند. و این در حالیست که حتی در یک سرزمین خارج از مرزهای ایران هیچ خریداری نداشته است. در حالی که حتی حزب‌الله لبنان با شراکت «دشمن صهیونیستی» جیب‌هاشان را با توافق بر سر استخراج نفت و گاز در مناطق مرزی خود پر می‌کنند، آرمان ولی فقیه برای محو اسرائیل تنها می‌تواند لاف یا گزافه‌گویی‌های بزرگ باشد. این رژیم نه تنها در این دوران، بلکه فکر می‌کند در سیاره دیگری زندگی می‌کند. آنها درک نمی‌کنند که ایران در یکی از مهمترین نقاط ژئوپلیتیک جهان که هر سوی آن را دشمنان، دوستان دروغین و همسایگان بدخواه گرفته قرار دارد. ولی فقیه با رجزخوانی در توهم یک اتحاد سه‌گانه با چین و روسیه برای «پایان دادن به استیلای آمریکا» بوده است. اما واقعیت آن است که نه چین و نه روسیه، حاضر نیستند حتی یک ریال به کاسه‌گذاری خمینی‌گراها بپردازند.

نظام خمینی‌گراها با چالش شکاف رو به افزایش نسل‌های تازه نیز روبروست. ایران دارای جمعیتی است که بیشتر از جوانانی تشکیل شده که زندگی را در زمان حال می‌بینند، نه در گذشته‌های دور و ناپ‌مصنوعی یا آینده‌ای تخیلی از شهادت و رفتن به بهشت. این جوانان می‌خواهند شاد باشند، از زندگی لذت ببرند، کار کنند، به نقاط گوناگون جهان سفر کنند و خلاصه، از یک زندگی عادی لذت ببرند. با این حال، ولی فقیه همواره تکرار می‌کند که اجازه نخواهد داد ایران «به یک کشور عادی» تبدیل شود.

رهبران خردمند، از شکاف نسل‌ها و دگرگونی‌های تاریخی نه تنها پایگاهی برای اتحاد مردم خود، بلکه برای دوام خود نیز می‌سازند. رهبران نابخرد، دگرگونی را به دشمن خود و مردمان خود تبدیل کرده و هر دو را به جرگه بازندگان تاریخ سوق می‌دهند.

حتا اگر خیزش کنونی فروکش کند، نظام خمینی‌گراها به پایان خط رسیده و شاید بتواند تا چند صبحی دیگر به موجودیت خود ادامه بدهد. اما با آشکال دیگری از همان دستور عمل، آشپزخانه شیطان قادر به تحریک اشتیاق مردم ایران نخواهد بود.

*منبع: انستیتو گیت استون

*نویسنده: امیر طاهری

*ترجمه و تنظیم: داریوش افشار

جشن صدسالگی نشریه «ارتش شاهنشاهی ایران» در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صدسالگی انتشار نشریه «ارتش شاهنشاهی ایران» (قشون) را که بعد از انقلاب اسلامی نامش به «صف» تغییر کرد جشن گرفتند!

سیاسی ارتش جمهوری اسلامی!



در دوره محمدرضا شاه انتشار نشریات نظامی گسترده‌تر شد و نیروهای نظامی و شهربانی و ستادها نیز فعالیت‌های رسانه‌ای خود را گسترش دادند

بودند و تحریریه آن در طبقه سوم عمارت میدان مشق (باغ ملی) قرار داشت. بعدها در دوران پهلوی، از سال ۱۳۱۴ مجله قشون به «مهنامه ارتش شاهنشاهی» و بعدها «مهنامه ارتش

در این مراسم که ۱۵ آبان ماه با حضور عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی و حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ کننده ارتش، محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و خسرو معتضد

● مقامات لشکری و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صدسالگی انتشار نشریه «ارتش شاهنشاهی ایران» (قشون) را که بعد از انقلاب اسلامی نامش به «صف» تغییر کرد جشن گرفتند! ● انتشار نشریه نظامی «قشون» در سال ۱۳۰۰ چهار سال پیش از آغاز پادشاهی رضاشاه بزرگ و در دورانی که وی مسئولیت وزارت جنگ در آخرین سال‌های سلسله قاجار را برعهده داشت آغاز شد. مؤسس آن سرهنگ محمدحسین میرزا فیروز و مدیر آن سلطان افتخار نظام بودند و تحریریه آن در طبقه سوم عمارت میدان مشق (باغ ملی) قرار داشت.

● بعدها در دوران پهلوی، از سال ۱۳۱۴ مجله قشون به «مهنامه ارتش شاهنشاهی» و بعدها «مهنامه ارتش شاهنشاهی» تغییر نام داد. در این دوران در چند نوبت چاپ آن به صورت هفتگی و در مقطعی نیز به صورت ماهنامه ادامه یافت.

● محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رژیم با اشاره به اینکه نظام در «جنگ روایت‌ها» قرار دارد گفت «امروز اندکی از نوجوانان و قلیلی از جوانان ما دچار غفلت و اشتباه شده‌اند» و «دشمن به دنبال بهم زدن آرامش کشور است و تلاش می‌کند آینده‌سازان ایرانی را نسبت به کارآمدی نظام دینی ناامید کند». حال آنکه نه تنها این ناکارآمدی ذاتی بلکه سرشت تبهکار و ضدمردمی این نظام مدت‌هاست توسط خود جمهوری اسلامی به اثبات



نشریه قشون در دوران رضاشاه



جشن صدسالگی نشریه ارتش شاهنشاهی در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی!

شاهنشاهی» تغییر نام داد. در این دوران در چند نوبت چاپ آن به صورت هفتگی و در مقطعی نیز به صورت ماهنامه ادامه یافت.

در دوره محمدرضا شاه انتشار نشریات نظامی گسترده‌تر شد و نیروهای نظامی و شهربانی و ستادها نیز فعالیت‌های رسانه‌ای خود را گسترش دادند

پس از انقلاب اسلامی انتشار مجله ارتش شاهنشاهی

مورخ حکومتی که شهرت به روایت‌سازی و تحریف تاریخ و دروغ‌پردازی به نفع حکومت است، حضور داشتند.

انتشار نشریه نظامی «قشون» در سال ۱۳۰۰ چهار سال پیش از آغاز پادشاهی رضاشاه بزرگ و در دورانی که وی مسئولیت وزارت جنگ در آخرین سال‌های سلسله قاجار را برعهده داشت آغاز شد. مؤسس آن سرهنگ محمدحسین میرزا فیروز و مدیر آن سلطان افتخار نظام

رسیده و همین حقیقت مهم‌ترین دلیل اعتراضات مردم در سال‌های گذشته و خیزش آزادیخواهی کنونی است.

در ایران مقامات لشکری و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صدسالگی انتشار نشریه «ارتش شاهنشاهی ایران» (قشون) را که بعد از انقلاب اسلامی نامش به «صف» تغییر کرد جشن گرفتند!

هشدار کشورهای «گروه هفت» به جمهوری اسلامی در مورد سرکوب اعتراضات و نقض حقوق بشر



محکوم کردند.

در این بیانیه هشدار داده شده که اعضای «گروه هفت» از تمام اقدامات دیپلماتیک موجود برای پاسخگو کردن مقامات جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد. آنها از حکومت ایران خواسته‌اند که اجازه دسترسی برای تحقیق در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را فراهم کند.

در بیانیه کشورهای عضو «گروه هفت» آمده «ما به شدت اقدام ایران در بازداشت غیرمنصفانه شهروندان شهروند دوتابعیتی و شهروندان خارجی را محکوم می‌کنیم و می‌خواهیم که به این شیوه بازداشت‌های ناعادلانه به امید گرفتن امتیازات سیاسی پایان دهد.»

در این بیانیه همچنین از عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی در مورد دلیل شلیک موشک به هواپیما «اوکراین اینترنشنال» و ادامه حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه و بی‌ثبات سازی خاورمیانه و نقض تحریم‌های سازمان ملل با صدور سلاح به سایر نقاط از جمله روسیه انتقاد شده است.

کشورهای عضو «گروه هفت» تأکید کرده‌اند هرگز اجازه نخواهند داد جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دست یابد. آنها همچنین اعلام کردند با سایر شرکای بین‌المللی خود برای رسیدگی به عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ابعاد نظامی فعالیت‌های اتمی‌اش همکاری خواهند کرد.

همچنین کشورهای «G۷» بار دیگر هشدار دادند بطور جدی نگران گسترش برنامه هسته‌ای ایران هستند که هیچ توجیه غیرنظامی قانع‌کننده‌ای ندارد. اشاره این کشورها به رسیدن غنی‌سازی اورانیوم در ایران به بالای ۶۰ درصد است و تهدید از سوی مقامات رژیم به غنی‌سازی ۹۰ درصدی است.

● کشورهای «گروه هفت» در بیانیه‌ای با محکوم کردن سرکوب اعتراضات در ایران اعلام کردند از «آرمان اساسی مردم ایران» برای دستیابی به امنیت انسانی و حقوق بشر پشتیبانی خواهند کرد.

● در این بیانیه هشدار داده شده که اعضای «گروه هفت» از تمام اقدامات دیپلماتیک موجود برای پاسخگو کردن مقامات جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد.

● کشورهای عضو «گروه هفت» تأکید کردند هرگز اجازه نخواهند داد جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دست یابد. آنها همچنین اعلام کردند با سایر شرکای بین‌المللی خود برای رسیدگی به عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ابعاد نظامی فعالیت‌های اتمی ایران همکاری خواهند کرد.

کشورهای «گروه هفت» در بیانیه‌ای که جمعه ۴ نوامبر (۱۳) صادر شد با محکوم کردن سرکوب اعتراضات مردم ایران و نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی حمایت خود را از «آرمان اساسی مردم ایران» برای دستیابی به آینده‌ای که در آن از امنیت انسانی و حقوق بشر برخوردار باشند اعلام کردند.

در این بیانیه که همزمان با ادامه خیزش سراسری در ایران صادر شده آمده است که کشورهای «گروه هفت» استفاده وحشیانه از زور علیه معترضان و کودکان را محکوم می‌کنند و از مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهند به تعهدات بین‌المللی خود از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی احترام بگذارند.

این کشورها با تأکید بر «حق همه ایرانیان برای دسترسی به اطلاعات» انسداد آزادی‌های مدنی توسط حکومت ایران و هدف قرار دادن روزنامه‌نگاری مستقل و مدافعان حقوق بشر از طریق قطع اینترنت و فیلترینگ شبکه اجتماعی را

→ حدود هفت ماه متوقف شد اما پس از انتشار از آنجا که مخالفت‌های زیادی با اساس ارتش در بین انقلابیون وجود داشت با پیشنهاد علی خامنه‌ای و چند نفر دیگر از سال ۱۳۵۸ با نام قرآنی «صف» و به صورت ماهنامه انتشار آن ادامه یافت و محتوای آن نیز مثل همه موارد مشابه بیشتر روی مسائل ایدئولوژیک مرتبط با جنگ ایران و عراق و ترویج «پاسداری از اسلام» و «تقویت عنصر شهادت طلبی در راه دین» متمرکز شد.

در مراسم جشن صدسالگی نشریه «قشون» نیز عباس محمدحسینی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش اشاره می‌کند که نام این مجله ارتش شاهنشاهی پس از انقلاب اسلامی به نام قرآنی «صف» تغییر پیدا کرد.

حذف علائم و نشانه‌های ملی- میهنی ارتش و پهلوی‌زدایی از ساختار این تشکیلات نظامی از نخستین اقدامات انقلابیون بود که تا حذف نام «ایران» از شعارها و خطابه‌های ارتش نیز پیش رفت. محتوای نشریات نظامی که قبل از انقلاب ۵۷ به ویژه در دوران شاه فقید منتشر می‌شد عمدتاً بر اساس معرفی تکنولوژی و تجهیزات نظامی روز بود که به کشور وارد یا ساخت و مونتاژ آن در داخل آغاز شده بود و با مفاهیم «میهنی» و «سرزمینی» به مخاطب ارائه می‌شد اما پس از انقلاب نشریات نظامی به ویژه در ارتش عملاً تربیون سازمان عقیدتی سیاسی حکومت اسلامی شد و موضوع اصلی آن به ترویج «شهادت‌طلبی» و «پاسداری از اسلام و قرآن» و توجیه دلایل ادامه جنگ ایران و عراق و «برجسته کردن جریان مقاومت» و آمریکاستیزی و یهودی‌ستیزی تبدیل شد. محتوای فنی آن نیز به تبلیغ بهینه کردن تجهیزات فرسوده ارتش که از دوران پهلوی باقی مانده بود و یا بُرد موشک‌ها و پهپادهایی اختصاص یافت که در عمل راهبردی بر اساس منافع جمهوری اسلامی است و نه منافع ملی ایران و حفاظت از ملت و مملکت.

اکنون در شرایطی که خیزش سراسری در ایران ادامه دارد و از خواسته‌های اصلی مردم حمایت ارتشی‌ها از قیام ملی ایران است، مراسم صدسالگی نشریه «قشون» نیز تحت تأثیر این فضا قرار گرفت.

در همین ارتباط محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رژیم با اشاره به اینکه نظام در «جنگ روایت‌ها» قرار دارد گفت «امروز اندکی از نوجوانان و قلیلی از جوانان ما دچار غفلت و اشتباه شده‌اند» و «دشمن به دنبال بهم زدن آرامش کشور است و تلاش می‌کند آینده‌سازان ایرانی را نسبت به کارآمدی نظام دینی ناامید کند.» حال آنکه نه تنها این ناکارآمدی ذاتی بلکه سرشت تبهکار و ضدمردمی این نظام مدت‌هاست توسط خود جمهوری اسلامی به اثبات رسیده و همین حقیقت مهم‌ترین دلیل اعتراضات مردم در سال‌های گذشته و خیزش آزادیخواهی کنونی است.

با اینهمه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نتوانست این نکته مهم را ندیده بگیرد که «اینکه ارتش در صد سال قبل، رسانه را به عنوان محور اطلاع‌رسانی و وحدت درونی برگزیده‌اند، نشان از دوراندیشی آنها دارد.» البته منظور وزیر رژیم استفاده از رسانه به عنوان ابزار تحریف و مغزشویی است و نه «اطلاع‌رسانی» و روشنگری!

از همین رو نیز وزیر اشاد اسلامی یک لوح یادبود به پاس استمرار ترویج و تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی به سازمان عقیدتی سیاسی ارتش تقدیم کرد!

دو روز پیش از برگزاری این مراسم، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با اشاره به کشیده شدن اعتراضات به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و اعتصاب در مدارس و دانشگاه‌ها نسبت به توطئه دشمن علیه انقلاب هشدار داده بود.

دور تازه اعتصاب دانشجویان با تحریم کلاس درس و تحصن و تجمع در محوطه دانشگاه



● دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور دور تازه اعتراض و اعتصاب را از امروز شنبه ۱۴ آبان با تحریم کلاس درس و تجمع در محوطه دانشگاه آغاز کرده‌اند.

● «آبان ماه تابان، نظام رو به پایان»، «سیستم فاسد نمی‌خوایم، رهبر قاتل نمی‌خوایم»، «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم» و «خونی که در رگ ماست، خوراک رهبر ماست» از جمله شعارهای دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور است.

دور تازه‌ای اعتصاب دانشجویان از امروز شنبه ۱۴ آبان ماه آغاز شده است. دانشجویان در بیش از ۱۰ دانشگاه کلاس درس را تحریم کرده و در محوطه دانشگاه تجمعات روزانه برگزار می‌کنند.

دانشجویان در چند دانشگاه ایران با صدور بیانیه‌هایی اعلام کردند دور تازه اعتراض و اعتصاب را از امروز شنبه ۱۴ آبان آغاز کرده‌اند. این اعتراضات با تحریم کلاس درس و تجمع در محوطه دانشگاه ادامه خواهد یافت.

همزمان از صبح امروز تصاویر و ویدئوهایی از اعتصاب دانشجویان منتشر شده است که در بیش از ۱۰ دانشگاه کشور اقدام به تجمع و تحصن کرده و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی سر دادند.

«آبان ماه تابان، نظام رو به پایان»، «سیستم فاسد نمی‌خوایم، رهبر قاتل نمی‌خوایم»، «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم»، «زن زندگی آزادی، مرد میهن آبادی»، «با خون ما نوشتید، مهسا رو ما نکشیدیم»، «خونی که در رگ ماست، خوراک رهبر ماست»، «هر به نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه»، «دانشجوها تو حبسن، استادامون نشست»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» و «اوین شده دانشگاه، ایران شده بازداشتگاه» از جمله شعارهای دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور بود.

دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه «علامه» تهران در اعتراض به «امنیتی شدن فزاینده‌ی دانشگاه و ممنوع‌الورود شدن دانشجویان به محیط‌های آموزشی و خوابگاه» تجمع برگزار کردند و شعارهایی از جمله «نگ ما، نگ ما، رئیس الدنگ ما» و «آبان ماه تابان، نظام رو به پایان» سر دادند.

دانشجویان دانشگاه خوارزمی هم از جمله دانشجویانی هستند که به اعتراضات جدید دانشجویان پیوسته‌اند. آنها امروز در محوطه دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند و شعار دادند «آبان ماه تابان، نظام رو به پایان».

جمعی از دانشجویان پردیس شمالی دانشگاه تهران نیز مقابل ساختمان دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی تحصن کردند. این دانشجویان مورد محاصره حراست و چند لباس شخصی قرار گرفتند و با جملاتی چون «این نشست شما اینجا یعنی مخالفت با نظام و جرمه و برخورد شدید باهاتون

میشه» مورد تهدید واقع شدند. دقایقی بعد حسین ایزدیار رئیس حفاظت فیزیکی دانشگاه تهران بر سر این تحصن آمد و رسماً اعلام کرد «اگه بلند نشید در رو برای نیروهای نظامی باز می‌کنم که همونو بزن و کارتونم می‌گیرم!»

در این میان ویدئوهایی از تدریس برخی استادان برای کلاس خالی منتشر شده است!

در بیانیه دانشجویان دانشگاه تهران برای اعلام دور تازه اعتراضات آمده که «ممنوع‌الورودی، ضرب و شتم، هجوم نیروهای لباس شخصی، کمیته‌ی انضباطی، بازداشت‌های گسترده در داخل دانشگاه‌ها، ربودن از خوابگاه‌ها و جنایاتی از این دست چهره‌ی غالب برخورد نیروهای امنیتی و حراست دانشگاه‌ها با دانشجویان در هفته‌های اخیر بوده است. تلاش است تا ترس، ابری باشد که خورشیدمان را ناپیدا کند. در زمانه‌ای که ظلم در جامه‌ی قانون روا داشته شده، مزدوران حامی قانون شده‌اند و شریف‌ترین‌ها و آزادی‌خواه‌ترین‌ها ربوده می‌شوند، زمانی که عدالت‌خواهی جرم می‌شود و سرکوب نام نظم می‌شود، در چنین شرایطی به راستی چگونه انتظار می‌رود که به کلاس‌ها برگردیم؟ چگونه می‌توانیم بر روی صندلی‌هایی بشینیم که دوستان‌مان، عزیزان‌مان، نیکان و پاک‌افغان آنجا نشسته بودند؟ چگونه می‌توانیم این خیانت را ببینیم و سکوت کنیم؟»

دانشجویان دانشگاه ملی ایران (بهشتی) نیز نوشته‌اند که «ما دانشجویان بهشتی در کنار دیگر دانشجویان در سرتاسر ایران، از شنبه چهاردهم آبان ماه، از شرکت کردن در کلاس‌های درس سر باز خواهیم زد. و تا زمان آزادی دانشجویان زندانی، برطرف شدن جو امنیتی در دانشگاه و لغو برخوردهای امنیتی با دانشجویان معترض، به اعتصاب ادامه خواهیم داد. و از آنان که ساکت نشسته‌اند می‌پرسیم در کدام ایران زندگی می‌کنید، کجا نشسته‌اید که فریاد «هل من ناصر» دانشجوی، هم‌کلاسی و هم‌وطن خود را نمی‌شنوید؟ چقدر خون بی‌گناه دیگر باید بر زمین بریزد تا شما خواب‌زدگان بیدار شوید؟ چگونه با حقارت تدریس و تحصیل در کلاس‌های امنیتی کنار می‌آیید؟ آن قدمی که امروز برمی‌دارید، دانشجویی را می‌تواند آزاد کند یا جان آزاده‌ای را نجات دهد.»

دانشجویان دانشگاه یزد هم در بیانیه‌ای که با «به نام خالق زن زندگی آزادی» آغاز شده نوشتند: «ما جمعی از دانشجویان دانشگاه یزد در اعتراض و مقابله با اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی مسئولین دانشگاه مبنی بر تهدید، تعلیق، اخراج و ربوده شدن برخی از دانشجویان دانشگاه یزد و دیگر دانشگاه‌های استان از فردا شنبه، مورخ ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۱، کلیه کلاسهای درس خود را تحریم کرده و در راستای اعاده حقوق خود و ابراز همدردی و همبستگی با دیگر دانشجویان

کشور، استوار، ایستادگی خواهیم کرد.» در بیانیه دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد آمده که «بیش از ۴۰ روز است که صدای آزادی خواهی مردم ایران در سراسر جهان طنین انداز شده و پاسخی به جز گلوله، باتوم، تهدید و توهین به ما داده نشده است... ما به عنوان صاحبان حقیقی دانشگاه که غاصبان هر روزه در آن جولان می‌دهند اجازه نمی‌دهیم دست قدرت ظالمانه به روی صاحبان اندیشه بلند شود و با صدای رسا اعلام می‌داریم صدای آزادی، با تهدید، ارباب و خشونت‌های روز افزون شما پایان نمی‌یابد. ما امروز در این نقطه از تاریخ شجاع‌تر از همیشه و با آگاهی ایستاده ایم تا به همگان درس اتحاد و آزادی بدهیم.»

در بیانیه دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز آمده که «حراست دانشگاه علم و صنعت با افسارگسیختگی دست به تهدید، آزار و درگیری فیزیکی دانشجویان و ارباب خانواده‌های آنان زده است. ماشین حکم‌زنی کمیته انضباطی بدون طی تشریفات قانونی اقدام به احضار و پرونده‌سازی برای تعداد زیادی از دانشجویان کرده و در عین حال چشم بر اقدامات عناصر بسیج ضدانقلابی، اوباشی که مسجد دانشگاه را به شکنجه‌گاه خود تبدیل کرده بودند و دست به ضرب و شتم دانشجویان زده‌اند بسته است. جمع کثیری از دوستان و هم‌کلاسی‌هایمان نیز از ورود به محوطه دانشگاه محروم مانده‌اند. فضای خوابگاه‌ها با حصارکشی‌های مضاعف و نصب دستگاه‌های چهره‌نگار در خوابگاه دختران امنیتی‌تر از هر زمانیست.»

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نوشته‌اند «هیئات که جنبش دانشجویی با این دست اقدامات مذبوحانه طوق ذلت را بر گردن پذیرد. هیئات که زندانی کردن برادران و خواهرانمان را ببینیم و دم برنیاوریم.»

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت شروط خود را برای پایان اعتصاب و اعتراض اعلام کردند:

۱. آزادی تمام دانشجویان زندانی به خصوص ایلیا تابعی، علی فتاحی و علیرضا عباسی
۲. آزادی تمام زندانیان سیاسی
۳. لغو و کأن لم یکن شدن پرونده‌های کمیته انضباطی
۴. توقف ممنوع‌الورودی تمام دانشجویان
۵. بازگشت به خوابگاه دانشجویان تبعیدشده از خوابگاه کوی داخل به سایر خوابگاه‌ها
۶. رفع حصارکشی‌های مضاعف خوابگاه کوی داخل
۷. عدم ورود نیروهای نظامی و امنیتی به حریم دانشگاه
۸. توقف سرشماری‌های شبانه خوابگاه دختران
۹. برخورد با عوامل ضرب و شتم دانشجویان در مسجد



شماری از ایرانیانی که به کارزار حمایتی جو بایدن از مایک لوین نماینده کالیفرنیا رفته بودند

رهبران دنیا «تغییر رژیم» در ایران را جدی تر مطرح می کنند؛

جو بایدن:

مردم ایران به زودی کشورشان را آزاد خواهند کرد

وحشیانه با تظاهرکنندگان اعمال کرده اند. با ادامه خیزش انقلابی در ایران علیه حکومت موضوع «تغییر رژیم» در ایران جدی تر از گذشته میان رهبران دنیا و رسانه های بین المللی و تحلیلگران سیاسی مطرح می شود. جو بایدن دومین رهبر یک کشور قدرتمند است که طی یک هفته گذشته به صراحت از احتمال سرنگونی جمهوری اسلامی صحبت می کند.

پیشتر جاستین تروود نخست وزیر کانادا هفتم آبان ماه در تجمع فعالان و ایرانیان در اتاوا گفته بود «وقتی که رژیم در ایران تغییر کند و وضعیت در ایران بهتر شود، آنانی که امروز مسئولیت دارند، هرگز فراموش نخواهند شد و اجازه ورود به کانادا نخواهند داشت.»

اواخر شهریورماه در نخستین روزهای خیزش سراسری در ایران، کریستف هویسگن مدیر کنفرانس امنیتی مونیخ و رئیس سابق شورای امنیت سازمان ملل در مصاحبه با شبکه خبری NTV در آلمان گفته بود «من اینبار خشم کاملاً ویژه ای را می بینم که مردم را به شدت برانگیخته است. شهرهایی وجود دارند که در آنها پلیس با مردم به نوعی همبستگی نشان داده است... من بسیار امیدوارم که آنها موفق شوند و رژیم متزلزل شود.»

یکی از کشورهایی که از نخستین روزهای آغاز اعتراضات در ایران از مردم پشتیبانی کرده دولت آلمان، با وجود تعلل مقامات ارشد آن مانند صدراعظم و رئیس جمهوری این کشور، است. آنانا پروک وزیر خارجه آلمان اواسط مهرماه خطاب به مردم ایران گفت «ما طرف شما ایستاده ایم، سمت درست تاریخ!» دولت آلمان با محکوم کردن سرکوب ها در ایران در اعمال تحریم های اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی به خاطر نقض حقوق بشر موضع خود را به صراحت در مورد تحولات ایران اعلام کرد. در همین ارتباط مجید گلیور مشاور اتحادیه اروپا به رادیو فرانسه گفته بود که رهبران آلمان به این نتیجه رسیده اند که بازیگران قدرت در ایران نمی توانند در مقابل موج نوزایی که با خیزش جاری در این کشور آغاز شده مقاومت کنند.

زبان رانده، شاید از حواس پرتی که دارد، باشد. ایشان گفته است که ما بنا به آزاد کردن ایران داریم... ایران ۴۳ سال قبل آزاد شد و مصمم است به اسارت شما در نیاید، ما هرگز گاو شیرده نخواهیم شد. این در حالیست که جمهوری اسلامی سالهاست نه تنها گاو شیرده روسیه و چین است بلکه به غرب نیز به دلیل تهدیدات مداوم، با فروش اسلحه به کشورهای منطقه سود فراوان رسانده است! زبان های جمهوری اسلامی بیش از همه به کشور و مردم ایران رسیده است! یک روز پیش از این سخنان جو بایدن، نشست غیررسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد با هدف بررسی سرکوب معترضان در ایران توسط جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار شد. خروج سفرای خارجی از تهران و پشتیبانی از «تغییر رژیم در ایران» از پیشنهادات اصلی بود که در این نشست برای حمایت از خیزش مردم ایران مطرح شد. این نشست به ابتکار کشورهای آمریکا و آلبانی برگزار شد.

اینهمه در حالیست که دولت بایدن از سوی فعالان سیاسی و مدنی ایرانی با انتقادات زیادی روبروست. آنها می خواهند کاخ سفید مذاکرات آتی با جمهوری اسلامی را رسماً متوقف کند و از هرگونه معامله با رژیم ایران خودداری کند. جمهوری اسلامی با این امید که ترامپ می رود و دولت دمکرات ها با آنها مانند دوران اوباما به معامله خواهد پرداخت، هر پیشنهادی را از سوی دولت پیشین آمریکا رد کرد. اما دو سال پس از روی کار آمدن دولت بایدن، اساساً توافق آتی از دستور کار کشورهای غربی در حال حاضر خارج شده و همگی بر روی اعتراضات مردمی که جمهوری اسلامی را نمی خواهند متمرکز شده اند. به نظر می رسد غرب مشغول محاسبه سود و زیان تغییر رژیم در ایران و نیروی جایگزین است. موضوعی که مردم ایران آنها را به بررسی آن وادار کرده اند و به همین شکل نیز می توانند در نتیجه تغییر رژیم مؤثر بوده و نقش تعیین کننده داشته باشند. دولت آمریکا و همچنین اتحادیه اروپا در ماه گذشته تحریم هایی را علیه مقامات جمهوری اسلامی به دلیل رفتار

● به نظر می رسد غرب مشغول محاسبه سود و زیان تغییر رژیم در ایران و نیروی جایگزین است. موضوعی که مردم ایران آنها را به بررسی آن وادار کرده اند و به همین شکل نیز می توانند در نتیجه تغییر رژیم مؤثر بوده و نقش تعیین کننده داشته باشند.

● جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا در یک سخنرانی انتخاباتی در کالیفرنیا جایی که شماری از ایرانی ها در حمایت از مردم داخل کشور شعار می دادند گفت: «نگران نباشید، ما ایران را آزاد می کنیم. مردم ایران خودشان به زودی کشورشان را آزاد خواهند کرد.»

● قبل از رئیس جمهوری آمریکا جاستین تروود نخست وزیر کانادا در تجمع فعالان و ایرانیان در اتاوا گفته بود «وقتی که رژیم در ایران تغییر کند و وضعیت در ایران بهتر شود، آنانی که امروز مسئولیت دارند، هرگز فراموش نخواهند شد و اجازه ورود به کانادا نخواهند داشت.»

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا که شامگاه پنجشنبه سوم اکتبر (۱۲ آبان) در کارزار انتخاباتی ایالات متحده در کالج میراکوستا حوالی سن دیگو در ایالت کالیفرنیا سخنرانی می کرد به حضاران که تعدادی از آنها ایرانی بودند گفت که کشور آنها به زودی آزاد می شود.

بایدن خطاب به حضاران که تعداد زیادی از آنها ایرانی بودند و در حمایت از خیزش مردم داخل کشور نمادها و نشانه های مربوط به ایران را در دست داشتند گفت: «نگران نباشید، ما ایران را آزاد می کنیم. مردم ایران خودشان به زودی کشورشان را آزاد خواهند کرد.»

در این نشست حضاران بارها در حمایت از اعتراضات مردم ایران شعار دادند.

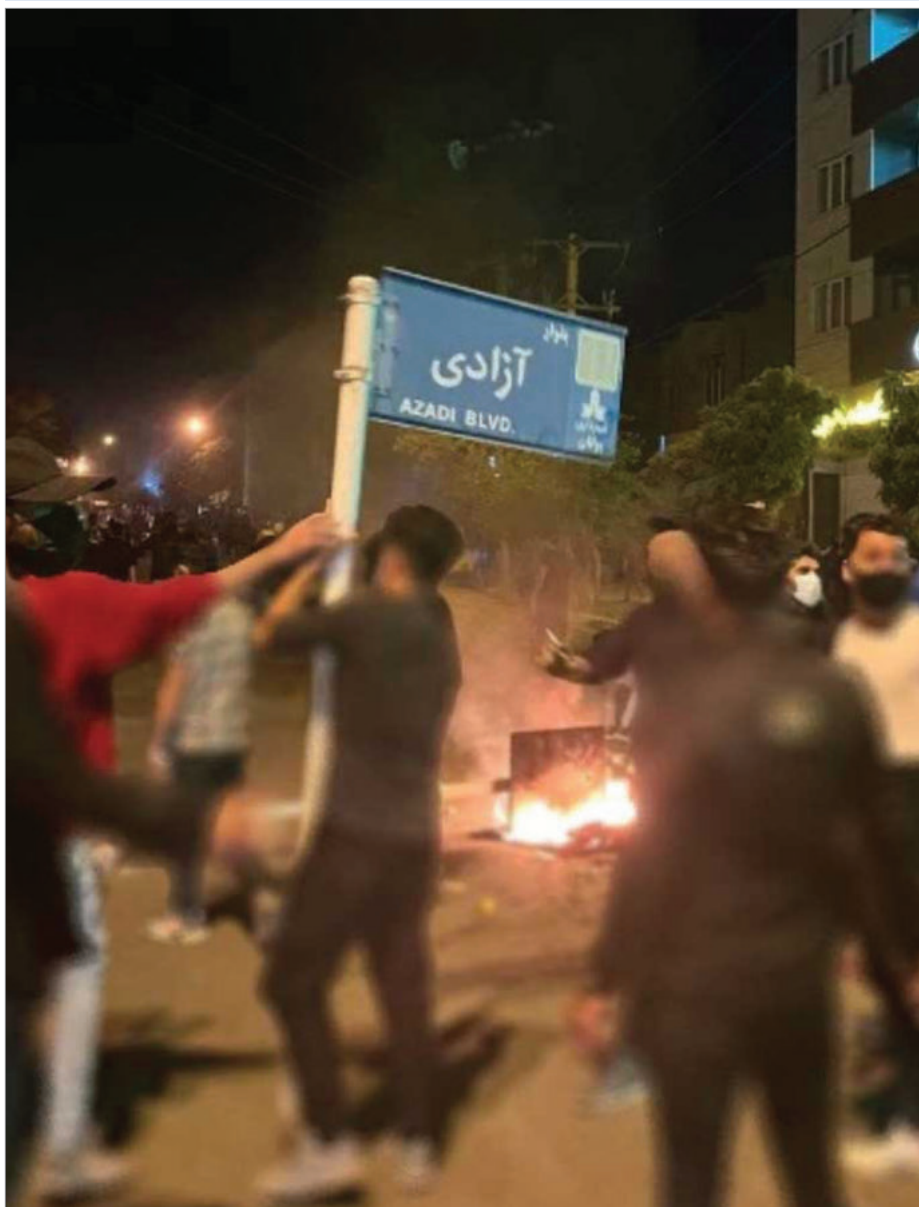
اظهارات بایدن با واکنش ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» روبرو شد. او که به مناسبت «روز دانش آموز» (سالگرد اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگانگیری ۴۴۴ روزه دیپلمات های ایالات متحده) سخنرانی می کرد گفت: «چند ساعت قبل مطلع شدم رئیس جمهور آمریکا جمله ای بر

Boloh مشاوران سازمان کمک دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند؟ تئوری ناهنجاری‌های اجتماعی



● هرگاه تناسب میان صلاحیت‌ها و کارکردها در شرایط نامتوازن و نامتقارن قرار گیرند، تفاهم متعارف اجتماعی رو به زوال گذاشته، و شیرازه‌های اجتماعی از همه گسیخته می‌شوند. بنابراین بسامان بودن روابط اجتماعی شرط انسجام یک جامعه‌ی متعارف و عادی و طبیعی است.

● واقعا چرا مردم تا این اندازه عصبانی و خشمگین هستند؟ بیاییم عمیق‌تر اندیشه کنیم. فضای رسانه‌ای تمایلی به توضیح و تحلیل علل واقعی رخدادها و چرایی قیام مردم ندارد. امروزه مردم فراتر از تحلیل‌های خبری به درک علمی علل نابسامان شدن جامعه و راه‌های خروج از آن نیاز دارند. این وظیفه را می‌بایست با دقت مورد توجه قرار داد. بی‌هنجاری برخاسته از هنجارهای دروغین تحمیلی از سوی حکومت دینی می‌تواند به عنوان یکی از ده‌ها پاسخ به بی‌قراری و قیام مردم علیه حکومت فریب و سرکوب باشد.

محمود مسائلی - به افتخار سلحشوری توماج صالحی
علیه هنجارهای دروغین تحمیلی از سوی حکومت اسلامی و با احترام به خانواده گرانقدر این جوان مبارز.

طرح موضوع

قیام برحق مردم ستمدیده ایران علیه بیش از چهار دهه حکومت استبداد مذهبی وارد مرحله فراگیر تازه‌ای شده است. این مرحله را می‌توان فراتر از فریادهای اعتراضی مردم در کوچه و خیابان و به منزله انقلابی آزادیبخش در نظر گرفت که در اعماق نگرش مردم به مفهوم زندگی همراه با حرمت انسانی، و در باورهای آنان در خصوص مفهوم حیات همراه با احترام به حرمت انسانی ریشه دوانده است. همانگونه که در نوشتار پیشین توضیح داده شد، تجربه چهل و سه ساله عدم بلوغ خودتحمیلی و پیامدهای مصیبت‌بار آن برای جامعه ایرانی، و حتی فراتر از آن برای همه جوامع سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داد که راهی بجز پایان بخشیدن به این صغارت خودتحمیلی وجود ندارد. مردم می‌بایستی ضرورتا خویشتن انسانی خود را باز یابند و با جسارت کامل آن پوسته سخت و منجمد صغارت خودتحمیلی را که مذهب سیاسی فریبنده به آنها القاء کرده در هم بشکنند. به همین دلیل، قیام مردم برای آزادی را باید نه فقط علیه حکومت استبداد مذهبی، بلکه می‌بایستی به منزله دگرگونی ژرفی در عمق باورها، اندیشه‌ها، و نگرش مردم نسبت به مفهوم حیات در نظر گرفت. شعار اصلی این قیام سراسری مردم، یعنی «زن، زندگی، آزادی» به زیباترین ابعاد و جلوه‌های شکوهمند و انسان‌ساز آن انقلاب درون‌باوری را بازتاب می‌دهد. بنابراین، حتی صرف نظر از ابعاد هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه یک چنین دگرگونی عمیقی در باورهای مردم، ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه این انقلاب امیدآفرین نیز باید مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. این ابعاد زیبایی‌شناسانه در بخش بعدی این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نوشتار حاضر به توضیح کوتاهی درباره یکی از تئوری‌های جامعه‌شناسی می‌پردازد که هرچند برای جامعه‌شناسان ایرانی آشنا است، اما بازهم می‌بایستی از منظر توضیحی که می‌تواند در باره چرایی قیام مردم علیه حکومت به اصطلاح الهی فراهم آورد، باز هم مورد توجه قرار گیرد.

خویش در آینده ایران فراهم آورد، خطر تحمیل نوع دیگری از «عدم بلوغ محتمل است» [۳].

برای ادامه بحث و اینکه چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند، به نظر می‌رسد اشاره کوتاهی به بخشی از نقطه نظرات توماس جفرسون (۱۸۲۶-۱۷۴۳) مفید باشد.

«ما این حقیقت را بدیهی می‌دانیم، که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند، توسط خالق خود به آنها حقوق مسلم خاصی اعطا شده که از جمله آنها می‌توان به مفاهیم زندگی، آزادی، و یافتن خوشبختی اشاره کرد. حکومت‌ها در میان انسان‌ها تأسیس می‌شوند و قدرت خود را از رضایت مردم می‌گیرند. هرگاه حکومت این اهداف را نادیده انگارد، مردم حق دارند علیه آن حکومت قیام کرده، را تغییر داده، حکومت جدیدی را ایجاد کنند، و پایه‌های جامعه

تئوری کلاسیک «بهم‌ریختگی‌های هنجاری» [۱] مبنای اصلی این نوشتار است. اما هدف اصلی این است که با ارجاع به ویژگی‌های آن تئوری، از آن به عنوان چارچوب مفهومی استفاده کرده و توضیح دهد که چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند. گویا خشم مردم نه فقط نسبت به استبداد و تمامیت‌خواهی اتحادیه آخوندی و کینه‌های کهن آنها نسبت به زندگی دموکراتیک، بلکه خشمی نسبت به باورهای کاذبی است که در شرایط تاریخی مشخصی که ریشه‌هایی دیرین در تاریخ پانصد ساله ایران داشته است، به مردم تحمیل شده است. به همین دلیل در نوشتار پیشین آنرا به منزله «آغازی بر خروج از صغارت خودتحمیلی» [۲] نامیدم. البته این هشدار را نیز باید در نظر گرفت که اگر این آغاز نتواند به شکوفایی رسیده و بستر مناسبی برای استقرار

این نگرش به قیام‌ها علیه شرایط اجتماعی و سیاسی نیاز به توضیح بیشتر دارد. در حالت نابسامان جامعه، فهم شرایط اجتماعی به مراتب پیچیده‌تر از هر نوع نگرش مکانیکی به جامعه و روابط آن است. در حالت بسامان، مردم کارکردها و وظایف خود را با توجه به نظام‌های ارزشی انجام داده و جامعه را در حالت تعادل قرار می‌دهند. در این شرایط متعارف، پیچیدگی‌های اجتماعی، موانع و مشکلات، انتظارات و نگرانی‌ها، و علائق عمومی با نظام‌های ارزشی حاکم بر جامعه و روابط آن در حالت طبیعی و عادی قرار می‌گیرد، و به تناسب نیازهای حاصل از پیچیدگی‌های روزافزون، با تغییرات تکاملی به درجات بالاتری از انسجام بسامان و هماهنگ هدایت می‌شود. دورکهایم معتقد بود که شکل‌گیری انسجام بسامان اجتماعی از طریق همگرایی میان بازیگرانی که در نقش‌های اجتماعی با یکدیگر تفاهم و مراوده دارند، حاصل می‌شود. بنابراین، آگاهی‌های خود را نیز درباره آن ارزش‌های اجتماعی که اینگونه مراودات را در حالت عادی قرار می‌دهند به وجود می‌آید. در نظر داشته باشیم که همه این روابط با توجه به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های اجرایی جامعه می‌توانند معنای واقعی همبستگی را تحقق ببخشند و ارزش‌های حقیقی جامعه نیز بر این شایستگی‌ها نظارت دارند. به عبارت بهتر می‌توان گفت که رابطه‌ای متقابلاً پیش‌برنده میان صلاحیت‌ها در کارکردهای متناسب اجتماعی و اجزای آن با آن ارزش‌هایی که این کارکردها را در مسیر طبیعی قرار می‌دهند وجود دارد. رابطه هماهنگ میان صلاحیت‌ها و کارکردها از یکسو، و ارزش‌های متناسب با آنها پایه انسجامی پایدار را به وجود می‌آورد. اینها به گونه‌ای جدانشدنی با یکدیگر عجین می‌شوند. این همبستگی است که افراد را به جامعه پیوند می‌دهد. [۹]

به همین دلیل است که دورکهایم به عنوان نظریه پرداز کارکردگرایی [۱۰] ساختاری شناخته می‌شود. این نظریه می‌تواند جامعه و نظم حاکم بر آن را به دلیل همان ساختارهایی که با هم به گونه‌ای موزون مراوده دارند تعریف می‌کند: «همه کارکردهای جامعه اجتماعی هستند، همانطور که همه کارکردهای یک اندام بسامان و ارگانیک است». [۱۱] آنچه انسجام بسامانی را در جامعه باعث می‌شود، همان تفاهم مردم بایکدیگر، و در نقش‌های حقیقی و متناسب با شایستگی‌های آنان، است. هرگاه تناسب میان صلاحیت‌ها و کارکردها در شرایط نامتوازن و نامتقارن قرار گیرند، تفاهم متعارف اجتماعی رو به زوال گذاشته، و شیرازه‌های اجتماعی از همه گسیخته می‌شوند. بنابراین بسامان بودن روابط اجتماعی شرط انسجام یک جامعه‌ی متعارف و عادی و طبیعی است. [۱۲] اما باید در نظر داشته باشیم که این ساختارها فقط توضیح دهنده رفتار افراد و اقدامات و افکار آنان نیست. این هنجارها و واقعیت‌های اجتماعی هستند که احساسات مشترک و جریان‌های اجتماعی را تنظیم کرده و آنها را در مسیر متعارف و عادی قرار می‌دهد. این هنجارها که از کنش‌های اجزای جامعه به وجود می‌آیند، خود را به صورت نهادها و نظام‌های ارزشی نشان می‌دهند که بر افراد تأثیر می‌گذارند. حال اگر در اثر بروز دگرگونی‌های ناگهانی و غیرمتناسب نظم متعارف و عادی با وقفه و گسست مواجه شود، ارزش‌های اجتماعی نیز فرو می‌ریزند. در حقیقت دگرگونی‌هایی غیرمتناسب و غیرعادی در ارتباط با ساختارهای اجتماعی تقسیم کار، صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها، و بهم ریختگی مراودات اجتماعی، مسیر طبیعی جامعه را با مک‌ثایی مواجه می‌سازد که ممکن است همه آن جامعه را در مخاطره قرار دهد. در اینجا است که هنجارهای

خویش و غیر خویش فقط از نوع رابطه بیگانگی است». [۶] از خودبیگانگی نتیجه بی‌مقدمه شرایطی است که در آن جوامع از هنجارهای حقیقی و متناسب با طبیعت انسانی و نیازهای مربوط به آن فاصله گرفته است. آنچه در این شرایط اتفاق می‌افتد این است که فرد خویش خویش را فراموش کرده و به موجودی فاقد هر نوع قدرت و توان برای تغییر شرایط تبدیل می‌شود. بنابراین از خودبیگانگی معنی خود را از شرایطی می‌گیرد که موجبات چنین گسستی از خود و ناتوان بودن برای تغییر و حتی عدم امکان اندیشه کردن را برای خروج از این اسارت به وجود می‌آورد. دورکهایم نظریه از خودبیگانگی را در قالبی کارکردگرایانه ساختاری توضیح داده و روابط اجتماعی در جوامع مدرن را به گونه‌ای توصیف می‌کند که در آن مجموعه اجزا توسط نظام‌های ارزشی و باورهای اجتماعی سامان یافته‌اند. در این جوامع رابطه میان اجزا با یکدیگر از طریق مراودات ارگانیک و بر اساس پیچیدگی‌های متناسب با آن جامعه سامان یافته، و در عین حال، هویت‌ها را نیز به ادراک و تعریف خود هدایت می‌کند. منظور این است که جامعه بر اساس هنجارها و نظام‌های ارزشی خود به افراد امکان فهم خویش خویش و همچنین جامعه را داده، و در اثر این امکان هویت‌یابی، مسیر حرکت اجتماعی را نیز تعریف می‌کند. علاوه بر این، تضادهای بالقوه میان تمایلات افراد و نظم اجتماعی از در نوعی هماهنگی با یکدیگر در می‌آید. هرگاه این هنجارهای اجتماعی از مسیر طبیعی خود خارج شود شرایطی به وجود می‌آید که در آن هنجارهای واقعی فرو ریخته و آن حالت طبیعی جامعه را به سوی نوعی آشفتگی می‌کشاند.

تلاش اصلی دورکهایم، برخلاف نظر مارکس، این بود که توضیح دهد که جامعه ماهیتی بسامان (یعنی ارگانیک) دارد تا اینکه یک مجموعه مکانیکی باشد که در آن اجرای جامعه به واسطه آگاهی‌های جمعی گروه‌های خاصی با یکدیگر پیوند یافته باشند. در حقیقت، در جوامع پیچیده به دلیل ماهیت تقسیم کار، هر فرد آگاهی‌های مربوط به خود و جایگاهی که در هدایت کل جامعه دارد را می‌شناسد و با عملکرد خود و در پناه ارزش‌هایی که بر آن جامعه حاکم است، با جامعه رابطه برقرار می‌کند. چنین ساختار اجتماعی ماهیتی دارد که توسط ارزش‌های ناظر بر جامعه تکوین می‌یابند. این ساختارهای بسامان نظم و هماهنگی را در درون خود مستتر می‌سازند به گونه‌ای که در آن همه امور به شکل مراوده و تفاهم و رو به تکوین هدایت می‌شود. به همین دلیل، ساختار اجتماعی ماهیتی ارزشی و اخلاقی به خود می‌گیرد «زیرا نیاز به نظم، هماهنگی و همبستگی اجتماعی عموماً نیازهای اخلاقی تلقی می‌شود». [۷] اما هرچند که «همبستگی اجتماعی یک پدیده کاملاً اخلاقی است» اما به خودی خود نمی‌تواند قابل مشاهده دقیق و اندازه‌گیری باشد» [۸]. آنچه اهمیت این وضعیت اخلاقی را نشان می‌دهد، همان وجود نظم اجتماعی پیوسته رو به تکامل و هماهنگی با نیازهای اجتماعی است. همبستگی اجتماعی ممکن است در اثر رویه‌های رو به رشد، و یا قوانین مربوط به روابط اجتماعی و تقسیم وظایف شکل گرفته باشند. بنابراین، رابطه‌ای میان فرآیند سیر طبیعی و تکاملی جامعه و انسجام اجتماعی وجود دارد که در پرتو ارزش‌های ناظر بر آنها جامعه را در حالت معمول و متعارف نگه می‌دارد. هرگاه این انسجام اجتماعی در اثر رخدادهایی مورد تزلزل قرار گیرد، کل نظم اجتماعی ارزشی نیز با تهدیدهایی مواجه شده، و در نهایت قیام‌هایی از درون همان جامعه در مقابل زوال ارزش‌های اجتماعی، که ماهیتی هنجاری و اخلاقی دارند، اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

مورد نظر خود را بر اساس اصول آزادی بنا کنند... این نه فقط حق مردم، بلکه وظیفه آنهاست که چنین حکومتی را کنار بگذارند، و برای امنیت و آینده خود نگهبانان دیگر برگزینند». [۴]

نکته قابل تامل در این بیانات تأکیدی است که نه فقط بر حق ذاتی برای قیام کردن علیه حکومت‌های غیرمردمی دارد، از همه مهم‌تر قیام علیه آن حکومت‌های غیر مردمی را به عنوان وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر برای مردم بر می‌شمارد. ادراک این وظیفه که مرزهای مفهومی آن بی‌تردید فراتر از حق داشتن برای سرنگون ساختن حکومت غیرمردمی امتداد می‌یابد، نکته‌ای است که می‌بایست مورد توجه متفکران و رهبران قیام مردم علیه حکومت مستبد مذهبی قرار گیرد. مبارزه با هر حکومتی که حرمت انسانی را نادیده انگارد وظیفه‌ای ناگزیر است. منظور این است که این وظیفه بر مفهوم حق قیام کردن پیشی می‌گیرد. درحقیقت، حق داشتن برای انقلاب علیه حکومت دینی تمامیت‌خواه هنگامی معنی پیدا می‌کند که از تعهد مردم برای مبارزه با آن حکومت سرچشمه گیرد.

تئوری‌های مختلفی که در مورد علل قیام مردم علیه حکومت‌های خودکامه ارائه شده‌اند، اغلب بر چنین حقی برای مردم تکیه کرده و اهمیت وظیفه برای براندازی آن حکومت‌ها را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. این تئوری‌ها به اشکال مختلف در نظریه‌هایی مانند «نفرت و کینه‌های کهن»، «تضادهای قومی»، «محرومیت نسبی»، «طمع برای کسب قدرت مالی و اقتصادی»، «جمود فکری و آیینی»، «ساختار بین‌المللی» و بعضاً «نظریه‌های توطئه» تبلور یافته‌اند. بنابراین طرح این پرسش که چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند و چرا علیه حکومت مذهبی قیام کرده‌اند، ضرورتاً باید با مراجعه به تئوری‌های یادشده توضیح داده شود تا مبنای علمی آن بر اساس معیارهای آکادمیک نیز سامان یابد. گاهی اوقات و در متن شرایط واقعی جوامع مختلف نیز ممکن است پاره‌ای از آن تئوری‌ها در یکدیگر ادغام شوند تا بتوانند قیام مردم را بهتر و روش‌تر توضیح دهند. به عنوان مثال، در شرایط کنونی ایران، قیام مردم نه فقط به عنوان واکنشی طبیعی نسبت به «کینه‌های کهن آخوندیسم علیه زندگی مدرن» بلکه می‌تواند به دلیل «محرومیت‌های تحمیلی» به مردم در همه ابعاد زندگی، فرصت‌طلبی و طمع دست اندرکاران و هواداران حکومت و یا حمایت‌های پنهان بخش‌هایی از ساختار بین‌المللی از حکومت آخوندی، توضیح داده شود. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که اساساً امکان اصلاح در حکومت فعلی امکان‌پذیر نیست. بلکه تنها راه نجات مردم برانداختن حکومت چهل و جنون تمامیت‌خواه از سرزمین مان است.

نظریه ناهنجاری‌ها

جامعه‌شناس فرانسوی، امیل دورکهایم با تلاش برای ارائه بدیلی در برابر نظریه «از خودبیگانگی» [۵] از کارل مارکس، به عنوان عامل تسلیم مردم در برابر حکومت‌ها، نظریه‌ای را مطرح ساخت که هنوز می‌تواند چارچوب کلاسیک قابل اعتباری برای بسیار از قیام‌های مردمی، از جمله قیام مردم ایران علیه رژیم اسلامی فراهم آورد. به نظر مارکس، در سیستم سرمایه‌داری انحصاری، کارگران امکان هیچ همگرایی با کارفرمایان خود ندارند بلکه مانند مهره‌هایی در یک ماشین بزرگ هستند که تنها وظایف محول شده توسط کارفرمایان را انجام می‌دهد. بنابراین، کارگران از همه ویژگی‌های انسانی خود گسیخته شده و از خود بیگانه گشته‌اند. گویا کارگران از هویت انسانی خود منتزع و مجزا شده‌اند و تنها آنچه‌ای که به آنها فهمی از خود می‌دهد رابطه میان شرایط کار و تولید سرمایه‌داری است: «بنابراین رابطه میان



رئیس در خاورمیانه: نبرد تاریخی سنت و مدرنیته

● در اروپا، مدرنیته پاسخ به سرکوب و جنایات کلیسا بود. اما در خاورمیانه، مسجد پاسخ به موج شتابنده مدرنیته بود که جوامعی را که اکثریت آنها را مسلمانان فرقه‌های مختلف تشکیل می‌دهند با تناقض تاریخی خود روبرو می‌کرد.

● شرط گذار به مدرنیته، مهار قدرت آزمند مذهب در چهارچوب نظام حقوقی مدرن است. نتیجه «بُرد- بُرد» وجود ندارد. یکی از این دو باید باززد. پیروزی اسلامگرایی، باخت مدرنیته است. نوزایی در خاورمیانه به «وزن‌کشی» قدرت‌های جهانی که هنوز همان بازماندگان بلوک «شرق» و «غرب» هستند نیز وابسته است. مدرنیته یک پدیده تمام شده نیست و جهان همچنان در نبرد بین سنت و مدرنیته از جمله در اروپا و آمریکا بسر می‌برد. مشکل، زمانی است که مدافعان مدرنیته بجای متشکل کردن خود، به سیاهی لشکر اسلامگرایان و سرکوبگران خویش تبدیل می‌شوند!

الاهه بقراط (بازنشر از ژوئیه ۲۰۱۳) - قرون وسطای سیاسی خاورمیانه به مثابه حکومت «دکانداران دین» (اصطلاح احمد کسروی) و شبیه آنچه قرن‌ها پیش اروپا شاهد آن بود، با تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران آغاز شد. تا آن زمان، گروه‌های پراکنده اسلامگرایان هرگز قدرت دولتی را به تمامی در اختیار نداشتند تا بتوانند احکام دینی و قوانین شریعت را به جامعه تحمیل کنند. حکومت‌های عربستان و پاکستان که با یکدیگر نیز متفاوت هستند، با وجود مضامین قرون وسطایی، در مقوله دیگری می‌گنجند.

صورت مسئله

در اروپا، مدرنیته پاسخ به سرکوب و جنایات کلیسا بود. اما در خاورمیانه، مسجد پاسخ به موج شتابنده مدرنیته بود که جوامعی را که اکثریت آنها را مسلمانان فرقه‌های مختلف تشکیل می‌دهند با تناقض تاریخی خود روبرو می‌کرد.

درون سنتی، مذهبی، خرافی و ارتجاعی جوامع با ظواهر مدرن وارداتی که نه تنها ابزار و فرهنگ تولیدش به آن جوامع تعلق نداشت بلکه حتا فرهنگ استفاده از آنها نیز به درستی آموخته و آموزانده نشده بود، بهترین فرصت را اختیار اسلامگرایان و دکانداران دین قرار داد و این نظام جمهوری اسلامی بود که به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی برای نخستین بار بر قدرت دولتی تسلط یافت و

فهم روشنی از این مفاهیم نداشتند، و همدستی برخی از دولت‌های خارجی ارزش‌های متناسب با یک جامعه طبیعی و متعارف را به یکباره ویران ساخته، ارزش‌های دروغینی را در همان فضای احساسی به کالبد جامعه تزریق نمود. ظهور گروه‌های سیاسی رنگارنگی که به سبب ماهیت وجودی خود نمی‌توانستند نیازهای واقعی مردم را به آنها یادآوری نمایند، و سپس جنگ میان ایران و عراق که شخص خمینی باعث و بانی شکل گرفتن آن بود، فضای ایران را برای بیش از یک دهه به شرایطی کشاند که طی آن اتحادیه تبهکار روحانیت شیعه توانست پایه‌های سلطه انحصاری خود را بر همه ابعاد و اجرای جامعه بگستراند و ارزش‌های دروغین به نام انقلاب به جامعه تحمیل شد. اما در حقیقت همان شرایطی بر جامعه مستولی شد که دورکهایم آنرا شرایط «بی‌هنجاری» می‌نامد. اما به تدریج که تب و تاب انقلابی فرو نشست، به تدریج این حقیقت آشکار گشت که طاعون مذهب سیاسی همه پایه‌های زندگی اجتماعی را فرسوده، در حالی که همزمان منابع طبیعی و انسانی کشور نیز به غارت رفته است. بطور طبیعی جامعه ایران امروز نمی‌تواند یک جامعه هماهنگ مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای انسانی باشد. جامعه بیمار، غیرسالم، فاسد، و ویران شده نتیجه طبیعی همان هنجارهای دروغینی است که به دلیل ماهیت غیرانسانی خود نه تنها نمی‌توانست تمیز خوب و بد را به مردم بیاموزد، بلکه می‌کوشید فریب و دروغ‌گویی را به جامعه تحمیل کند. این نظام فاسد راهی بجز خودکشی ندارد. به باور این نویسنده مردم به پوچی آن ارزش‌ها واقف گشته‌اند.

واقعا چرا مردم تا این اندازه عصبانی و خشمگین هستند؟ بیاییم عمیق‌تر اندیشه کنیم. فضای رسانه‌ای تقابلی به توضیح و تحلیل علل واقعی رخدادها و چرایی قیام مردم ندارد. امروزه مردم فراتر از تحلیل‌های خبری به درک علمی علل نابسامان شدن جامعه و راه‌های خروج از آن نیاز دارند. این وظیفه را می‌بایست با دقت مورد توجه قرار داد. بی‌هنجاری برخاسته از هنجارهای دروغین تحمیلی از سوی حکومت دینی می‌تواند به عنوان یکی از ده‌ها پاسخ به بیقراری و قیام مردم علیه حکومت فریب و سرکوب باشد.

حقیقی توضیح دهنده حرکت عادی و طبیعی جامعه در مسیر تکاملی خود نیز دیگر نمی‌تواند نظم امور را به عهده گیرند. این شرایط دگرگونی‌های غیرمتعارف ممکن است هنجارهایی را برای پاسخگویی به نیازها تعریف کند. اما از آنجا که آن هنجارها برخاسته از حرکت طبیعی جامعه نیستند، هرگز نمی‌توانند جامعه را در تعادل و پویایی تکاملی هدایت نمایند. این جابجایی در هنجارهای اجتماعی حالت بی‌قانونی، بیقراری و اضطراب، و گسیختگی‌ها را بر جامعه حاکم می‌سازند. این شرایطی است که دورکهایم آنرا نظم مکانیکی می‌نامد؛ یعنی نظمی که در آن اجزای جامعه در جایگاه‌های خود قرار ندارند، ارتباطات از حالت طبیعی خارج شده، و هنجارهای غیرواقعی به جامعه تحمیل شده است. این شرایط بی‌هنجاری نامیده می‌شود. [۱۳] درحقیقت، اگر همبستگی در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، به این دلیل است که روابط میان اجزای جامعه بسامان نیست. یعنی اینکه اجزای جامعه «در حالت بی‌هنجاری قرار دارند». [۱۴]

بی‌هنجاری به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای طبیعی و متعارف و عادی و منطبق با نیازهای جامعه وجود ندارند. در اینجا است که کل ارزش‌های اخلاقی جامعه نیز رو به اضمحلال می‌گذارد. در نتیجه، کنترل اجتماعی بسامان جای خود را به کنترل‌های تحمیلی و غیرمتناسب می‌دهد، همبستگی بسامان اجتماعی متزلزل شده و جای خود را به پیوندهای کاذب می‌دهد، ارزش‌های اخلاقی رفتاری همه فرو می‌ریزند، و جامعه در حالت بیقراری قرار می‌گیرد. این شرایط ناهنجاری، یا شرایط استقرار هنجارهای دروغین و کاذب تحمیلی به جامعه، مناسب‌ترین زمینه‌ها را برای قیام‌های طبیعی فراهم می‌آورد.

قیام برای ارزش‌های حقیقی

هدف اصلی نوشتار حاضر در اینجا بهتر آشکار می‌گردد. انقلاب سال ۱۳۵۷، و یا به تعبیر کسانی فتنه ۵۷، و یا انقلاب دزدیده شده، آنگونه که گروه‌های دیگر آنرا تعبیر می‌کنند، با هر عنوانی که از آن نام برده شود، موجبات توقف نظم طبیعی و بسامان جامعه را فراهم آورد. فضای احساسی و هیجانی آن زمان، به همراه ریشه‌های مذهبی عمیق جامعه، خطای روشنفکران، نفوذ گروه‌های چپگرایی که اساسا

* برای اطلاعات بیشتر به تاریخ‌های اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل و یا کانال تلگرامی این نویسنده با عنوان «اندیشه‌های حقوق بشری: دکتر محمود مسائلی...» مراجعه کنید.

The anomie theory [۱]

[۲] نگاه کنید به کیهان لندن مورخ شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲

[۳] نگاهی ساده به رسانه‌های جمعی و نیز فضای مجازی نشان می‌دهد که اکثریت عمده مردم بیشتر نسبت به تحلیل اخبار روز اقبال نشان می‌دهند. البته این امری کاملا طبیعی است. مشکل آنجاست که رسانه‌های بانفوذ و همچنین چهره‌هایی که در میانه همان فضای رسانه‌های صدای بلندی برای خود یافته‌اند، مایل نیستند بخشی از توان و امکانات خود را به توسعه اندیشه اختصاص دهند. شوربختانه اغلب تحلیل‌ها عاری از محتوی عمیق و یا دانش کافی در باره ساز و کارهای بین‌المللی و شناخت آن است. اغلب چهره‌های شناخته شده هم با طرح موضوعات خبری که برای مخاطبان آنها جذاب باشد، مانع از اندیشیدن می‌شوند. گویی رقابتی شتابان برای افزایش تعداد مخاطب عادی داشتن در جریان است. اراده‌ای هم برای باز کردن دریچه‌هایی برای کارهای عمیق نیست. تلاشی هم برای تشویق به خواندن و ممارست در حوزه تفکر صورت نمی‌گیرد. منبع همه تحلیل‌ها نیز همان فضای رسانه است و اغلب ممکن است کسانی ساعت‌ها در این رسانه‌ها سرگردان باشند تا گمشده خود را بیابند. اما آن یافتن نمی‌تواند از سطحی نازل فراتر رود. این خطری حتمی است که ممکن است بار دیگر زمینه‌های نوع دیگری از عدم بلوغ خودتحمیلی را در آینده باعث شود. گاهی اوقات بغض آنقدر گلو را فشار می‌دهد که نمی‌توان آنرا توصیف نمود.

The Declaration of Independence and Natural Rights [۴]

Alienation [۵]

[۶] Marx, K. and Engels, F (۱۹۹۹). The German Ideology. New York: Prometheus Books, p. ۲۹۸.

[۷] Durkheim, E (۱۹۸۴). The Division of Labour in Society. The Macmillan Press LTD, p ۲۴.

[۸] همان صفحه

[۹] صفحه ۶۱

Structural functionalism [۱۰]

[۱۱] همان منبع، صفحه ۸۱

[۱۲] صفحه ۸۷

Anomie [۱۳]

[۱۴] صفحه ۳۰۴



حرکت هزاران نفر با پای پیاده به سوی آرماستان آچی سقر / چهلیم مهسا امینی / چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱

مذهبی و خرافی، تقویت شده باشد، نبردی که نه تنها ایران بلکه کشورهای مسلمان‌نشین منطقه را از مصر تا ترکیه فرا گرفته است، اینبار با برتری مدرنیته ادامه خواهد یافت چرا که وجود این نبرد که دامنه آن به دلیل مهاجرت مسلمانان و ساکنان آسیا و آفریقا به اروپا و آمریکا نیز کشیده شده است نشان می‌دهد که مدرنیته یک پدیده تمام شده نیست. جهان همچنان در نبرد بین سنت و مدرنیته از جمله در قلب اروپا و آمریکا بسر می‌برد. از همین رو ایستادگی مخالفان رژیم‌های دینی و مقاومت در برابر تلاش‌های خرنده اسلامگرایان در مصر و ترکیه باید با تمام توان مورد پشتیبانی ایرانیان دموکراسی‌خواه قرار گیرد زیرا به سود ایران است.

در این میان، بنیه جامعه سیاسی ایران به شدت آسیب دیده است. تن دادن به بازی‌های حکومت بدون آنکه کسی جز خود حاکمان به بازی گرفته شوند، به آن می‌انجامد که هر کسی مانند زمامداران رژیم و یا محمد مُرسی در این روزها، مدعی شود که با «رأی مردم» روی کار آمده و کنار نمی‌رود! رفتار سیاسی شهروندان درست در اینجاست که اهمیت می‌یابد. آفریدن و یا حفظ «مشروعیت» گروه «اخوان‌المسلمین» در مصر یا حزب «عدالت و توسعه» در ترکیه و یا دار و دسته‌های جمهوری اسلامی در ایران، از سوی هواداران‌شان طبیعی است و جای هیچ ایرادی ندارد. مشکل زمانی است که معترضان و مخالفان اینان بجای متشکل کردن فعالیت و مبارزه خود، به توجیه صرفا سیاسی، به سیاهی لشکر سرکوبگران خویش تبدیل می‌شوند! حال آنکه نتیجه مسئله نیز در نبرد بین سنت و مدرنیته که این روزها با شدت کم‌نظیری در کشورهای منطقه جریان دارد، یکی است: نتیجه «بُرد- بُرد» وجود ندارد! یکی می‌بُرد و دیگری می‌بازد، و این بستگی به توازن متحد و متشکل نیروهای اجتماعی دارد. اسلامیت‌ها از اتحاد و تشکل برخوردارند. این نیروهای آزادیخواه و دموکراتیک هستند که بجای تبدیل شدن به زائده اسلامیت‌ها باید برای وحدت و تشکل خویش تلاش کنند وگرنه باز هم بازنده خواهند بود.

*این مطلب نخستین بار ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۳ در کیهان لندن منتشر شد.

این حکومت‌ها از لحظه تأسیس جزو اقمار «اتحاد شوروی» به شمار می‌رفتند و مانند جمهوری اسلامی تا آخرین لحظه نیز زیر چتر حمایت «روسیه» قرار داشته و دارند. پس نوزایی (رنسانس) در خاورمیانه و حل مسئله نبرد تاریخی سنت و مدرنیته به «وزن‌کشی» قدرت‌های جهانی که اتفاقا هنوز و همچنان همان بازماندگان دو قطب «شرق» و «غرب» هستند نیز وابسته است. جمهوری اسلامی بیهوده گمان می‌کند که با فروپاشی «بلوک شرق» جایی خالی شده و اوست که بدون هرگونه بنیه ذهنی و عینی که اندکی همخوانی با جهان امروز داشته باشد، باید بشتابد تا آن را پر کند. نگاهی به تحولات کشورهای مسلمان‌نشین در منطقه از جمله مقاومت مصری‌ها و ترک‌ها در برابر اسلامگرایان حاکم نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به کدام سوی تاریخ تعلق دارد. این مقاومت در طول سی و چهار سال گذشته بارها از سوی زنان و جوانان (دانشجویان) علیه رژیم ایران به نمایش گذاشته شد و در سال ۸۸ به اوج خود رسید.

در کشورهای عربی کوچک نیز اسلامگرایان و نیروهای دموکراسی در یک تناقض تاریخی به نبرد مشغولند. تناقض به این معنی که حکومت‌های اینان عمدتا اسلامگرایان دوست غرب هستند که ممکن است تن به عقب‌نشینی‌هایی بدهند. با اینهمه، آنچه همواره تعیین‌کننده است، بنیه خود جامعه است. کشورهای ذینفع نیز سیاست‌ها و اقدامات خود را بر اساس این بنیه تنظیم می‌کنند و تلاش می‌کنند از هر راهی که می‌توانند بر نبردهای جاری به سود خود تأثیر بگذارند.

رفتار انتخاباتی بخشی از مردم منطقه نیز درگیر همین نبرد است. برخی، از جمله در مصر، ترکیه و ایران، می‌خواهند با پشتیبانی از- یا همکاری با نیروهای مذهبی و سنتی نتیجه این نوزایی (رنسانس) و نبرد بین سنت و مدرنیته را تعیین کنند. شرط گذار به مدرنیته اما مهار قدرت آرماند سنت و مذهب در چهارچوب نظام حقوقی مدرن است. برای این دو، نتیجه «بُرد- بُرد» وجود ندارد. یکی از این دو باید ببازد. در سال ۵۷ مشروطه به مشروع، مدرنیته به سنت، و حکومت عرفی به حکومت مذهبی باخت. اگر ظرفیت مدرن جامعه ایران با وجود مبراران تبلیغات

یک حکومت قرون وسطایی را با استفاده ناگزیر از مظاهر مدرن، از جمله قانون اساسی، سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه و شکل نظام جمهوری بنیاد نهاد. حکومتی که «ولایت مطلقه فقیه» اصل و اساس آن است.

تمام مسئله بر سر این حکومت و این ساختار است و نه بر سر ظواهری که بطور متناقض هم از سرکوبگری آن و هم از سوء استفاده‌اش از ابزار دموکراتیک مانند «انتخابات» ناشی می‌شود. این ظواهر را همه حکومت‌های سرکوبگر و توتالیتار از جمله فاشیسم و کمونیسم در کشورهای اروپایی و دیکتاتوری‌های نظامی در آمریکای لاتین نیز داشته‌اند. آنچه آنها را به پرسش می‌کشید نه این ظواهر بلکه ساختار ضد‌مردمی و سرکوبگرانه آنها بود که یک فرد یا یک حزب و یا فرماندهان نظامی را در رأس آنها قرار می‌داد.

ویژگی قرون وسطایی یک حکومت دینی بر خلاف دیگر حکومت‌های ایدئولوژیک یا نظامی، نقش عوام‌فریبانه دین است که می‌تواند نه تنها توده‌های مذهبی و خرافی را به خود جلب کند بلکه همانگونه که انقلاب اسلامی در ایران و همچنین رشد اسلامگرایی در ترکیه و کشورهای عربی و آفریقایی و حتا بطور بطنی در کشورهای غربی نشان می‌دهد، می‌تواند گروه‌های مدعی روشنفکری و حتا در یک تناقض غریب، مدعیان سکولاریسم و جدایی دین و دولت را نیز به خود جذب کند! در هیچیک از حکومت‌های توتالیتار دیده نمی‌شود که کسی معترض و مخالف آنها باشد و با اینهمه بدون آنکه حتا به بازی گرفته شود، خود را در بازی حاکمان قاطی کند! بلکه برعکس، معترضان و مخالفان در شرایطی به مراتب محدودتر از جهان امروز، به تشکل و سازماندهی خود پرداخته و در آخرین موج مبارزات آزادیخواهانه قرن بیستم که به «انقلاب‌های مخملین» معروف شد، جغرافیای سیاسی جهان را تغییر دادند.

اینک نوبت خاورمیانه است. با این تفاوت مهم و سرنوشت‌ساز که خاورمیانه نمی‌توانست نقشی هر اندازه کوچک در تحولات غرب بازی کند (دست کم بر من شناخته شده نیست) ولی کشورهای قدرتمند غربی بنا بر منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی خویش، قطعا در تحولات خاورمیانه نقش بازی می‌کنند. این موضوع در طرح صورت مسئله و در معامله و معادله بین نیروها و حکومت‌های اسلامگرای منطقه (از آفریقا تا آسیای میانه) با غرب باید در نظر گرفته شود.

نتیجه مسئله

پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران در آخرین سال دهه هفتاد میلادی، الجزایر وارد دهه خونین هشتاد شد بدون آنکه تا به امروز توانسته باشد پاسخی قاطع به مسئله اسلامگرایی و حرص و آز اسلامیت‌ها برای کسب انحصاری قدرت بدهد. به قدرت رسیدن طالبان در دهه نود، کمان «اسلامگرایی عربی» را از آفریقا تا آسیای میانه کشید و تیری که در این کمان بود به برج‌های دوقلو در نیویورک اصابت کرد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بارزترین نماد نبرد بین تفکر قرون وسطایی و جهان مدرن است. تفکری که ابزار مدرن را برای نابود کردن تولیدکنندگان آن به کار می‌گیرد در حالی که خود، جز ویرانی، بدیلی در چنته ندارد که بتواند به تغییر و تکامل آن ابزار بپردازد.

تفکر در برابر تکنیک، از جمله در جنگ، خلع سلاح می‌شود و نقش غرب در راندن اسلامگرایی به سوی «اعتدال» برجسته می‌گردد حتا اگر قرار باشد حاکمانی چون صدام حسین، معمر قذافی و بشار اسد و حکومت‌هایشان همانگونه از میان برداشته شوند که بن لادن و القاعده‌اش!

تلاش فعالان و نهادهای حقوق بشری برای ارائه گزارش‌های مستند از جانباختگان و بازداشت‌شدگان خیزش انقلابی مردم ایران



همچنین بیشترین کشته‌ها به ترتیب در روزهای ۳۰ شهریور (۲۱ سپتامبر)، ۳۱ شهریور (۲۲ سپتامبر) و ۸ مهر (۳۰ سپتامبر، جمعه خونین زاهدان) گزارش شده‌اند. طی ماه جاری، روز جمعه ۱۳ آبان (۴ نوامبر) با ثبت دست‌کم ۱۶ کشته، خونبارترین روز بود.

سازمان حقوق بشر ایران تأکید کرده که مشخصات زیادی از جانباختگان اعتراضات به دست این سازمان رسیده که در حال راست‌آزمایی و مستند ساخت آن است و رقم ۳۰۴ نفر جانباخته، شامل شهروندانی است که بررسی اسناد جان باختی آنها در اعتراضات از سوی این سازمان انجام شده است.

ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر ایران (هرانا) روز دوشنبه ۱۶ آبان در گزارشی شمار جانباختگان اعتراضات در ایران را دست‌کم ۳۲۱ تن اعلام کرد. هرانا همچنین اعلام کرد که از این تعداد کشته ۵۰ نفر کودک و دانش‌آموز بوده‌اند.

هرانا پیشتر در گزارشی آمارهای مرتبط با بازداشت‌شدگان و جانباختگان بیست روز نخست خیزش ملی، از ۲۶ شهریور تا ۱۳ مهر ۱۴۰۱، را منتشر کرده بود.

بر اساس این گزارش خیزش ملی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی «از زمان فوت مهسا امینی، مقابل بیمارستان کسری در خیابان آرژانتین تهران آغاز شد و علیرغم فشار نهادهای امنیتی پس از خاکسپاری او در گورستان آچی سقز، شکل خیابانی به خود گرفت تا جایی که نهایتاً، بیست روز اول اعتراضات سراسری در ۳۱ استان، ۱۰۵ شهر و ۶۸ دانشگاه بزرگ کشور را حادفاصل ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ تا ۱۳ مهر ۱۴۰۱ رقم زد. علاوه بر ۲۲۶ حضور گسترده خیابانی، ۶۸ دانشگاه برای ۷۶ مرتبه در محوطه دانشگاه‌ها اعتراض کردند.»

در این گزارش هویت ۵۶۳ تن از شهروندان بازداشت شده، ۵۷ مورد بازداشت فله‌ای فاقد مشخصات در خیابان و بازداشت ۱۲۳ دانشجو ارائه شده بود.

همچنین تعداد کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که

و چه در مدارس و دانشگاه به سرکوب گسترده و مسلحانه معترضان پرداخته‌اند. هنوز آمار دقیقی از جانباختگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان این اعتراضات در دست نیست اما نهادها و سازمان‌های حقوق بشری در حال جمع‌آوری مستنداتی از قربانیان سرکوب جمهوری اسلامی هستند. اکانت توییتری «۱۵۰۰تصویر» که پس از اعتراضات سراسری آبان ۹۸ فعالیت خود را آغاز و در دو بخش فارسی و انگلیسی به اطلاع‌رسانی درباره قربانیان آن اعتراضات، و دیگر قربانیان سرکوب در جمهوری اسلامی و بازتاب اعتراضات در ایران می‌پردازد، طی روزهای گذشته در صفحه جدیدی با عنوان «۱۵۰۰تصویر-لیست» تصویر، نام و تاریخ و محل کشته شدن معترضان و همچنین بازداشت‌شدگان را منتشر می‌کند.

سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری هم تلاش دارند با جمع‌آوری اسناد و مدارک، فهرست و گزارش‌های مستندی از قربانیان این اعتراضات منتشر کنند.

بر اساس آمار و اطلاعات سازمان حقوق بشر ایران، شمار کشته‌شدگان اعتراضات اخیر به دست‌کم ۳۰۴ نفر رسیده است. بر اساس گزارش‌هایی که این سازمان دریافت کرده، ۴۱ تن از کشته‌شدگان زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند که ۹ تن از این کودکان دختر و سه تن از کودکان تبعه کشور افغانستان بوده‌اند. هنوز برای تمام آنها شناسنامه و اسنادی که نشانگر سن دقیق ایشان باشد، دریافت نشده است. تلاش برای ثبت دقیق سن آنان نیز ادامه دارد.

استان‌های سیستان و بلوچستان ۱۱۸ نفر، مازندران ۳۳ نفر، تهران ۳۰ نفر، کردستان ۲۶ نفر، گیلان ۲۲ نفر، آذربایجان غربی ۲۱ نفر، کرمانشاه ۱۳ نفر، البرز ۹ نفر، خراسان رضوی ۴ نفر، اصفهان ۴ نفر، زنجان ۴ نفر، لرستان ۲ نفر، مرکزی ۲ نفر، قزوین ۲ نفر، کهگیلویه و بویراحمد ۲ نفر، آذربایجان شرقی ۲ نفر، اردبیل ۲ نفر، ایلام ۲ نفر، خوزستان ۲ نفر، همدان ۲ نفر، بوشهر ۱ نفر و سمنان ۱ نفر در اعتراضات اخیر کشته داده‌اند.

● در صفحه توییتری «۱۵۰۰تصویر-لیست» تصویر، نام و تاریخ و محل کشته شدن معترضان و همچنین بازداشت‌شدگان مستند و منتشر می‌شود.

● بر اساس آمار و اطلاعات سازمان حقوق بشر ایران، شمار کشته‌شدگان اعتراضات اخیر به دست‌کم ۳۰۴ نفر رسیده است.

● ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر ایران (هرانا) روز دوشنبه ۱۶ آبان در گزارشی شمار جانباختگان اعتراضات در ایران را دست‌کم ۳۲۱ تن اعلام کرد.

● هنوز آمار دقیقی از نوجوانان بازداشت شده اعلام نشده است اما مقامات حکومتی بازداشت کودکان را تأیید کرده‌اند.

در هشت هفته گذشته و از آغاز خیزش ملی در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی توسط مأموران گشت ارشاد تا کنون صدها نفر با سرکوب نیروهای جمهوری اسلامی جان باخته و هزاران نفر زخمی و بازداشت شده‌اند. صفحه توییتری «۱۵۰۰تصویر-لیست» تصویر، نام و تاریخ و محل کشته شدن معترضان و همچنین بازداشت‌شدگان را مستند و منتشر می‌کند. خیزش ملی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی از ۲۶ شهریور و با جان باختن مهسا امینی در پی ضرب و جرح توسط مأموران گشت ارشاد آغاز و اکنون هشتمین هفته را پشت سر می‌گذارد. بر اساس گزارش‌ها مردم در سراسر ایران و در بیش از ۱۰۵ شهر به خیابان آمده و علیه جمهوری اسلامی و برای حقوق و آزادی خود دست به اعتراض و تظاهرات می‌زنند. جنبش‌های دانش‌آموزی و دانشجویی نیز در خیزش ملی نقش مهمی را بر عهده گرفته و دانش‌آموزان و دانشجویان با تحصن، تجمع و سر دادن شعار در محوطه مدارس و دانشگاه‌ها حمایت خود را از ایستادگی مردم در برابر جمهوری اسلامی نشان می‌دهند.

در مقابل، مأموران امنیتی و انتظامی و بسیجی چه در خیابان،



«هانی گرده» شرور بدسابقه تهران

گزارش ویژه؛ سپاه برای سرکوب مردم به دار و دسته «هانی گرده» متوسل شد! یک منبع مطلع: اغلب «گنده لات‌ها» با نظام همکاری نکردند

بایستند... برای همین مهدی محمودی و محمد ماشالله را که تازه از زندان آزاد شده بودند دوباره بازداشت کردند. «علی‌اکبری از طریق دوستانش که با بعضی از «گنده لات‌ها» و زندانی‌ها در ارتباط‌اند شنیده است که در زندان اوین دانشجویان و جوانان را در بند اراذل و اوباش سابقه‌دار و اعدامی‌ها انداختند و سپردند تا بازداشتی‌ها را اذیت و آزار جنسی و روانی کنند اما آنها همکاری نکردند و به همین دلیل تعدادی از آنان را به سلول انفرادی انداختند! با تداوم خیزش سراسری مردم برای آزادی و علیه جمهوری اسلامی، عوامل حکومت برای تقویت یگان‌های سرکوبگر



سفر / آبان ۱۴۰۱

سراغ مدیران و مربیان بعضی باشگاه‌های رزمی و پرورش اندام نیز رفته‌اند تا آنها را به جان مردم بیاندازند اما نتوانستند در جذب آنها موفق باشند. حتا بعضی از آنها که در برخورد با مردم در اعتراضات قبلی به بسیجی‌ها کمک کرده بودند اینبار حاضر به همکاری نشدند. وضعیت جامعه آنقدر دگرگون شده که حتا علیرضا خادم قهرمان سابق کشتی جهان که روابط بسیار خوبی با حکومت داشت به صف منتقدین نظام پیوسته است. ورزشکاران سرشناس به ویژه آنهایی که در رشته‌هایی مثل کشتی و جودو و پرورش اندام فعال‌اند بطور سنتی روابط ویژه‌ای با گروه‌هایی از جامعه دارند که بر اساس خُلق و خو و منش ویژه‌ی خود تعریف می‌شود. روابط نزدیک این ورزشکاران با هیاتی‌ها و مداحان مذهبی از یکسو و موقعیت اجتماعی که میان مردم کوچه و بازار و قشر کم‌بضاعت دارند حکومت را وسوسه می‌کند تا در مواقع اضطراری آنها را روبروی سایر اقشار جامعه قرار دهد اما اینبار این تلاش ناکام مانده است.

● یک منبع مطلع می‌گوید حکومت برای سرکوب دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) که دهم مهرماه اتفاق افتاد دار و دسته «هانی گرده» از اوباش معروف تهران را به آنجا فرستاد. او سابقه حضور در جنگ سوریه را به عنوان «مدافع حرم» هم دارد.

● به گفته «ی-الف» اطلاعات سپاه چند «گنده لات» را فراخواند و از آنها خواست روزهایی که تهران شلوغ است با نوحه‌های‌شان به خیابان بروند. در عوض قول دادند در مجازات آنهایی که حکم و جزای نقدی دارند تخفیف بدهند. اما خیلی از آنها قبول نکردند.

● حامد علی‌اکبری عضو پیشین تیم ملی پرورش اندام جمهوری اسلامی به کیهان لندن می‌گوید «به بعضی از آنها که دار و دسته دارند پیشنهاد پول دادند اما خیلی‌ها نرفتند... برای همین مهدی محمودی و محمد ماشالله را که تازه از زندان آزاد شدند دوباره بازداشت کردند.»

● علی‌اکبری از طریق دوستانش که با بعضی از «گنده لات‌ها» و زندانی‌ها در ارتباط‌اند شنیده در زندان اوین دانشجویان و جوانان را در بند اراذل و اوباش سابقه‌دار و اعدامی‌ها انداختند و سپردند تا بازداشتی‌ها را اذیت و آزار جنسی و روانی کنند اما آنها همکاری نکردند و به همین دلیل تعدادی از آنان را به سلول انفرادی انداختند!

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید حکومت برای سرکوب اعتراضات با کمبود نیرو و ریزش مواجه شده و سراغ اراذل و اوباش رفته اما تعداد زیادی از آنها نیز حاضر به همکاری نشدند.

این منبع می‌گوید جمهوری اسلامی برای سرکوب دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) که دهم مهرماه اتفاق افتاد دار و دسته «هانی گرده» از اوباش معروف تهران را آنجا فرستاد. او سابقه حضور در جنگ سوریه را به عنوان «مدافع حرم» دارد.

به گفته «ی-الف»، سازمان اطلاعات سپاه (ساس) چند «گنده لات» را فراخواند و از آنها خواسته روزهایی که تهران شلوغ است با نوحه‌های‌شان به خیابان بروند. در عوض قول داده‌اند در مجازات آنهایی که حکم و جزای نقدی دارند تخفیف بدهند. اما خیلی از آنها نرفتند. «بعضی از آنها گفته‌اند همکاری نمی‌کنیم و حبس می‌کشیم. بعضی دیگر هم مجبور شدند تهران را ترک کرده و موقتی گوشه و کناری خودشان را گم و گور کنند.»

حامد علی‌اکبری عضو پیشین تیم ملی پرورش اندام جمهوری اسلامی با تأیید این خبر به کیهان لندن می‌گوید «به بعضی از آنها که دار و دسته دارند پیشنهاد پول دادند اما نرفتند. حتا تهدید کردند که حکم‌شان را به اجرا می‌گذارند اما اینهم فایده نداشت و آنها حاضر نشدند جلوی مردم

➔ در سه هفته نخست خیزش ملی جان باختند توسط هرا نا به این شرح منتشر شد: زکریا خیال (۱۶ ساله)، امین معروفی (۱۶ ساله)، امیرعلی فولادی (۱۶ ساله)، پارسا رضادوست (۱۷ ساله)، سیاوش محمودی (۱۶ ساله)، نیکا شاکرمی (۱۷ ساله)، سارینا اسماعیل زاده (۱۶ ساله)، سامر هاشم‌زهی (۱۶ ساله)، امیرحسین بساطی (۱۵ ساله)، محمدرضا سروری (۱۴ ساله)، علی مظفری سالانقوچ (۱۷ ساله)، سدیس کشانی (۱۴ ساله)، جواد پوشه (۱۲ ساله)، جابر شیروزی (۱۲ ساله)، امیرمهدی فرخی پور (۱۷ ساله)، احسان علیبازی (۱۶ ساله)، امید صفرزهی (۱۷ ساله)، نیما شفق دوست (۱۶ ساله).

کمیتة حقوق کودکان ملل متحد در بیانیه‌ای با اشاره به «کشته شدن کودکان به وسیله گلوله‌های جنگی و اقدام به قتل آنها از طریق ضرب و شتم» تأکید کرده است که «خانواده این افراد مجبور گردیده‌اند تا با اعترافات اجباری، ادعا کنند که کودکان‌شان خودکشی کرده‌اند».

همچنین شمار زیادی از نوجوانان نیز در جریان اعتراضات در خیابان و مدرسه بازداشت شدند. هنوز آمار دقیقی از نوجوانان بازداشت شده مطرح نشده است اما مقامات حکومتی بازداشت کودکان را تأیید کرده‌اند.

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش دولت «قاضی مرگ» با تأیید بازداشت دانش‌آموزان گفته که «برخی دانش‌آموزان بازداشتی برای اصلاح و تربیت به مراکز روان‌شناسی ارجاع داده‌شده‌اند تا مانع از تبدیل آنها به شخصیت‌های ضداجتماعی شوند».

عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی و گردشگری روز یکشنبه ۱۵ آبان گفت که یکی از بازجوی‌های بازداشت‌شدگان اعتراضات جاری در ایران اذعان کرده است او حرف دهه هشتادی‌ها را نمی‌فهمد و سخت‌ترین بازجویی‌ها را از بازداشت‌شدگان این نسل تجربه کرده است.

عزت‌الله ضرغامی به نقل از یکی از بازجویانی که از دهه هشتادی‌ها و نوجوانان بازجویی می‌کند گفته که «من یک عمر بازجویی کردم؛ از آدم‌های درشت سیاسی بازجویی کردم و این چند روز چند صد نفر از افراد بازجویی کردم و این سخت‌ترین بازجویی من بود زیرا نه من می‌فهمم آنها چه می‌گویند و نه آنها می‌فهمند من چه می‌گویم».

قوه قضاییه نیز از هفته نخست آبان برگزاری دادگاه شماری از بازداشت‌شدگان را آغاز کرده است. بر اساس گزارش‌ها فقط در شهر تهران برای بیش از ۱۰۰۰ زندانی کیفرخواست صادر شده است. از سوی دیگر گزارش‌ها حکایت از آن دارد که تا کنون برای ده‌ها تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر، کیفرخواست «محاربه» و «فساد فی الارض» صادر شده که می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام شود.

به نظر می‌رسد مقامات جمهوری اسلامی، قصد دارند از صدور حکم اعدام و اجرای این احکام علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات، به عنوان ابزاری برای سرکوب و هراس‌افکنی در میان مردم معترض استفاده کنند غافل از اینکه بر خشم و انزجار مردم می‌افزایند و سرنوشت خود را نیز با این خشونت رقم می‌زنند!

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۱ در یک نشست خبری گفت که بر اساس آخرین آمارها، هزار و ۲۴ مورد کیفرخواست برای متهمان اغتشاشات اخیر در تهران صادر شده است. وی افزوده «دادگاه‌های اغتشاشگران به صورت علنی برگزار می‌شود مگر اینکه قرار غیر علنی بودن آن توسط مقام متصدی دادگاه صادر شود».

سخنگوی قوه قضاییه همچنین گفته است «باید نتیجه اقدامات و تصمیماتی که می‌گیریم باعث عبرت‌گیری و بازدارندگی متهمان باشد و از طرفی تمام تلاش ما بر این است تا حقی از احدى ضایع نشود».

ادامه بازداشت‌های سازمانیافته همزمان با تداوم خیزش انقلابی مردم؛ از وکلای دادگستری تا گردشگران خارجی!



● مصطفی نیلی وکیل دادگستری روز دوشنبه ۱۶ آبان در فرودگاه مهرآباد توسط مأموران سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد.

● شماری از گردشگران خارجی نیز که به تماشای اعتراضات ایستاده یا با موبایل عکس می‌گرفتند طی هشت هفته گذشته توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند.

● سخنگوی قوه قضاییه: باید نتیجه اقدامات و تصمیماتی که می‌گیریم باعث عبرت‌گیری و بازدارندگی متهمان باشد!

بازداشت‌های سازمانیافته نهادهای امنیتی از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. آخرین گزارش‌ها از بازداشت مصطفی نیلی وکیل دادگستری توسط مأموران اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) و همچنین شماری از گردشگران خارجی حکایت دارد.

مصطفی نیلی وکیل دادگستری روز دوشنبه ۱۶ آبان در فرودگاه مهرآباد توسط مأموران سازمان اطلاعات سپاه بازداشت شد. مصطفی نیلی وکلای بسیاری از فعالان مدنی و سیاسی و همچنین شماری از معترضان خیزش ملی اخیر را بر عهده داشته است.

فاطمه نیلی، خواهر این وکیل، در توثیتی نوشت: «دوشنبه ۱۶ آبان ساعت ۱۸ در فرودگاه مهرآباد تهران، اطلاعات سپاه برادرم مصطفی را بازداشت کردند و ساعت ۹ شب به همراه ۳ مأمور مرد و یک مأمور زن به منزل مادرم مراجعه، و پس از بازرسی منزل و توقیف شناسنامه و مدارک کاری، ایشان را با خود بردند.»

مصطفی نیلی پیشتر امردادماه ۱۴۰۰ به همراه ۸ وکیل و فعال مدنی دیگر و به دلیل تصمیم این افراد برای شکایت از علی‌خانم‌های، حسن روحانی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی که در واردات واکسن کرونا و مدیریت مبارزه با شیوع این بیماری کم‌کاری کرده و سبب درگذشت شمار زیادی از مردم شدند، بازداشت شده بود.

آرش کیخسروی، مهدی محمودیان، محمدرضا فقیهی، محمدهادی عرفانیان کاسب، مریم افراز و لیلا حیدری از دیگر افرادی بودند که همگی بازداشت و توسط مردم به «دادخواهان سلامت» معروف شدند.

مصطفی نیلی پس از چهار ماه و در آذرماه ۱۴۰۰ بطور موقت از زندان آزاد شده بود. پس از برگزاری دادگاه

«دادخواهان سلامت» شماری از آنها به زندان و محدودیت در فعالیت حرفه‌ای محکوم شدند.

بر اساس رأی صادره آرش کیخسروی به دو سال حبس و یک سال محرومیت از وکالت و فعالیت رسانه‌ای، مصطفی نیلی به چهار سال حبس و دو سال محرومیت از وکالت و فعالیت رسانه‌ای، محمدرضا فقیهی وکیل پایه یک دادگستری به ۶ ماه زندان، مهدی محمودیان به چهار سال حبس و دو سال محرومیت از فعالیت رسانه‌ای و مریم افراز به ۹۵ روز حبس تعزیری محکوم شدند.

اکنون این احتمال وجود دارد که مصطفی نیلی به هر دلیلی که بازداشت شده باشد، قوه قضاییه رأی صادره در پرونده «دادخواهان سلامت» را به اجرا گذاشته و او را برای چهار سال راهی زندان کند.

از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی از هشت هفته پیش، جمهوری اسلامی بجز بازداشت معترضان در خیابان و دانشگاه، بازداشت‌هایی سازمانیافته از میان فعالان مدنی، وکلا، روزنامه‌نگاران انجام داده و حتی داود سوری اقتصاددان و استاد دانشگاه را که در صفحه توئیترش به حمایت از مردم معترض و انتقاد از حکومت پرداخته بود بازداشت کرد.

بازداشت وکلای که پیش از این پرونده شمار زیادی از فعالان سیاسی و مدنی را به عهده داشته‌اند برای جلوگیری از پذیرفتن وکالت معترضان از سوی این وکلا صورت گرفته است. همچنین روزنامه‌نگارانی که به پوشش خبرهای مربوط به اعتراضات و جانب‌تگنان خیزش ملی می‌پرداختند نیز به شکل سازمانیافته بازداشت شدند.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۰ مهر ماه به تجمع وکلا در مقابل کانون وکلای دادگستری مرکز در میدان آرژانتین تهران یورش برده و شماری از وکلای حاضر در این تجمع اعتراضی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و با پرتاب گاز اشک‌آور و اعمال خشونت این تجمع را برهم زدند. در این تجمع، نیروهای امنیتی تعدادی از وکلا از جمله سعید شیخ را در مقابل ساختمان کانون وکلای دادگستری مرکز بازداشت کردند.

همچنین شماری از گردشگران خارجی نیز طی هشت هفته گذشته توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند.

محسن حاجی سعید رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی راهنمایان گردشگری ایران روز دوشنبه ۱۶ آبان در نشست

با نمایندگان تشکلهای گردشگری و با حضور ۱۸ نماینده مجلس با اعلام این خبر توضیح داده که برخی از گردشگران خارجی که به طور اتفاقی در محل تجمعات خیابانی بوده و از روی کنجکاوی به تماشای اعتراضات ایستاده و با موبایل عکس گرفته‌اند بازداشت شدند.

محسن حاجی سعید تأکید کرده که «به مقامات امنیتی که جلوی اعتراضات می‌ایستند باید گفته شود امنیت گردشگر و بازتاب بین‌المللی آن هم مهم است: این موضوع به یک مطالبه حیاتی برای گردشگری تبدیل شده است.»

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز هشتم مهر مدعی بازداشت ۹ تبعه اروپایی شد و آنها را به «جاسوسی و ایجاد اغتشاش» در کشور متهم کرد. کشورهای فرانسه، ایتالیا و اسپانیا بازداشت شهروندان‌شان را تأیید و با رد ادعای وزارت اطلاعات ایران خواهان آزادی فوری آنها شده‌اند.

در پی بازداشت شماری از گردشگران خارجی در ایران، شماری از کشورهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه طی روزهای گذشته از شهروندان خود خواسته‌اند هر چه زودتر ایران را ترک کنند. همزمان این کشورها با تأکید بر وجود خطر دستگیری خودسرانه و اعتراف اجباری از شهروندان خود خواسته‌اند به ایران سفر نکنند.

خبرگزاری هرانا گزارش داده که طی هشت هفته گذشته تعداد بازداشت شدگان ۱۴۸۳۳ نفر تخمین زده شده و نوشته که از این تعداد ۴۲۸ تن دانشجوی هستند و هویت ۱۸۶۲ بازداشتی مشخص است. در این بازه زمانی ۸۶۴ تجمع شهری و دانشگاهی انجام شده که در این تجمعات ۱۳۶ شهر و ۱۳۵ دانشگاه دخیل بودند.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه امروز سه‌شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۱ در یک نشست خبری گفته که بر اساس آخرین آمارها، هزار و ۲۴ مورد کیفرخواست برای متهمان اغتشاشات اخیر در تهران صادر شده است. وی افزوده «دادگاه‌های اغتشاشگران به صورت علنی برگزار می‌شود مگر اینکه قرار غیر علنی بودن آن توسط مقام متصدی دادگاه صادر شود.»

سخنگوی قوه قضاییه همچنین گفته است «باید نتیجه اقدامات و تصمیماتی که می‌گیریم باعث عبرت‌گیری و بازدارندگی متهمان باشد و از طرفی تمام تلاش ما بر این است تا حقی از احدی ضایع نشود.»



خیزش سراسری در ایران

عزم و استقامت مردم عامل شکاف در بدنه نیروهای سرکوبگر؛ حسین شریعتمداری: چرا مدارا می‌کنید؟! چرا تیر جنگی می‌زنید؟!

می‌کنند که چرا با معترضان مدارا و مہاشات می‌کنند! حال آنکه چند صد و هزاران زخمی و دستگیری قطعا نتیجه‌ی «مدارا» و «مہاشات» با معترضان نیست!

در همین ارتباط، حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه بدنام «کیهان تهران» در سرمقاله این روزنامه با عنوان «مدارا قبول ولی تا کی؟!» عملکرد نهادهای امنیتی به ویژه نیروی انتظامی را زیر سؤال برده و با صراحت سرشت تبهکارانه و جانی خود را به نمایش گذاشته و می‌نویسد اینکه «اعلام کرده‌اند پلیس از گلوله‌های جنگی استفاده نمی‌کند ناخواسته این پیام به آشوبگران است که با خیال راحت به هر جنایتی که می‌خواهند دست بزنند و مطمئن می‌شوند که دست پلیس از اقدام پشیمان‌کننده بسته است.»

طی پنجاه روزی که از آغاز خیزش انقلابی مردم ایران می‌گذرد بارها نیروهای امنیتی از سلاح جنگی علیه معترضان استفاده کردند. آنها کودکان و نوجوانان را با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای نیز به قتل رسانده و با ضربات باتوم جان جوان آنها را ستانده‌اند! با اینهمه تبهکارانی مانند حسین شریعتمداری گله‌مند هستند که چرا از «گلوله‌های جنگی» علیه معترضان دست خالی و بی‌دفاع استفاده نمی‌شود!

ریش نیروهای امنیتی و فرار آنها از خدمت، کاهش قوای جسمی به خاطر طولانی شدن اعتراضات، کمبود نیرو، عوامل روانی از جمله ترس و فشار افکار عمومی، هراس از صدمه و مرگ در جریان سرکوب و عذاب وجدان و تشدید احتمال سقوط نظام و مهمتر از همه استقامت و انگیزه مردم در مقابل به حکومت از عواملی است که سبب فرسایش قوا و تردید نیروهای سرکوبگر شده است.

این عوامل البته جدا از درگیری‌های درونی بین آنهاست. اینکه در سخت‌ترین شرایط نیروی‌های امنیتی آنهم در مقابل مردم نزدیک به دو ماه مرتب در حالت آماده‌باش قرار داشته باشند و دائم درگیر زد و خورد‌های خیابانی بوده و حقوق ناکافی نیز دریافت کنند و مجبور به تحمل فشار روانی نیز باشند حتماً در برخورد آنها با موضوع اعتراضات تأثیرگذار است. بی‌نتیجه ماندن سرکوب همراه با تغییر تاکتیک‌های میدانی، یگان‌های سرکوبگر را با مشکلات جدی‌تر تا رده‌ی فرماندهی مواجه می‌کند. همه این شرایط سبب درگیری میان آنها اتفاقاً درست در زمانی می‌شود که نظام به نیروی آنها برای ایستادن در مقابل مردم نیاز دارد.

پایگاه‌های نظامی شهرستان ماهشهر حمله مسلحانه شده است.

در کرج روز پنجشنبه ۱۲ آبان اشتباه بزرگ نیروی انتظامی و بسیجی‌ها در جلوگیری از برگزاری مراسم چهل‌م دو نفر از جانب‌اختگان اعتراضات اوضاع را چنان بحرانی کرد که مردم صبرشان لبریز شد و با نیروهای امنیتی درگیر شدند. حاصل این درگیری‌ها کشته شدن دو بسیجی و جراحت شدید ۱۰ مأمور نیروی انتظامی بود.

در یک هفته گذشته دست‌کم ۷ بسیجی و لباس شخصی در گوشه و کنار ایران توسط افراد ناشناس کشته شدند. هرچند مقامات حکومتی مدعی‌اند این افراد در اعتراضات از بین رفته‌اند اما در چند مورد گزارش شده که نیروهای امنیتی در خیابان با یکدیگر درگیر شده‌اند. یکی از همین درگیری‌ها شامگاه ۱۲ آبان بین پرسنل یگان ویژه نیروی انتظامی و بسیجی‌ها در سعادت‌آباد تهران بود. در این ارتباط گزارش شد که نیروهای پلیس با اسلحه ساچمه‌ای به سمت بسیجی‌ها شلیک کردند.

در این میان، حامیان نظام مرتب اصرار می‌کنند که نیروهای امنیتی باید مہاشات را کنار بگذارند و بر اساس توهمی که به آن دچارند گمان می‌کنند نیروی انتظامی و سپاه هنوز «زور کافی» یا «تمام توان» خود را برای مهار اعتراضات به کار نگرفته‌اند!

با اینهمه به اعتراف برخی مقامات ارشد نظام «جنس اعتراضات کنونی با گذشته متفاوت است.» تجربه چند دوره اعتراض سراسری از سال ۸۸ به بعد به ویژه به نسل جوان آموخته‌چطور در میدان نبرد از خود در مقابل نیروهای امنیتی دفاع کنند از جمله با پیاده کردن الگوی «خیزش محله‌محور» نیروهای سرکوب فرسوده و پراکنده شده و تلفات نیروهای امنیتی افزایش پیدا کرده است. سردار رسول سنایی‌راد معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی خامنه‌ای با اشاره به فراوانی حضور افراد بین ۱۷ تا ۲۱ سال در اعتراضات اعتراف می‌کند که «نظام ضربه خورده است.»

از سوی دیگر، مقامات نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی برای لاپوشانی جنایاتی که مرتکب می‌شوند مدام ادعا می‌کنند بدون اسلحه در خیابان با اعتراضات مقابله می‌کنند! اتفاقاً بر اساس همین دروغ است که بخش دیگری از بدنه‌ی نظام به فرمانده نیروی انتظامی و وزیر کشور و حتا علی شمخانی رئیس شورای عالی امنیت ملی انتقاد

● طی پنجاه روزی که از آغاز خیزش انقلابی مردم ایران می‌گذرد بارها نیروهای امنیتی از سلاح جنگی علیه معترضان استفاده کردند. آنها کودکان و نوجوانان را با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای نیز به قتل رسانده و با ضربات باتوم جان جوان آنها را ستانده‌اند! با اینهمه تبهکارانی مانند حسین شریعتمداری گله‌مند هستند که چرا از «گلوله‌های جنگی» علیه معترضان دست خالی و بی‌دفاع استفاده نمی‌شود!

● منابع داخلی گزارش داده‌اند روز یکشنبه ۱۵ آبان در یک درگیری داخلی در ایستگاه انتظامی جاده ایران‌شهر-پهپور در استان سیستان و بلوچستان چهار نفر از کارکنان نیروی انتظامی کشته و شماری زخمی شدند.

● مقامات نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی برای لاپوشانی جنایاتی که مرتکب می‌شوند مدام ادعا می‌کنند بدون اسلحه در خیابان با اعتراضات مقابله می‌کنند! اتفاقاً بر اساس همین دروغ است که بخش دیگری از بدنه‌ی نظام به فرمانده نیروی انتظامی و وزیر کشور و حتا علی شمخانی رئیس شورای عالی امنیت ملی انتقاد می‌کنند که چرا با معترضان مدارا و مہاشات می‌کنند! حال آنکه چند صد کشته و هزاران زخمی و دستگیری قطعا نتیجه‌ی «مدارا» و «مہاشات» با معترضان نیست!

● بی‌نتیجه ماندن سرکوب همراه با تغییر تاکتیک‌های میدانی، یگان‌های سرکوبگر را با مشکلات جدی‌تر تا رده‌ی فرماندهی مواجه می‌کند. همه این شرایط سبب درگیری میان آنها اتفاقاً درست در زمانی می‌شود که نظام به نیروی آنها برای ایستادن در مقابل مردم نیاز دارد.

در شرایطی که ۵۰ روز از آغاز خیزش انقلابی در ایران می‌گذرد، در بدنه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی فعل و انفعالاتی جریان دارد که می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم نشان از ضربه‌پذیر شدن ساختار امنیتی قوای قهریه رژیم به ویژه در بدنه آن باشد.

منابع داخلی گزارش می‌دهند که روز یکشنبه ۱۵ آبان در یک درگیری داخلی در ایستگاه انتظامی جاده ایران‌شهر - پهپور در استان سیستان و بلوچستان چهار نفر از کارکنان نیروی انتظامی کشته و شماری زخمی شدند.

سپاه پاسداران استان خوزستان نیز در اطلاعیه‌ای که امروز یکشنبه منتشر شده اعلام کرده است که به یکی از

کارزار دادخواهی خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح علیه جمهوری اسلامی: «قرار نبود از خون عزیزان ما برای غارت و آدمکشی سوء استفاده شود»



تظاهرات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

برای رسیدن به آزادی و آبادی میهن» به مردم اعلام کردند «متأسفانه رهبری و سرداران سرسپرده سپاه بدون توجه به خواست شما همچنان ابلهانه و بدور از هرگونه عقلانیت برطبل سرکوب می‌کوبند با این امید که شما خسته شده به خانه‌های خود بازگردید.»

در بخشی از این بیانیه آمده است «به سردمداران حاکم یکبار دیگر هشدار می‌دهیم که کاسه صبر ما در حال لبریز شدن می‌باشد و ما توانایی بی‌پاسخ گذاشتن مطالبات حتا فرزندان فرماندهان شهید نظیر باکری‌ها را نداریم چه رسد به مردم عادی که فریاد آنها از ظلم و ستم شما به عرش اعلاء رسیده است.»

در همین ارتباط، فرزند یکی از شهدای سرشناس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کیهان لندن می‌گوید «اطلاعات سپاه مستقیم با خانواده تعدادی از شهدا تماس گرفته و آنها را تهدید کرده. به بعضی از خانواده‌ها نیز با واسطه‌ی مسئولان یا دوستان سابق پدرمان پیام فرستادند که مراقب حرف زدنمان باشیم.»

راه افتادن چنین کارزاری برای جمهوری اسلامی بسیار سنگین تمام می‌شود زیرا مقامات نظام همواره مدعی شده‌اند که جمهوری اسلامی مدیون خون شهدا است و خود را میراثدار آنها قلمداد می‌کند!

شماری از مخالفان جمهوری اسلامی نیز با استقبال از کارزار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح و استقامت آنها در کنار همه مردم در برابر جمهوری اسلامی اشاره می‌کنند که برخی از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح نیز از سهمیه‌های مختلف استفاده کرده و به واسطه موقعیت پدرانشان پست‌ها و موقعیت‌های حکومتی دارند و در تمام سال‌های گذشته تا کنون به رانت‌خواری مشغول بوده و هستند. حالا این کارزار حساب بخش مهمی از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح را از وابستگان و مدافعان نظام جدا می‌کند.

مبارزه با مواد مخدر بوده و در سال ۷۱ در مرز ایران و پاکستان گروگان گرفته شد در تویییتی می‌نویسد: «ما هرگز جنازه‌ی پدرم رو نتونستیم پیدا کنیم! من به عنوان فرزند شهید و خانواده من، از جمهوری اسلامی و هر آنکه بر جنایات این رژیم خاک می‌پاشه اعلام برائت می‌کنیم!» آسیه باکری فرزند حمید باکری نیز در مطلبی که در اینستاگرامش منتشر کرده خطاب به مقامات جمهوری اسلامی گفته است «با چه زبانی بگوییم شهید ما هیچ نسبتی با شما نداره؟!... شهدا ناظر هستند اما ناظر بر دزدی از بیت‌المال و ریختن خون مظلوم... جالب است با پررویی اسم از شهدا می‌برید!»

مسعود حصارکی فرزند شهید عباس حصارکی در تویییتی نوشته «از تمام مردم ایران بابت دیر اعلام برائت کردن عذر می‌خواهم. بیشتر از همه از پدرم عذر می‌خواهم که اون خودش رو داد ولی من سرم مثل کبک تو برف بود.»

طیبه پشتاره فرزند سره‌مافر شهید عباس پشتاره در یک پیام ویدئویی می‌گوید «ما خانواده شهدا دادخواه خون عزیزانمان از جمهوری اسلامی هستیم... اما جمهوری اسلامی سال‌هاست از خون عزیزان ما برای چپاول و غارت مردم و مملکت سوء استفاده کرده است. قرار نبود زجر بی‌پدر شدن ما بشود پول در جیب آقایان.»

مینا فرزند سرلش‌ر خلبان شهید خدابخش عشقی‌پور نیز در پیام ویدئویی خطاب به مقامات جمهوری اسلامی می‌گوید: «ما خانواده شهدا، از بی‌حجاب و باحجاب و با هر اعتقادی، یک نقطه مشترک بین ما هست، عزیزان ما برای حفظ امنیت وطن به جنگ رفته‌اند و برای حفظ امنیت و آسایش مردم ایران خانواده‌های خود را پشت سر گذاشتند تا مردم ایران در امنیت بمانند... نه اینکه خون آنها پامال شود و دختران و پسران‌مان در خاک ایران به خاک و خون کشیده شوند.» تعدادی از جانبازان و فرماندهان دوران جنگ هشت ساله نیز ۱۳ آبان در بیانیه‌ای با حمایت از «مبارزات دلیرانه مردم

● سمیه محمودی رئیس «فراکسیون فرزندان شاهد» در مجلس شورای اسلامی با «محکوم کردن اغتشاشات» مدعی شده «فرزندان شهدا به دنبال تحقق آرمان‌های ناب انقلاب اسلامی و حامی علی‌خامنه‌ای هستند!»

● ده‌ها نفر از خانواده شهدا و جانبازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کارزار دادخواهی به راه انداخته‌اند و اعلام کرده‌اند اجازه نخواهند داد حکومت از خون عزیزان آنها برای منافع خودش سوء استفاده کند.

● آن‌اهیتا شیروودی دختر خلبان شهید علی‌اکبر شیروودی: «آقایانی که گوش‌هایتان را گرفته‌اید و جز صدای خودتان هیچ‌فی‌شنوید؛ ما شهید ندادیم تا تار موی دخترانمان دیده نشود ما شهید دادیم تا کسی جرأت تعرض به دخترانمان را نداشته باشد.»

● ریحانه حسینی دختر سیدعلی حسینی: «من به عنوان فرزند شهید و خانواده من، از جمهوری اسلامی و هر آنکه بر جنایات این رژیم خاک می‌پاشه اعلام برائت می‌کنیم!»
● مینا فرزند سرلش‌ر خلبان شهید خدابخش عشقی‌پور: «ما خانواده شهدا، از بی‌حجاب و باحجاب و با هر اعتقادی، یک نقطه مشترک بین ما هست، عزیزان ما برای حفظ امنیت وطن به جنگ رفته‌اند.»

همراهی شماری از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح با خیزش سراسری در ایران مقامات حکومت را وادار به واکنش کرده است.

در هفته‌های اخیر همسر و فرزندان تعدادی از شهدای جنگ هشت ساله و شماری از فرزندان شهدای پلیس و ارتشی‌ها و همچنین تعدادی از جانبازان و اسرا در پیام‌های فردی یا بیانیه‌های مشترک با محکوم کردن سرکوب‌ها از مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌اند خشونت را متوقف کنند و صدای ملت را بشنوند.

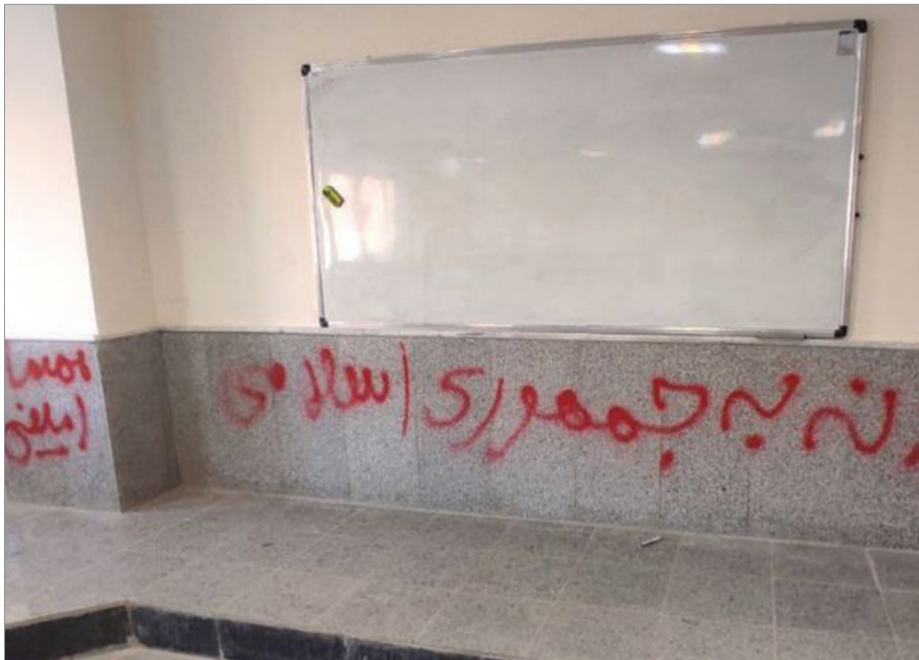
این در حالیست که سمیه محمودی رئیس «فراکسیون فرزندان شاهد» در مجلس شورای اسلامی با «محکوم کردن اغتشاشات» مدعی شده برخورد با «عاملان و طراحان» اعتراضات مطالبه مردم است! وی مدعی شده است «فرزندان شهدا سال‌های سال رنج نبودن پدر را به خاطر استقلال آزادی و تحقق آرمان‌های ناب انقلاب اسلامی و در حمایت از مقام معظم رهبری و جایگاه ولایت فقیه تحمل نمودند و در ادامه راه پدران شهیدشان پای کار انقلاب ایستاده‌اند.»

این ادعا درحالی مطرح شده که ده‌ها نفر از خانواده شهدا و جانبازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کارزار دادخواهی به راه انداخته و اعلام کرده‌اند اجازه نخواهند داد حکومت از خون عزیزان آنها برای منافع خودش سوء استفاده کند.

آن‌اهیتا شیروودی دختر خلبان شهید علی‌اکبر شیروودی در تویییتی نوشته «آقایانی که گوش‌هایتان را گرفته‌اید و جز صدای خودتان هیچ‌فی‌شنوید؛ ما شهید ندادیم تا تار موی دخترانمان دیده نشود ما شهید دادیم تا کسی جرأت تعرض به دخترانمان را نداشته باشد کاش یک ذره مردانگی داشتید شما آبرویی برای اسم پلیس و مامور امنیت کشور باقی نگذاشتید.»

ریحانه حسینی دختر سیدعلی حسینی که پدرش پلیس

اقتصاددانان اصلاح طلب برای «عبور نظام از بحران کنونی» بسته پیشنهادی ارائه کرد



● «امیدبخشی با دادن پول به جوانان» یکی از راهکارهایی است که حسین راغفر ساده‌اندیشانه برای حفظ جمهوری اسلامی ارائه کرده است!

● فرشاد مومنی از اعضای حزب جمهوری اسلامی و مشاور اقتصادی میرحسین موسوی در انتخابات سال ۸۸ نیز با انتقاد از یک بخش از نظام، ریشه مشکلات را «پدیده تسخیرشدگی ساختار قدرت» ارزیابی کرده است!

● به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان از یکسو تلاش دارند کارنامه خود در چهار دهه اخیر را نادیده گرفته و بخش دیگر حکومت را عامل مشکلات کنونی نشان دهند و از سوی دیگر با ارائه راه حل و راهکارهایی که به شدت ساده‌اندیشانه هستند، از فروپاشی جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که بر سفره آن نشسته‌اند جلوگیری کنند.

یک اقتصاددان اصلاح طلب یک بسته پیشنهادی برای عبور جمهوری اسلامی از بحران خیزش ملی اخیر ارائه داده که شامل واگذاری سهام شرکت‌های متعلق به نهادهای خاص به مردم، اعطای مبلغ قابل توجهی پول به جوانان و ملزم کردن نهادهای اقتصادی شبه‌دولتی به خروج از عرصه اقتصاد است.

حسین راغفر اقتصاددان اصلاح طلب در نشست «ارزیابی تحولات اخیر کشور و ریشه های اقتصادی آن» که توسط شاخه اقتصادی فرهنگستان علوم برگزار شده طی سخنانی خیزش ملی که از شهریور امسال آغاز شده را با مشکلات اقتصادی کشور مرتبط دانسته و گفته که «آن انفجاری که در روزهای پایانی شهریور ۱۴۰۱ رخ داد، یک نوع فوران ناامیدی‌های انباشته شده در دهه‌های گذشته بود که علی‌رغم پیش‌بینی‌ها، هشدارها در این خصوص شنیده نشد لذا ما باز هم می‌توانیم به عوامل اقتصادی این بحران بپردازیم. نخست باید گفت رابطه تنگاتنگی بین ساختار قدرت و ساختار تولید وجود دارد که همدیگر را تغذیه کرده و بهم قدرت و امنیت می‌دهند.»

حسین راغفر «اقتصاد مبتنی بر سفته‌بازی، دلالی و فروش منابع طبیعی» را عامل بروز مشکلاتی چون «دستمزدهای نازل، مشاغل واسطه‌گری و دستفروشی» ارزیابی کرده و گفته که «ناکارآمدی علت اصلی فروپاشی همه قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ بوده است. بدون تردید اگر اصلاحات اساسی در اقتصاد ایران شکل نگیرد، ناکارآمدی در کشور ما یکبار دیگر قربانی خواهد گرفت.»

حسین راغفر افزوده که «اصلی‌ترین محرک همه این نابسامانی‌ها نظام تهشیت امور است که تصمیمات اتخاذ شده توسط آن به شکل‌گیری ابرچالش‌های جمعیت و بیکاری، انرژی، نوآوری، سیاست خارجی و... منتهی می‌شود. همه این چالش‌ها از هم تأثیر می‌گیرند. اگر ما بخواهیم راه‌حلی برای آن پیش‌بینی کنیم، باید راهبردهای خروج از شرایط کنونی بر تقویت انسجام اجتماعی تأکید داشته باشد.»

این اقتصاددان اصلاح طلب گفته که «اصلی‌ترین محرک همه این نابسامانی‌ها نظام تهشیت امور است که تصمیمات اتخاذ شده توسط آن به شکل‌گیری ابرچالش‌های جمعیت و بیکاری، انرژی، نوآوری، سیاست خارجی و... منتهی می‌شود. همه این چالش‌ها از هم تأثیر می‌گیرند. اگر ما بخواهیم

راه‌حلی برای آن پیش‌بینی کنیم، باید راهبردهای خروج از شرایط کنونی بر تقویت انسجام اجتماعی تأکید داشته باشد.»

حسین راغفر همچنین پیشنهاداتی برای عبور جمهوری اسلامی از خیزش ملی که او آن را «بحران» خوانده ارائه داده است: «باید راهبردهای خروج از شرایط کنونی بر تقویت انسجام اجتماعی تأکید داشته باشد. لازمه آن این است که سیاست‌های اقتصادی به نسل جدید جامعه ما امید ببخشد لذا نخستین اقدامی که باید صورت بگیرد، خروج نهادهای قدرت از اقتصاد و واگذاری سهام شرکت‌های آنها به مردم است چراکه هزاران شرکت وابسته به آنها وجود دارد که همه‌ی این شرکت‌ها با منابع مردم شکل گرفته‌اند. در اینصورت است که فقط ما می‌توانیم امیدواری باشیم با فساد یک مقابله جدی و اساسی کرد.»

«امیدبخشی با دادن پول به جوانان» یکی دیگر از راهکارهایی است که این فعال اصلاح طلب ساده‌اندیشانه برای حفظ جمهوری اسلامی ارائه کرده است: «یکی از راه های خروج از بحران کنونی و امیدبخشی به نسل جوان که اقتصاددان‌های بزرگ دنیا طراحی کرده‌اند، اعطای یک مبلغ قابل توجه به جوانانی است که به یک سن (مثلاً ۲۰ سالگی) می‌رسند تا آن را به دلخواه خود برای سرمایه‌گذاری در آینده استفاده کند. همچنین تعهداتی باید در خصوص خدمات آموزش عالی عمومی برای همه، خدمات سلامت عمومی و... که در قانون اساسی تعریف شده، در قبال مردم ایفا شود. تمام منابع اینها باید از طریق مالیات تأمین شود.»

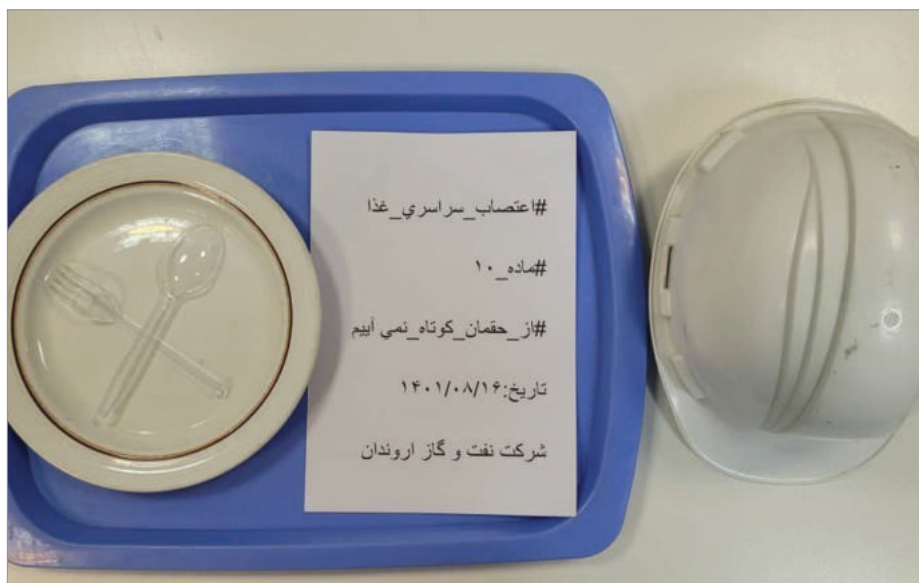
فرشاد مومنی دیگر اقتصاددانان اصلاح طلب نیز در انتقاد از سیاست‌های مدیریتی جمهوری اسلامی گفته که «با همه ادعاها و هارت و پورت‌ها، ما تنها کشوری هستیم که در دنیا حدود ۵۰ سال تورم دو رقمی تجربه کرده است. پشت کردن به واقعیت مسئله را حل نمی‌کند. درست است که

ژست رادیکال می‌گیرید، اما ذلیل خواهید شد. مهمترین کارکرد نظام‌های آموزشی این است که وفاق جمعی ایجاد می‌کند. ما صد بار گفته‌ایم آن کشورهایی که می‌گویند تورم ریشه پولی دارد، صد سال است که از مرحله تولید انبوه عبور کرده‌اند لذا اگر اینجا تورم را اینگونه تعریف کنید، لاشخورها را ذینفع می‌کنید. نتیجه این می‌شود که تمام حیثیت‌های این سیستم را به سند چشم‌انداز گره می‌زنید سپس دست به شیرینکاری‌هایی می‌زنید که حتی خودتان شرم می‌کنید از آنها نام ببرید.»

فرشاد مومنی که از اعضای حزب جمهوری اسلامی، و مشاور اقتصادی میرحسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بود افزوده که «بینید چقدر مضحک شده است که اینها می‌گویند دولت قبلی اینهمه فساد و ناکارآمدی به بار آورد اما برای اولین بار در تاریخ برنامه‌ریزی ایران اینها برای دومین سال پیاپی برنامه دولت قبلی را تمدید می‌کنند. در دهه ۱۳۹۰ ماهیت حکومت در ایران از دریچه اقتصاد سیاسی، پنج بار دگرگون شده است اما یک کلمه حرف درباره آن نمی‌شنوید. در این دهه سال‌هایی را تجربه کرده‌ایم که رانت ناشی از سیاست‌های شوک درمانی از رانت ناشی از نفت چند برابر بیشتر خلق شده است. ما با یک پدیده تسخیرشدگی ساختار قدرت به دست گروه‌های مافیایی و شبه‌مافیایی روبرو هستیم. این ساختار حتی مصالح بقای خود را رعایت نمی‌کند و دچار یک پریشان حالی ویژه شده است.»

با ادامه یافتن خیزش مردمی علیه جمهوری اسلامی در دومین ماه، به نظر می‌رسد اصلاح طلبان از یکسو تلاش دارند کارنامه خود در چهار دهه اخیر را نادیده گرفته و بخش دیگر حکومت را عامل مشکلات کنونی نشان دهند و از سوی دیگر با ارائه راه حل و راهکارهایی که به شدت ساده‌اندیشانه، از فروپاشی جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که بر سفره آن نشسته‌اند جلوگیری کنند.

اعتصاب کارکنان رسمی وزارت نفت با عبارت «زمستان سردی در راه است!» و خطاب دانش‌آموزان و دانشجویان به اصناف برای اعتصابات سراسری



انقلابان را در سطوح سراسری تر، عملی کنید. انقلاب‌مان به حضور فعالانه و نقش تعیین‌کننده شما برای ایجاد اعتصاب سراسری نیاز دارد.»

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:
«همراهیم، چرا که فقط با این همراهی پیروزی نهایی انقلاب‌مان میسر می‌شود!

کارگران، معلمان، بازنشستگان، کشاورزان، پرستاران، پزشکان و در یک کلام: ای تمام آنهایی که همدرد ما هستید، زمان باشکوه یکی شدن، زمان پیوستن ما، فرا رسیده. بلکه همه ما درست می‌گفتیم، این حکومت وصله تن مردم کشورمان نیست! ما هرچه اینان گفتند بکنید، مقاومت کردیم و سر برابر ولایت، حاکم شرع و ده‌ها عامل سرکوبشان خم نکردیم.

ما دانشجویان فریاد زدیم «فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم»، گرما در وجودمان دودید وقتی که خبر اعتصابات نفت را شنیدیم، ما خواب نداشتیم وقتی معلم را وقیحانه «جاسوس» خطاب کردند، ما هم ساچمه خوردیم وقتی حق‌آبه کشاورز خورده شد، ما دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی هم کنار پزشکان و پرستاران جان دادیم وقتی که گفتند «بسیجی‌ها و آخوندها به کادر درمان مقابله برابر کرونا را یاد دادند!»، وقتی گشت ارشاد را چماق کردند بر سر زنان، ما دانشجویان فعالانه حجاب کنار زدیم تا بگوییم «انقیاد نمی‌پذیریم و نابرابری ناپود است!». بلکه ما کنار شما بوده و هستیم، چون یقین داریم که یا همه آزاد می‌شویم، یا هیچکس! چرا که آزادی تک تک ما به آزادی یکدیگر گره خورده.

بله ما هر جا که توانسته‌ایم، مشت گره کرده و پیروزی‌های جنبش‌های تحت سرکوب و استثمار را پیروزی خود دانستیم و شکست ایشان را شکست خودمان! اما حالا هنگامه نبرد نهایی فرا رسیده. حالا وقت آن رسیده که فضای هر جنبش را در همراهی با انقلاب مردمی به مهلکه‌ای وحشتناک برای حکومت بدل کنیم.

می‌کند، با عدم ارسال گزارش‌های روزانه به مقامات بالاتر به همراه عدم ارسال فرم‌های دستور کار تعمیراتی، اعتراض خود را نشان دادند.

منابع صنفی می‌گویند این اقدامات عمدتاً نمادین «گام نخست اعتصاب» است و در صورتی که مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌های کارکنان رسمی وزارت نفت را پاسخ ندهند، آنها در گام‌های بعد اعتصاب گسترده‌تری را پیش خواهند برد.

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران معتقدند اعتصاب اصناف مختلف می‌تواند به عنوان مکمل اعتراضات خیابانی مردم و اعتصابات دانش‌آموزان و دانشجویان، انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی را به پیروزی نزدیک کند. خیزش ملی مردم ایران از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ و در پی قتل حکومتی مهسا امینی توسط مأموران گشت ارشاد آغاز شده و طی هشت هفته گذشته با ویژگی‌های انقلابی ادامه یافته است.

روز دوشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۱ همزمان با آغاز دور تازه اعتصاب کارکنان رسمی وزارت نفت در قالب «امتناع از دریافت غذا»، بیانیه‌ای از سوی شماری از دانش‌آموزان و دانشجویان کشور نیز منتشر شد که اصناف مختلف را به اعتصاب فراخوانده است.

در این بیانیه آمده «ما هر جا که توانسته‌ایم، مشت گره کرده و پیروزی‌های جنبش‌های تحت سرکوب و استثمار را پیروزی خود دانستیم و شکست ایشان را شکست خودمان! اما حالا هنگامه نبرد نهایی فرا رسیده. حالا وقت آن رسیده که فضای هر جنبش را در همراهی با انقلاب مردمی به مهلکه‌ای وحشتناک برای حکومت بدل کنیم.»

امضاکندگان این بیانیه خطاب به اصناف مختلف «کارگران، معلمان، بازنشستگان، کشاورزان، پرستاران، پزشکان» اعلام کرده‌اند: «زمان آن رسیده یک گام دیگر به جلو باییم. ما دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور از شما می‌خواهیم اقدامات تعیین‌کننده اعتصابی و اعتراضی در جهت همراهی با اعتراضات فعلی و این مرحله از

● کارکنان رسمی وزارت نفت در ۳۷ سکوی گازی شرکت نفت و گاز پارس در مناطق مختلف از دریافت سهمیه غذا اعتصاب کرده و خواهان رسیدگی به خواست‌های حقوقی خود شدند.

● منابع صنفی می‌گویند این اقدامات «گام نخست اعتصاب» است و اگر مقامات حکومتی خواسته‌های کارکنان رسمی وزارت نفت را پاسخ ندهند، آنها در گام‌های بعد اعتصاب گسترده‌تری را پیش خواهند برد.

● در بیانیه دانشجویان و دانش‌آموزان خطاب به اصناف مختلف از جمله آمده است: «ما دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور از شما می‌خواهیم اقدامات تعیین‌کننده اعتصابی و اعتراضی در جهت همراهی با اعتراضات فعلی و این مرحله از انقلابان را در سطوح سراسری تر، عملی کنید.»

کارکنان رسمی وزارت نفت طی دو روز گذشته در اعتراض به عدم تحقق مطالبات‌شان و در اقدامی هماهنگ دست به اعتصاب زده و از دریافت سهم غذایی از غذاخوری محل کار خودداری کردند. بخش دیگری از اعتراضات کارکنان رسمی وزارت نفت با عدم ارسال گزارش‌های روزانه به مقامات بالاتر به همراه عدم ارسال فرم‌های دستور کار تعمیراتی پیگیری می‌شود.

کارکنان رسمی وزارت نفت در ۳۷ سکوی گازی شرکت نفت و گاز پارس در مناطق مختلف در گام اول اعتصاب خود را با اقدام‌های نمادین و اعتراضی به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون اختیارات نفتی برای دریافت سهمیه غذا آغاز کرده و خواهان رسیدگی به خواست‌های حقوقی خود شدند. این اعتصاب از روز دوشنبه ۱۶ آبان آغاز شد و روز گذشته گسترش یافت.

به گزارش منابع صنفی، روز سه‌شنبه ۱۷ آبان‌ماه ۱۴۰۱، کارکنان عملیاتی رسمی وزارت نفت که از روز پیش‌تر در اعتراض به عدم تحقق خواست‌های خود در اقدامی هماهنگ از دریافت سهم غذایی از غذاخوری‌ها امتناع کرده بودند برای دومین روز متوالی اعتراض خود را ادامه دادند. کارکنان رسمی در برخی مراکز که از روز دوشنبه این حرکت اعتراضی را آغاز کرده بودند، امروز چهارشنبه ۱۸ آبان سومین روز خودداری از دریافت غذا را پشت سر گذاشتند. این اقدام اعتراضی در پی فراخوانی صورت گرفت که در اعتراض به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات کارکنان وزارت نفت اعلام شده بود.

ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات کارکنان وزارت نفت پس از ده سال از تصویب آن هنوز اجرا نشده و اعتراضات این کارکنان در طول چند سال گذشته نسبت به عدم اجرای این قانون تنها با وعده و وعیدهای مسئولین پاسخ گرفته است. این ماده قانونی، تعیین افزایش حقوق کارکنان عملیاتی وزارت نفت را از چارچوب قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنا می‌کند و اجرای آن می‌تواند تأثیر چشمگیری بر دستمزد این کارکنان داشته باشد.

از سوی دیگر طی چند روز گذشته کارگران شاغل در ۳۷ سکوی گازی پارس جنوبی که بالغ بر ۷۵ درصد گاز مصرفی کشور در کنار میعانات گازی (حدود ۴۰٪ از بنزین) را تأمین

اواسط مهرماه محسن منصوری استاندار تهران در جلسه با فرماندهانی نیروی انتظامی غرب استان تهران هشدار داد، «در مجموعه دستگاه‌های امنیتی زیرساخت‌های موجود جوابگو نیست و کمبودهایی وجود دارد... برخی از نیروهای پلیس در طول اغتشاشات تا چند روز به منزل نرفتند».

از نخستین روزهای آغاز خیزش انقلابی در ایران منابع غیررسمی در مورد به کار گرفتن مزدوران غیرایرانی از حشدالشعبی عراق و فاطمیون (افغانستانی‌های عضو سپاه قدس) گزارش دادند. نیروی انتظامی در بعضی شهرها به خاطر کمبود شدید سرکوبگر از سپاه آن ناحیه تقاضای به کار گرفتن نیروهای فاطمیون عضو سپاه قدس را کرده است. یکی از این شهرها اراک است.

همچنین از سرکوبگران مدارک شناسایی بجا مانده که تأیید می‌کند غیرایرانی و عضو فاطمیون هستند.

دست‌کم دو ویدیو نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که گفته می‌شود یکی از آنها اتوبوس‌هایی هستند که نیروهای فاطمیون و زینبیون (پاکستانی‌ها) را از مرزهای شرقی وارد استان سیستان و بلوچستان کرده‌اند و دیگری نیروهای فاطمیون هستند که از سوریه با اتوبوس به عراق آورده شده و از مرز مهران به ایران انتقال یافتند. این ویدیوها قابل رد یا تأیید نیستند اما به کار گرفتن نیروهای سرکوبگر غیرایرانی نه تنها در اعتراضات سابقه دارد بلکه مقامات خود نظام به آن اعتراف کرده‌اند. حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی اسفند ۱۳۹۷ در یک سخنرانی گفته بود «اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!» با اینهمه به کار گرفتن مزدوران خارجی مشکل حکومت را که حفظ خود در برابر انقلاب مردم است «علاج» نخواهد کرد.

تلفات زیاد و ریزش در یگان‌های سرکوبگر؛

مزدور خارجی هم مشکل جمهوری اسلامی را در سرکوب مردم «علاج» نمی‌کند!

● نیروی انتظامی در بعضی شهرها به خاطر کمبود شدید سرکوبگر، از سپاه آن ناحیه تقاضای به کار گرفتن نیروهای فاطمیون عضو سپاه قدس را کرده است.

● از سرکوبگران مدارک شناسایی بجا مانده که تأیید می‌کند غیرایرانی و عضو فاطمیون هستند.

● شماری از مخالفان جمهوری اسلامی، برجسته کردن خبر ورود نیروهای حشدالشعبی را با هدف ایجاد رعب و وحشت ارزیابی می‌کنند و می‌گویند تبلیغ حضور فاطمیون در اعتراضات منشاء حکومتی دارد تا چنین القاء شود که نیروهای پشتیبان برای نظام اعزام شده و حکومت همچنان مستحکم است در حالی که اتفاقاً همین اقدام بیانگر ضعف و ناتوانی آن در مقابل انقلاب مردم است.

استمرار خیزش انقلابی در ایران که وارد هشتمین هفته شده، مصدومان و تلفات زیادی روی دست ارگان‌های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی که به سرکوب و کشتار مردم

ما مطمئنیم که شما نیز کاملاً خود را همراه با انقلاب جاری می‌دانید و خود از ایجاد کنندگان آن بوده‌اید و در میدان مبارزه هم کم نگذاشته‌اید. در خیابان حضور داشته و دارید، حمایت‌های متعددی از جنبش انقلابی مردم انجام داده و با اقدامات مختلف به انقلاب پیوسته‌اید. ما جایگاه و ارزش اعتصاب معلمان، مداوای مجروحان انقلاب توسط کادر درمان، حضور چشمگیر کارگران در میدان



مبارزه و همراهی‌های رانندگان، عکاس‌ها، مغازه‌داران و تمام بخش‌های دیگر در انقلاب مردمی‌مان می‌دانیم.

حالا زمان آن رسیده یک گام دیگر به جلو بیاییم. ما دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور از شما می‌خواهیم اقدامات تعیین‌کننده اعتصابی و اعتراضی در جهت همراهی با اعتراضات فعلی و این مرحله از انقلاب‌ها را در سطوح سراسری‌تر، عملی کنید. انقلاب‌مان به حضور فعالانه و نقش تعیین‌کننده شما برای ایجاد اعتصاب سراسری نیاز دارد. بدون شک، ما پیروزی این انقلاب را همه با هم جشن خواهیم گرفت. آن روز نزدیک است و ما به امید تحقق یک جامعه آزاد، برابر، مرفه برای همگان، سکولار و انسانی تا رسیدن به آمل‌مان ذره‌ای عقب نخواهیم نشست.

امضاها:

تشکل دانشجویان پیشرو

ائتلاف دانشجویان تبریز

نهاد دانشجویان پیشرو - صنعتی اصفهان

تشکل دانش‌آموزان انقلابی تهران

دانشگاه آزاد خوراسگان

دانشگاه آزاد علوم تحقیقات

دانشگاه آزاد یادگار امام

دانشگاه آزاد مهاباد

دانشگاه اشرفی اصفهانی

دانشگاه اصفهان

دانشگاه پیام نور شهر ری

دانشگاه تبریز

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دانشگاه علوم پزشکی سنج

دانشگاه صنعتی اصفهان

دانشگاه کردستان

دانش آموزان مدارس کوی طلاب مشهد

دانش آموزان مدارس منطقه امام شهر یزد

دانش آموزان هنرستان ممسنی»



عیادت قالیباف از مجروحان نیروی انتظامی در اعتراضات

مشغولند گذاشته است.

در این میان، به روشنی دیده می‌شود که منابع غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی که پروپاگانداي جمهوری اسلامی را تقویت می‌کنند نسبت به حضور نیروهای غیرایرانی برای سرکوب اعتراضات دستور و همچنین نظر واحد ندارند. بعضی از آنها سکوت کرده‌اند و بعضی دیگر تلویحاً از پشتیبانی «نیروهای مقاومت» برای دفاع از نظام می‌گویند.

در مقابل اما شماری از مخالفان جمهوری اسلامی، برجسته کردن خبر ورود نیروهای حشدالشعبی را با هدف ایجاد رعب و وحشت ارزیابی می‌کنند و می‌گویند تبلیغ حضور فاطمیون در اعتراضات منشاء حکومتی دارد تا چنین القاء شود که نیروهای پشتیبان برای نظام اعزام شده و حکومت همچنان مستحکم است در حالی که اتفاقاً همین اقدام بیانگر ضعف و ناتوانی آن در مقابل انقلاب مردم است.

در این میان، سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی برای عیادت و «دلجویی» از سرکوبگران مجروح نیروی انتظامی به بیمارستان «ولیعصر» رفت تا از نزدیک در جریان روند درمانی آنها قرار بگیرد.

منابع غیررسمی گزارش می‌دهند نه فقط در تهران بلکه در بیمارستان‌های وابسته به نیروهای مسلح در سایر استان‌ها تقریباً ظرفیت برای بستری کردن نیروهای بسیج و سپاه و پرسنل میدانی نیروی انتظامی که در زد و خوردهای خیابانی مصدوم شدند تکمیل شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تا کنون نزدیک به ۵۰ نفر از سرکوبگران در نیروی انتظامی، بسیج، سپاه و لباس شخصی بدون در نظر گرفتن آمار اراذل و اوباش حکومتی کشته شده‌اند.

مجلس شورای اسلامی از تذکر اعضای این کمیسیون به وزیر بهداشت برای رفع مشکل کمبود دارو به خصوص آنتی بیوتیک ها خبر داد و گفت که سوءمدیریت و ترک فعل در این موضوع برای اعضای کمیسیون محرز است. علی خضریان گفته بود که «بر اساس بررسی های اولیه کمیسیون میزان مابه التفاوتی که بین نرخ جدید و قدیم پس از حذف ارزش ترجیحی در طرح دارویار ایجاد شده، در حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان است؛ مقرر شد در این خصوص کارگروهی متشکل از کمیسیون اصل نود و وزارت بهداشت تشکیل شده و ظرف حداکثر دو هفته نتیجه را اعلام کنند. وزارت بهداشت نیز در خصوص اخذ این مبلغ از اعضای زنجیره با اعلام برنامه زمان بندی اقدام نماید.»

پیشتر و در همراه امسال نیز حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی در نامه ای خطاب به ابراهیم رئیسی، از کمبود دارو انتقاد کرد و از او خواست برای رفع این مشکل اقدام کند. ابراهیم رئیسی ۳۰ مهرماه مسئولان مربوطه را به تامین سریع دارو و برخورد با مقصران در ماجرای کمبود دارو موظف کرد.

«دستورات» ابراهیم رئیسی همانطور که در دیگر حوزه های اقتصادی و مدیریت کشور بی نتیجه بوده، در زمینه دارو هم بی نتیجه بوده و بحران دارو نه تنها حل نشد بلکه گسترده تر هم شد. اکنون نه تنها بیماران برای یافتن اکثر داروها سرگردان هستند بلکه داروخانه های زیادی دچار زیان شده و بخشی از داروخانه ها را نیز ورشکسته شدند.

در همین رابطه محمدرضا اخمی دبیر انجمن داروسازان خراسان رضوی از ورشکستگی شماری از داروخانه ها به دلیل افزایش قیمت دارو و کاهش شدید درآمد داروخانه ها خبر داده و گفته که «در حال حاضر اقتصاد داروخانه ها خراب است و در آستانه تعطیلی قرار دارند. اگر وضعیت به همین صورت ادامه پیدا کند، در آینده نزدیک شاهد تعطیلی داروخانه ها خواهیم بود.»

وی افزایش تعداد داروخانه ها، بالا رفتن شدید تورم، کمبود اقلام دارویی، افزایش مالیات، اجاره های سنگین واحدهای تجاری، افزایش هزینه قبوض برق و... را از عوامل ورشکستگی داروخانه ها برشمرد و بیان داشت: «زمانی که این موارد را کنار هم بگذارید، نتیجه اش فشار سنگین به داروخانه است و آن واحد را با مشکلات اقتصادی روبرو می کند. علاوه بر این موضوعات، تعداد مراجعان هم کاهش یافته است.»

محمدرضا اخمی ادامه داده که «شاید وضعیت برخی داروخانه ها که در موقعیت مناسبی قرار دارند، بهتر باشد اما بسیاری از همکاران ما در حال ورشکستگی و با ادامه این شرایط مجبور به تعطیلی و واگذاری هستند. البته تعطیلی در داروخانه ها بیشتر به معنای واگذاری است؛ زمانی که دخل و خرج داروخانه متعادل نباشد، داروخانه را به یک فرد تازه نفس واگذار می کنند و اگر آن فرد با ترفندی توانست سود بیشتری کسب کند که فعالیتش را ادامه می دهد و گرنه او هم مجموعه خویش را واگذار می کند.»

او درباره افزایش قیمت داروها توضیح داده که «زمانی که دارو گران تر می شود، سود داروخانه کاهش پیدا می کند چرا که نحوه قیمت گذاری داروها در شورای عالی به این صورت است که با افزایش قیمت دارو، سود کمتری به آن تعلق می گیرد.» محمدرضا اخمی افزوده که «یک دارو در زمان ارزانی اش ۲۰ درصد سود داشت اما حالا سود آن به ۱۶، ۱۵ و حتی ۱۰ درصد رسیده است. برخی داروهای خاص مانند داروهای بیماران سرطانی و... با سود سه درصد ارائه می شود. با افزایش قیمت داروها فقط گردش ریالی افزایش یافته و سود داروخانه ها کاهش پیدا است.»

تداوم وضعیت بحرانی دارو با کمیاب و نایاب شدن ۷۰۰ قلم دارو؛ داروخانه ها در حال ورشکستگی هستند



گیرشان بیاید. تصور این وضع برای مردم، برای مسئولین باید نیز دردآور باشد، چه رسد به اینکه دچار آن شوند.»

گزارشها نشان می دهد مدت هاست در اقلام دارویی مهمی چون داروهای بیهوشی و سرم کمبود وجود دارد و این موضوع سبب سهمیه بندی دارو حتی در بیمارستان ها شده است. دولت مدعی است که طرح دارویار را که از نیمه دوم تیرماه سال جاری اجرا شد، برای حل مشکلات بازار دارو، رفع کمبودهای دارویی و جلوگیری از تخلفات ارزی به اجرا گذاشته است. این طرح قرار بود یارانه دارو را از طریق بیمه به مردم منتقل کند تا با افزایش قیمت دارو، شهروندان رقم بیشتری برای دارو پرداخت نکنند و در مقابل پوشش بیمه ای دارو افزایش پیدا کند اما با وجود اجرای این طرح قیمت برخی اقلام دارویی تا ۵۰ درصد افزایش داشته است.

از سوی دیگر نایاب شدن اقلام مختلف دارو نیز بر مشکلات شهروندان افزوده است. آنتی بیوتیک، استامینوفن، سوسپانسیون آموکسی سیلین و آموکسی کلاو از جمله داروهای کمیاب در داروخانه ها است.

علی فاطمی نایب رئیس انجمن داروسازان ایران درباره کمبود دارو در کشور گفته که «در حال حاضر عمدتاً در داروهای که به صورت شربت هستند و عمدتاً برای مصرف کودکانند، کمبود داریم که اصلاً هم وارد نشده است. در حال حاضر در زمینه شربت سرماخوردگی کمبود داریم. کمبود شربت دیفن هیدرامین هم وجود دارد. برای تب بچه ها نه شربت استامینوفن و نه بروفن به اندازه کافی پیدا نمی شود. شیاف استامینوفن برای کودکانی که خیلی کوچک هستند و باید استامینوفن را به صورت شیاف استفاده کنند، نیز در داروخانه ها جزو اقلام خیلی کمیاب به حساب می آیند یا برای سرفه کودکان هم داروها کمبود دارند.»

هفته گذشته علی خضریان سخنگوی کمیسیون اصل نود

● مدت هاست در اقلام دارویی مهمی چون داروهای بیهوشی و سرم کمبود وجود دارد و این موضوع سبب سهمیه بندی دارو حتی در بیمارستان ها شده است.

- رئیس انجمن داروسازان: در زمینه شربت سرماخوردگی کمبود داریم. کمبود شربت دیفن هیدرامین هم وجود دارد. برای تب بچه ها نه شربت استامینوفن و نه بروفن به اندازه کافی پیدا نمی شود.

● دبیر انجمن داروسازان خراسان رضوی از ورشکستگی شماری از داروخانه ها به دلیل افزایش قیمت دارو و کاهش شدید درآمد داروخانه ها خبر داده است.

بحران دارو در ایران از یکسو با افزایش سرسام آور قیمت ها و از سوی دیگر با کمبود و نایاب شدن ۷۰۰ قلم دارو از جمله گروه آنتی بیوتیک ها به اوج رسیده است. دبیر انجمن داروسازان خراسان رضوی نیز درباره تعطیلی و ورشکستگی داروخانه ها در پی بحران دارو در کشور خبر داده است. کمبود دارو در ایران بیش از هشت ماه است که مشکل آفرین شده و سیاست های وزارت بهداشت برای حل این بحران تا کنون شکست خورده است.

در حالی که مقامات حکومتی مدعی هستند تحریم ها مانع از واردات دارو و مواد اولیه مورد نیاز شرکت های داروسازی است اما دارو هیچوقت تحریم نبوده و این دولت است که منابع ارزی کافی برای واردات دارو و مواد اولیه داروسازی ندارد. کمبود منابع ارزی در جمهوری اسلامی سبب شد دولت ابراهیم رئیسی از نیمه دوم سال گذشته تخصیص ارز دولتی برای واردات دارو را متوقف کرده و سبب افزایش شدید قیمت در اقلام دارویی شده است. قیمت دارو در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ حدود ۷۳ درصد افزایش یافت و از توان خرید مردم خارج شد، رشد صعودی قیمت دارو در سال جدید برخی از بیماران بیماری های خاص را نیز به عدم مصرف دارو وادار کرده است.

اواخر مهرماه امسال احمد توکلی عضو اصولگرای مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس هیئت مدیره نهادهی به نام «دیده بان شفافیت و عدالت» گفته بود «حدود ۲۰۰ قلم از اقلام دارویی در معرض کمبود هستند که ۸۰ تای آن در مرحله بسیار پرخطر و مابقی در مراحل بعدی قرار دارند.» همزمان سخنگوی وزارت بهداشت مدعی شد کمبود ۲۰۰ قلم دارو در کشور «شایعه» است و مدعی شده بود که شیوع زودرس آنفولانزا و استفاده بی رویه مردم از آنتی بیوتیک علت کمبود دارو است!

اینهمه در حالیست که کمبود و نایاب شدن داروها در حال حاضر به ۷۰۰ قلم دارو و گرانی داروها نه تنها بیماران را سرگردان کرده بلکه داروخانه ها را نیز در معرض آسیب قرار داده است.

روزنامه هم میهن گزارش داده است، وزارت بهداشت یک فهرست شامل قرمز (داروهای که با کمبود روبرو هستند)، زرد (داروهای که در مرحله هشدار به کمبود هستند)، و سبز (داروهای که موجود هستند) که اکنون فهرست داروهای سبز هم به رنگ زرد درآمده. این روزنامه بر اساس این فهرست، داروهای کمیاب و نایاب در ایران را ۷۰۰ قلم گزارش کرده است.

در گزارش هم میهن آمده «کافی است که مسئولین محترم نیز یک کودک بیمار در منزل داشته باشند و روی دست شان نسخه ای باشد که امکان تهیه داروی آن را نداشته باشند؛ چه حسی خواهند داشت؟ البته این مسئله برای آقایان رخ نمی دهد، چون با یک تلفن داروی مورد نیاز آنان تأمین می شود، ولی مردم باید انواع داروخانه ها را برونند، در پایان هم بدون کمک و پرداخت بیمه آن را بخرند، البته اگر

کسری بودجه ۲۳ هزار میلیارد تومانی برای اتمام پروژه «مسکن مهر»؛ کوچ گسترده سرمایه‌گذاران و شرکت‌های انبوه‌ساز ایرانی از کشور



این بازار ایجاد و خانوارها را حتی برای اجاره یک سرپناه با مشکلات زیادی روبرو کرده، بلکه فعالان این بازار را نیز به شدت ناامید کرده است.

در دو سال گذشته خبرهایی از مهاجرت کارگران و استادکاران حرفه‌ای بازار مسکن به کشورهای همسایه از جمله عراق منتشر شد. اکنون خبر مهاجرت شرکت‌های بزرگ انبوه‌ساز از ایران به دیگر کشورها منتشر شده است. بیت‌الله ستاریان کارشناس مسکن درباره خروج شرکت‌های انبوه‌ساز از بازار داخلی و سرمایه‌گذاری در بازار مسکن دیگر کشورها می‌گوید: «در سال‌های اخیر کشورهای همسایه به خصوص ترکیه، ترکمنستان، تاجیکستان و گرجستان میزبان بسیاری از سرمایه‌گذاران ایرانی بود که به علت فراهم بودن شرایط مناسب سرمایه‌گذاری بسیاری از سرمایه‌های کشور به سمت این کشورها سرازیر شد.»

به گفته این کارشناس بازار مسکن «در سال‌های اخیر به دلیل گرانی‌های بی‌سابقه در بخش‌های مختلف از جمله مسکن و بالارفتن هزینه ساخت و همچنین رکود در این بخش شرایط برای ساخت و ساز در کشورمان فراهم نبود و همین امر انگیزه بخش خصوصی برای کوچ سرمایه‌ها به سمت کشورهای همسایه شده است.»

کوچ شرکت‌های انبوه‌ساز و سرمایه‌گذاران به دیگر کشورها به این معناست که بازار مسکن ایران نه تنها در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت کلان بازار با کارنامه مردود جمهوری اسلامی دچار مشکلات زیربنایی است، بلکه مهاجرت سرمایه‌ها و شرکت‌های اجرایی در این بازار هم به مشکلات آن خواهد افزود.

در چنین شرایطی اقبال حقوق‌بگیر و مستأجر دیگر امیدی به خرید یک خانه کوچک نیز نخواهند داشت. آخرین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که میانگین قیمت هر مترمربع مسکن تهران در شهریور امسال از ۴۳ میلیون تومان عبور کرده و یک کارگر برای خانه‌دار شدن در تهران ناچار است یک‌سوم حقوق خود را به مدت ۱۳۳ سال پس‌انداز کند که عملاً غیرممکن است!

نرسیده است!

مسکن‌های ساخته شده در این طرح چه از نظر جاقایی شهرک‌ها، و چه از نظر کیفیت مصالح و امکانات زیربنایی و رفاهی شهرک‌ها به شدت مورد انتقاد خریداران بوده و البته همچنان تعداد زیادی از این واحدها نیمه‌کاره باقی‌مانده است. در تازه‌ترین اظهارنظر درباره سرنوشت طرح مسکن مهر، علیرضا جعفری معاون وزیر راه و شهرسازی امروز جمعه ۱۳ آبان ۱۴۰۱ گفته که «در شهرهای جدید پروژه‌های مسکن مهر عقب ماندگی قابل توجهی داشتند بطوری که در برخی از پروژه‌های ملی مسکن شاهد پیشرفت فیزیکی کمتر از ۱۰ درصد بودیم.»

علیرضا جعفری افزوده که «برای بستن پرونده مسکن مهر و اتمام این پروژه در شهرهای جدید به ۲۳ هزار میلیارد تومان نیاز داریم.»

جمهوری اسلامی در حالی از سال گذشت طرح دیگری با عنوان «نهضت ملی مسکن» با کپی‌برداری از طرح «مسکن مهر» را آغاز کرده که هنوز منابع کافی برای پایان طرحی که دو دهه پیش هدف‌گذاری شد را ندارد!

معاون وزارت راه و شهرسازی بیش از یک سال از آغاز این طرح گفته که «گام اول را با ساخت ۱۰۰ هزار واحد مسکونی آغاز کرده‌ایم که در بحث آماده‌سازی زمین به پیشرفت بیش از ۶۰ درصد و در بخش ساخت مسکن هم در گام اول به پیشرفت فیزیکی بیش از ۱۰ درصد رسیده‌ایم و روز چهارشنبه ۱۱ آبان ماه هم علمیات اجرایی ۱۰۰ هزار واحد در قالب گام دوم را آغاز کردیم.»

این در حالیست که بر اساس این طرح دولت می‌بایست چهار میلیون واحد مسکونی طی چهار سال را ساخته و تکمیل کند که با توجه به آمارهای ارائه شده از سوی معاون وزیر راه و شهرسازی مشخص است که این طرح هم به سرانجام نخواهد رسید.

بلبشویی که جمهوری اسلامی طی چهار دهه در بازار مسکن ایران به عنوان یکی از استراتژیک‌ترین بازارهای کشور ایجاد کرده نه تنها دو دهه رکود تورمی عمیق در

● معاون وزیر راه و شهرسازی: در شهرهای جدید پروژه‌های مسکن مهر عقب ماندگی قابل توجهی داشتند بطوری که در برخی از پروژه‌های ملی مسکن شاهد پیشرفت فیزیکی کمتر از ۱۰ درصد بودیم.

● تورم بازار مسکن و افزایش هزینه ساخت و همچنین رکود در این بخش شرایط برای ساخت و ساز فراهم نبود و همین امر انگیزه بخش خصوصی برای کوچ سرمایه‌ها به سمت کشورهای همسایه شده است.

● یک کارگر برای خانه‌دار شدن در تهران ناچار است یک‌سوم حقوق خود را به مدت ۱۳۳ سال پس‌انداز کند که عملاً غیرممکن است!

تورم در بازار مسکن با سرعت در حال افزایش است و طرح‌های دولت برای ساخت مسکن ارزان و خانه‌دار کردن قشر مستأجر بی‌حاصل بوده است. تازه‌ترین طرح دولت برای ساخت مسکن ارزان و حل بحران ایران بازار در نخستین مراحل باقی‌مانده و به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی برای اتمام طرح «مسکن مهر» که یک دهه پیش باید به اتمام می‌رسد، کسری بودجه‌ی ۲۳ هزار میلیارد تومانی وجود دارد.

آخرین آمارهای ارائه شده درباره بازار مسکن که از سوی بانک مرکزی منتشر شده نشان می‌دهد قیمت خانه در تهران به متری ۴۳ میلیون و ۷۲۴ هزار تومان افزایش یافته و تورم بازار اجاره نیز نسبت به مهرماه گذشته به ۴۶/۸ درصد رسیده است.

بیش از دو دهه است جمهوری اسلامی اقبال مستأجر و جوانان را با طرح‌هایی در این بازار به بازی گرفته است. طرح‌های ارائه شده از سوی حکومت همگی تکراری و بر پایه ارائه زمین رایگان از سوی دولت و انبوه‌سازی آپارتمان از سوی شرکت‌های پیمانکاری، و ارائه وام به متقاضیان برای خرید این واحدها است.

نخستین طرحی که بطور رسمی در این رابطه تصویب و اجرایی شد، طرح «مسکن مهر» است که از اوایل دهه هشتاد تا کنون در حال اجراست و هنوز هم به پایان

دلار از مرز ۳۶ هزار تومان گذشت؛ سامانه به اصطلاح «برخط» نیامده از خط خارج شد! وزارت اطلاعات و نمایش‌های امنیتی!



● سامانه «برخط» از نخستین ساعات روز کاری شنبه فعال شد اما هجوم خریداران برای ثبت سفارش در نخستین دقایق شد سبب از کار افتادن این سامانه به دلیل ترافیک بالا شد!

● بازار ارز در ایران همواره با دخالت دولت در حال فعالیت بوده و دولت‌های مختلف بجای ساماندهی بازار و اجازه فعالیت مستقل، اقدام به ایجاد بازاری چندنرخی و در نتیجه بحران آفرینی کرده‌اند.

● از آنجا که شرایط اقتصادی کشور تغییری روبه بهبود نداشته و کسری بودجه دولت در نیمه دوم سال آثار خود را در اقتصاد نشان می‌دهد افزایشی شدن قیمت ارز غیرطبیعی نیست.

● آرامش در بازار ارز زمانی اتفاق می‌افتد که ایران از انزوای بین‌المللی خارج و تحریم‌ها لغو شود؛ با جذب سرمایه‌گذاری خارجی تولید افزایش و درآمدهای کشور نیز افزایش یافته و پول ایران قدرت از دست رفته خود را بازیابد و اینهمه در ساختار فاسد و ناکارآمد جمهوری اسلامی ممکن نیست.

قیمت دلار در بازار آزاد ایران از مرز ۳۶ هزار تومان عبور کرد. همزمان به دستور دولت سامانه به اصطلاح «برخط» (آنلاین) برای خرید و فروش معرفی شده تا موج خریداران و فروشندگان در بازار کنترل شود. در ادامه تلاش‌های روانی-امنیتی جمهوری اسلامی برای مدیریت بازار ارز، وزارت اطلاعات از مسدود شدن ۲۳۰۰ حساب بانکی مرتبط با «شبکه دلای ارز» خبر داده است.

قیمت ارز روز شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ روند افزایشی هفته گذشته را با شتاب بیشتری ادامه داد و قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد به ۳۶ هزار و ۳۱۰ تومان رسید. قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران نیز افزایش یافته بطوری که هر یورو ۳۶ هزار و ۱۰۰ تومان و هر درهم امارات ۹۹۰۰ تومان معامله شد.

قیمت‌ها در بازار طلا نیز روز شنبه افزایشی بود و قیمت هر سکه طلا به ۱۶ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان رسیده است. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار هم یک میلیون و ۴۷۳ هزار تومان اعلام شد.

افزایش قیمت دلار و دیگر ارزها در بازار نشان از شکست سیاست‌های بانک مرکزی برای کنترل قیمت ارز دارد. با اینهمه همزمان با گذر قیمت دلار از مرز ۳۶ هزار تومان، بانک مرکزی معاملات در سامانه «برخط» برای خرید و فروش آنلاین ارز توسط صرافی‌های رسمی را اجباری اعلام کرد. متقاضیان خرید ارز باید با ارائه مشخصات کارت ملی در این سامانه ثبت‌نام و ارز مورد نیاز خود را ثبت کنند و پس از دریافت پیامک، به صرافی مراجعه و ارز را تحویل بگیرند.

سامانه «برخط» از نخستین ساعات روز کاری شنبه فعال شد اما هجوم خریداران برای ثبت سفارش با ثبت ۵۰۰۰ سفارش در نخستین دقایق سبب شد که این سامانه به دلیل ترافیک بالا از کار بیفتد!

بازار ارز در ایران همواره با دخالت دولت در حال فعالیت بوده و دولت‌های مختلف بجای ساماندهی این بازار و اجازه فعالیت مستقل، اقدام به ایجاد بازاری چند نرخی و در نتیجه بحران آفرینی در بازار کرده‌اند.

اینهمه در حالیکه که افزایش قیمت ارز دلایل اقتصادی دارد اما مقامات اقتصادی نظام بجای دریافت واقعیت اقتصاد ایران، معتقدند که «سوداگران» و «دلالتان» عامل افزایش نرخ

که بخشی از آنها مجری این معاملات هستند و بخشی دیگر با اجاره کارت ملی، امکان خرید به مجرای می‌دهند. برای نمونه امروز قیمت دلار سهمیه‌ای حدود ۳۴ هزار و ۸۴۰ تومان و قیمت دلار بازار آزاد بیش از ۳۶ هزار تومان بود. بنابراین خرید دو هزار دلار ارز سهمیه‌ای و فروش آن در بازار آزاد حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار تومان برای دلالتان سود دارد که البته بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان آن را باید به صاحبان کارت ملی بدهند. این تجارت در حالی که بیکاری موج می‌زند و اکثر بازارها در رکود تورمی غرق شده‌اند، تجارتی سودآور است که غالباً هم به دست مافیای حکومتی و شبکه‌های دارای رانت اطلاعاتی صورت می‌گیرد!

در چنین شرایطی برخی کارشناسان نزدیک به حکومت از لزوم تعیین مالیات بر سود ناشی از خرید و فروش ارز سخن می‌گویند که این اقدام هم با توجه به ساختار ناکارآمد و مدیریت فشل جمهوری اسلامی دستکم در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر غالب معامله‌گران کلان بازار ارز ایران، شبکه‌های مافیایی حکومت هستند که به راحتی از پرداخت مالیات فرار خواهند کرد!

همچنین طی روزهای گذشته خبرهایی درباره قطع یارانه افرادی که ارز سهمیه‌ای دریافت می‌کنند منتشر شده است. مدافعان این ایده معتقدند کسانی که ارز سهمیه‌ای یا همان ارز یا نرخ دولتی دریافت می‌کنند به قاعده مسافرت خارج از کشور دارند و کسانی که در این شرایط اقتصادی امکان مسافرت خارجی داشته باشند، از اقشار متمول به شمار رفته و نیازی به یارانه نقدی ندارند.

افزایش نجومی در بازار ارز ایران اما در صورتی پایان می‌یابد که وضعیت اقتصاد کشور بهبود پیدا کند، ایران از انزوای بین‌المللی خارج و تحریم‌ها لغو شود؛ با جذب سرمایه‌گذاری خارجی تولید افزایش و در نتیجه درآمدهای کشور نیز افزایش یافته و پول ایران قدرت از دست رفته خود را بازیابد. این روند اما با ساختار فاسد و ناکارآمد جمهوری اسلامی ممکن نیست و به همین دلیل بانک مرکزی و تیم اقتصادی دولت‌های مختلف جناحین سال‌هاست راهکارهایی نمایشی و ضربتی برای مهار به زور قیمت‌ها را در دستور کار قرار می‌دهند و هر بار هم شکست می‌خورند.

در بازار هستند. به همین دلیل است که هر زمان افزایش قیمت نرخ ارز در بازار صورت می‌گیرد بجای اقدامات مبتنی بر علم اقتصاد، جمهوری اسلامی با ایجاد فضای روانی-امنیتی به دنبال مهار قیمت در بازار است.

سامانه «برخط» را نیز می‌توان به عنوان یکی از همین اقدامات دانست که برای ایجاد فضای روانی روغایی و فعال شده است. این در حالیکه که روندی که دولت آن را «سوداگری در بازار ارز» می‌خواند، در دقایق اولیه آغاز به کار این بازار نیز با هجوم به سامانه و ثبت ۵۰۰۰ سفارش نشان داده شد. وزارت اطلاعات نیز اعلام کرده که ۲۳۰۰ حساب بانکی را در راستای مبارزه با سوداگری در بازار ارز مسدود کرده است: «همزمان با افزایش اقدامات سودجویانه برخی شبکه‌های

دلای در افزایش کاذب تقاضا در بازار ارز و ایجاد جو ملتهب اقتصادی در چند روز گذشته، سربازان گمنام امام زمان (عج) با اقدامات اطلاعاتی خود ضمن شناسایی فعالان غیرمجاز بازار ارز، حساب بانکی بیش از ۲۳۰۰ نفر از این افراد را مسدود و پیگیری قضایی اعمال مجرمانه آنها را در دستور کار قرار داده‌اند.» بازار ارز ایران همواره آینه‌ای از شرایط اقتصادی و سیاسی کشور بوده است. از آنجا که شرایط اقتصادی کشور تغییری رو به بهبود نداشته و کسری بودجه دولت در نیمه دوم سال آثار خود را در اقتصاد نشان می‌دهد افزایشی شدن قیمت ارز غیرطبیعی نیست. به ویژه آنکه شکست مذاکرات هسته‌ای و خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی که از روز شنبه ۱۴ آبان وارد هشتمین هفته شده، و همچنین تهدیدهای رسمی و غیررسمی جمهوری اسلامی علیه ایالات متحده و عربستان طی روزهای گذشته، انتظارات تورمی نیز در بازار ارز ایجاد کرده است. بسیاری از تحلیلگران چندنرخی بودن ارز را از جمله مشکلات این بازار عنوان کرده و معتقدند اختلاف قیمت ارز دولتی و آزاد، یکی از راه‌های سودآوری معامله‌گران شده است. دولت با اعلام سهمیه دو هزار دلاری برای هر کارت ملی به دنبال مهار این تجارت شده بود اما معامله‌گران راهکار عبور از این محدودیت را پیدا کردند و با اجاره کارت ملی، این محدودیت را از بین بردند.

خرید ارز با قیمت دلاری و فروش آن در بازار آزاد چند سال است که به عنوان منبع درآمد برای بسیاری تبدیل شده

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران: اغتشاشات اخیر هیچ خطری برای جمهوری اسلامی نداشت! کیهان تهران: فردای براندازی جهنم است!



تظاهرات در تهران

«نظام از دست نرفته اما ضربه خورده‌ایم!» گروه سوم اما با نادیده گرفتن تمام واقعیات ژست اقتدار گرفته و مثل سردار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی‌اند «اغتشاشات اخیر هیچ خطری برای جمهوری اسلامی نداشت.»

در میان هر سه گروه اما یک گروه چهارم نیز قرار دارد که ترسیده‌اند و فکر می‌کنند با سرکوب و کشتار بیشتر می‌توانند اوضاع را بار دیگر «جمع» کنند! حسین شریعتمداری مدیرمسئول تبهکار روزنامه «کیهان تهران» که نظام و نیروهای نظامی و انتظامی را همواره به سرکوب و خشونت و کشتار ترغیب و توصیه می‌کند، پیشتر با توصیف شرایط وخیم نظام از مقامات امنیتی و انتظامی گفته بود «چرا مدارا می‌کنید و از تیر جنگی استفاده نمی‌کنید؟!»

کیهان تهران در سرمقاله اخیرش نیز با اشاره به کشته شدن ۶۰ نفر از نیروهای سرکوبگر در هفته‌های اخیر، در ملغمه‌ای از دروغ و تحریفات عجیب و غریب و با تکرار «فردای پس از جمهوری اسلامی، جهنمی بیش نیست» از یکسو تلاش می‌کند تا «میلیون‌ها» ایرانی را «همفکر» جمهوری اسلامی نشان دهد و از سوی دیگر مخاطبان و اقلیتی را که هنوز با رژیم هستند از این بترساند که جوانانی که این رژیم را نمی‌خواهند و با به دست گرفتن جان خود به کف خیابان‌ها آمده و آزادی را فریاد می‌زنند، «اگر اینها به قدرت برسند، قطعا چندصد و چند هزار و چندصد هزار و چندمیلیون انسانی که با آنان همفکر نیستند را سلاخی و قتل‌عام خواهند کرد!»

حال آنکه موضوع بر سر «همفکر» بودن یا نبودن نیست! بر سر خشونت عریان و کشتار و جنایاتی است که نیروهای سرکوبگر نظام با تشویق افراد و رسانه‌هایی مانند حسین شریعتمداری و کیهان تهران مرتکب می‌شوند! امثال وی که مشوق خونریزی علیه مردم بوده و هستند باید که از پیشگاه عدالت و دادگاه مردم بترسند! اما راه برای بسیاری از نیروهای سرکوب برای پیوستن به مردم همچنان باز است. نظام جمهوری اسلامی رفتنی است و ملت و مملکت ماندنی! زمان انتخاب و تصمیم مدت‌هاست که رسیده و پیش از آنکه دیر شود و این زمان نیز به پایان برسد و خون‌های بیشتری از مردم ریخته شود، می‌بایست انتخاب کرد و تصمیم گرفت.

به نظر می‌رسد مقامات جمهوری اسلامی تصمیم گرفته‌اند هر دلیلی برای اعتراضات مردم بسازند جز آنچه واقعیت دارند: مردم ایران این نظام را نمی‌خواهند!

طی هشت هفته‌ای که از آغاز خیزش انقلابی در ایران می‌گذرد، مقامات جمهوری اسلامی نخواستند باور کنند که آنچه در کشور در حال وقوع است یک خیزش آزادخواهانه است که نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی آن را تشدید کرده. با اینهمه زمامداران حکومت حتا در تفسیر خودشان از اعتراضات در حالی که ادعا می‌کنند «اغتشاشات توطئه خارجی و پروژه امنیتی است»، هنوز به این جمع‌بندی نرسیده‌اند که انگشت اتهام را به سوی کدام کشورها دراز کنند: آمریکا یا دولت‌های اروپایی و سفارتخانه‌هایشان در تهران و یا اسرائیل و عربستان سعودی!

در این میان، مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و از امضاکنندگان نامه درخواست برای اعدام سریع معترضان بازداشتی در نطقی گفته که کارفرمای اغتشاشات، نظام سلطه به سرکردگی آمریکا با دلارهای سعودی است!

یکی از مشکلات اصلی حکومت و در رأس آنها شخص علی خامنه‌ای، درماندگی در تفسیر و به قول خودشان «تبیین» یا توجیه واقعیت‌های موجود است. ساده‌ترین راهی که پیدا کرده‌اند این است که دائم بگویند در یک «جنگ ترکیبی» قرار دارند بدون آنکه اساسا معنای جنگ ترکیبی را درک کرده باشند! حال آنکه جنگی که آنها درگیرش هستند و به هر حال روزی به نبرد نهایی می‌رسید، دارای یک عنصر و محور اصلی است: جامعه! مردم!

مسئله دیگری که عوامل و کارگزاران جمهوری اسلامی هنوز در درک و تعریف آن دچار تضاد و دوگانگی هستند، پیامدهای خطرناک این خیزش مردمی علیه نظام است: گروه اول کمی واقع‌بینانه به قضیه نگاه می‌کنند و مرتب هشدار می‌دهند که هدف این اعتراضات «براندازی نظام» است. آنها مدام هواداران نظام را می‌ترسانند «اتفاقی بیفتد اصلاح‌طلب و اصولگرا را با هم بالای دار می‌فرستند!»

گروه دوم به بخشی از واقعیت اعتراف می‌کنند چنانکه سردار رسول سنایی‌راد معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به تداوم اعتراضات می‌گوید

● وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در مصاحبه با وبسایت خبری دفتر علی خامنه‌ای تهدید کرده «انگلیس هزینه ناامن‌سازی ایران را خواهد داد».

● پاسدار محمدباقر ذوالقدر دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز ادعا می‌کند «ایجاد و حمایت از فتنه‌های داخلی با برنامه‌ریزی و یا حمایت و نقش‌آفرینی امریکا شکل گرفته است و نقش آن در چنین جنایت‌هایی به خوبی مشهود است».

● سردار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم مدعی شده «اغتشاشات اخیر هیچ خطری برای جمهوری اسلامی نداشت!» این در حالیست که یک روز پیش از این سردار رسول سنایی‌راد معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به استمرار اعتراضات می‌گوید «نظام از دست نرفته اما ضربه خورده‌ایم!»

حجت‌الاسلام اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در مصاحبه با وبسایت خبری دفتر علی خامنه‌ای تهدید کرده «انگلیس هزینه ناامن‌سازی ایران را خواهد داد.» وی همچنین اعلام کرد که شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» که در لندن مستقر است، از سوی جمهوری اسلامی به عنوان سازمان تروریستی شناخته می‌شود و عوامل و مرتبطین با آن تحت تعقیب خواهند بود.

اسماعیل خطیب در حالی که تلاش می‌کند القاء کند که خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی پایان یافته و خاموش شده است، توضیح می‌دهد «بی‌شک بزرگترین عملیات تأثیر روی کشوری در جهان برای بی‌ثبات‌سازی و اغتشاش، از طریق عملیات ترکیبی، همانی بود که در حول اغتشاشات و در دوره پس‌اغتاشات از سوی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی و سعودی صورت گرفت.» وی اما نمی‌گوید که اگر چنین است، پس این تهدیدات و اعلام یک شبکه تلویزیونی به عنوان «سازمان تروریستی» برای چیست! وی در بخش دیگری از این مصاحبه در مورد منشاء اعتراضات همان حرف‌های دیگر مقامات رژیم را تکرار کرده و با «تقسیم کار» بین کشورهای مختلف مدعی شده «دست رژیم صهیونیستی آشکارتر بود، در تبلیغات دست انگلیس و در هزینه‌کردن دست رژیم سعودی واضح‌تر بود!»

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی چنان از واقعیات جامعه و خیزش آزادیخواهی مردم ایران پرت است که گمان می‌کند با تهدید یک شبکه تلویزیونی که ربطی به اعتراضات مردم ندارد، می‌تواند با انقلاب یک ملت مقابله کند! تروریستی اعلام کردن شبکه‌های تلویزیونی و وبسایت‌ها و یا قراردادن نام افراد و نهادها و شرکت‌های خارجی در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی فقط بیانگر استیصال نظام است!

احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی که نام وی از جمله در پرونده تروریستی عملیات مرگبار انفجار مرکز یهودیان در آرژانتین ثبت است نیز در سخنانی یاهو مدعی شده «لیدرهای اغتشاشات در ۸ کشور مخالف جمهوری اسلامی آموزش دیده‌اند!»

پاسدار محمدباقر ذوالقدر دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز ادعا می‌کند «ایجاد و حمایت از فتنه‌های داخلی در سال‌های ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰ و فتنه‌ای که امروز درگیر آن هستیم با برنامه‌ریزی و یا حمایت و نقش‌آفرینی آمریکا شکل گرفته است و نقش آن در چنین جنایت‌هایی به خوبی مشهود است.»



عوامل فیلم «برادران لیلا»؛ فستیوال کن ۲۰۲۲

یک جشنواره جدید بین‌المللی به نام «قصه» در لندن

● «این جشنواره بیشتر برای تماشاگرانی است که به سینمای مستقل و جدی علاقه دارند. حال باید دید که در سال‌های آینده چه فیلم‌هایی از ایران بیرون خواهد آمد. دلیل اینکه فیلم‌های ایرانی جذابیت خاصی برای غیرایرانیان دارند اوریژینال بودن داستان آنهاست که بر اساس تجارب شخصی فیلمسازان ساخته شده‌اند و از داستان فیلم‌های دیگر کپی‌برداری نشده است.»

جشنواره بین‌المللی فیلم «قصه» قرار است از چهارشنبه ۹ نوامبر کار خود را در لندن آغاز کند و تا ۱۲ نوامبر ادامه خواهد داشت. در این جشنواره دو فیلم ایرانی نمایش داده می‌شود. گشایش جشنواره با فیلم «برادران لیلا» از سعید روستایی است که در ایران در توقیف است. درباره این جشنواره با دکتر ایرج امامی که مسئولیت بخش فارسی آنرا بر عهده دارد، گفتگو کرده‌ایم.

● لطفاً اطلاعاتی در مورد این جشنواره‌ی جدی در اختیار خوانندگان بگذارید...

این اولین سال برگزاری جشنواره «قصه» است که اختصاص به نمایش فیلم‌هایی از کشورهای مسلمان‌نشین دارد. البته نه لزوماً به معنای فیلم‌هایی که بر مبنای نگرش اسلامی ساخته شده و یا به مسائل اسلامی بپردازند. برنامه‌ریزی این جشنواره بر می‌گردد به دوره قبل از کرونا که طبیعتاً با شروع آن معوق ماند تا اینکه امسال شرایط برگزاری آن فراهم شد. این جشنواره با هدف جلب توجه تماشاگران بریتانیایی به سوی فیلم‌های خوب از کشورهایی که اصطلاحاً «جهان سوم» نامیده می‌شوند تاسیس شده ولی در تبلیغات و روابط عمومی جشنواره این واژه به کار نرفته است. نکته محوری برگزارکنندگان این جشنواره آن است که فیلم‌های خوبی را که در این کشورها تهیه می‌شود ولی امکان دیدنشان در بریتانیا کم است از طریق این جشنواره در معرض توجه تماشاگران قرار دهند. مدیر جشنواره یک فیلمساز پاکستانی‌تبار به نام احمد جمال است. از من خواسته بودند که فیلم‌های فیلمسازانی مانند احمد پناهی و رسولاف را به جشنواره بیاورم که به دلیل زندانی بودن هر دو کارگردان، به فیلم‌های آنان دسترسی پیدا نکردیم.

در مورد فیلم «برادران لیلا» شانس آوردیم که این فیلم پخش‌کننده اروپایی داشت که نمایش آنرا در جشنواره میسر کرد. این فیلم که برنده جایزه در فستیوال کن شده، توسط

نیست در این جشنواره نمایش داد. یادآوری کنم که این جشنواره بیشتر برای تماشاگرانی است که به سینمای مستقل و جدی علاقه دارند. حال باید دید که در سال‌های آینده چه فیلم‌هایی از ایران بیرون خواهد آمد. به نظر من دلیل اینکه فیلم‌های ایرانی جذابیت خاصی برای غیرایرانیان دارند اوریژینال بودن داستان آنهاست که بر اساس تجارب شخصی فیلمسازان ساخته شده‌اند و از داستان فیلم‌های دیگر کپی‌برداری نشده است. مثلاً در یکی از صحنه‌های «برادران لیلا» کارگردان به خوبی مردسالاری حاکم بر بخش‌های سنتی جامعه ما را به تصویر می‌کشد. در این صحنه پدر بزرگ اصرار دارد که با چشم‌های خود نوزاد خانواده را ببیند تا از پسر بودن او اطمینان یابد زیرا شک دارد که نکند به او دروغ گفته باشند. متأسفانه برای افشار سنتی جامعه ما فرزند دختر یک معضل است. فیلم اینگونه ریزه‌کاری‌ها زیاد دارد. خود کارگردان هم گفته است که بیشتر صحنه‌های فیلم را براساس تجارب شخصی و یا تجربیات شخصی که دیگران برایش بازگو کرده‌اند ساخته. به همین دلیل توانسته این فیلم درام را خوب بسازد. من خودم هم به عنوان کارگردان تئاتر و سینما از خاطرات و تجارب زندگی خودم در آثارم زیاد استفاده می‌کنم. ولی چنین چیزهایی کمتر در سینمای تجاری غرب دیده می‌شود. در بیشتر فیلم‌هایی که امروزه در غرب ساخته می‌شوند جذابیت آنها در تکنیکال بودن و مهیج بودن آنهاست. مستند خانم خسروانی نیز کاملاً بر مبنای تجارب شخصی ساخته شده است.

● شما نمایش این فیلم مستند را پیشنهاد کردید یا اینکه خود برگزارکنندگان آن را پیدا کرده بودند؟

این فیلم مستند را مسئولین جشنواره پیدا کردند. من دنبال سعید روستایی کارگردان فیلم «برادران لیلا» بودم که می‌دانید در شرایطی کنونی بیشتر فیلمسازان مستقل زیاد علنی نمی‌شوند. به‌خصوص در مورد سازنده این فیلم که علاوه بر دروغ‌های آن که جامعه مردسالار را به نقد جدی می‌کشد، بوسه عاشقانه نوید محمدزاده و همسرش در فستیوال کن نیز مشکل این فیلم را دو چندان کرد. الان شروطی که وزارت ارشاد گذاشته، آنستکه فیلم‌هایی که قرار است به جشنواره‌های خارجی برود باید مجوز خروج بگیرد. به گمانم دلیل این محدودیت جدید این است که نمی‌خواهند از دستشان در برود. قبلاً کارگردان‌هایی

داوران به عنوان داستانی «درگیر کننده و مملو از نگرش‌های ژرف فرهنگی که گوشه‌ای کوچک از جامعه نا کارآمد مردسالار را ترسیم می‌کند» معرفی شده. فکر می‌کنم که این فیلم نمونه بارزی از رئالیسم اجتماعی است و با تشابه به آثار آرتور میلر و هارولد پینتر، حال و هوای تئاتری نیز دارد. روزنامه گاردین ترانه علیدوستی را بنیض تهیه این حماسه خانودگی می‌داند و بازی فوق‌العاده‌اش را می‌ستاید. «برادران لیلا» به نظر من فیلم شاخصی است و به همین جهت برای افتتاح این جشنواره برگزیده شد. شاید این مهم‌ترین فیلمی باشد که در جشنواره «قصه» نمایش داده می‌شود.

فیلم دیگر ایرانی شرکت کننده در این جشنواره مستندی است طولانی ساخته فیروزه خسروانی با عنوان «رادیوگراف یک خانواده». این مستند که برنده چند جایزه شده فیلمی است دیدنی. خسروانی با ارائه تاریخ خانواده خود در پی کشف آنست که چگونه انقلاب ۱۹۷۹ دنیای او را تحت تأثیر قرار داده و متحول ساخته است. بعد سیاسی و مذهبی انقلاب نه فقط فاصله بین پدر تحصیلکرده در خارج، مدرن و روشنفکر او و مادر بیشتر سنتی و پرهیزگارش را افزایش داد، بلکه نقش‌های جنسیتی و روابط خانوادگی را نیز تغییر داد. کم نیستند خانواده‌های ایرانی که چنین هستند. این زوج‌ها معمولاً تا آخر عمر با یکدیگر زندگی می‌کنند هرچند که توافق فکری نداشته باشند. قرار شده است که با کارگردان «رادیوگراف یک خانواده» جلسه اسکایپی پرسش و پاسخ داشته باشیم البته اگر اینترنت در ایران اجازه این کار را بدهد. با توجه به اینکه دولت اینترنت را قطع و وصل می‌کند نمی‌توان به این امکان اتکا داشت، به همین جهت برنامه زنده ریسک زیادی دارد. من پیشنهاد کرده‌ام که خانم خسروانی در ایران قطعه ویدئویی ضبط کند و برای ما بفرستد که در صورت قطع اینترنت در ایران این ویدئو را پخش کنیم.

● چه سازمان‌هایی از این جشنواره حمایت مالی کرده‌اند و یا در این پروژه شرکت می‌کنند؟

استیو فیلم بریتانیا، لاتاری ملی بریتانیا، سینمای کیلن، تئاتر لیریک، و سینمای ریو پشتیبانان مالی و شرکای آن هستند. شاید بشود به این ترتیب این جشنواره را ادامه داد و از جمله فیلم‌های ایرانی‌ای که امکان نمایش آنها در بریتانیا

بعد از ماه‌ها انکار سرانجام وزیر خارجه جمهوری اسلامی ارسال پهباد به روسیه را تأیید کرد!



برای اولین بار است که یک مقام رسمی جمهوری اسلامی به ارسال پهباد برای روسیه اعتراف می‌کند

از مقامات اوکراین خواسته است که «اگر مستنداتی در مورد استفاده از پهبادهای ایرانی در جنگ اوکراین توسط روسیه وجود دارد» در اختیار آنها قرار بدهند و در صورت اثبات این موضوع جمهوری اسلامی نسبت به آن «بی‌تفاوت» نخواهد بود.

نهادهای امنیتی اوکراین با همکاری‌های کشورهای غربی و احتمالاً اسرائیل مسیر انتقال پهبادهای انتحاری از ایران به روسیه را شناسایی و بر اساس شواهد میدانی مستندسازی کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد از آغاز حمله روسیه به اوکراین تا کنون نزدیک به ۱۰۰ پرواز از ایران به روسیه با پنج ایرلاین انجام شده است. هوایم‌ای باری «ایران ایر» ۱۲ پرواز، «قشم ایرفراس» ۲۴ پرواز، «سها» (متعلق نیروی هوایی ارتش) ۵ پرواز، «پویا ایر» (متعلق به سپاه) ۲۸ پرواز و بوئینگ ۷۴۷ مسافربری «ماهان ایر» ۳۰ پرواز به روسیه داشتند.

منابع آلمانی به نقل از مقامات اوکراین گزارش دادند تا کنون ۴۰۰ پهباد انتحاری جمهوری اسلامی به روسیه منتقل شده است. شمار زیادی از این پهبادها در هدف قراردادن مناطق غیرنظامی و مسکونی به کار گرفته شده است. گفته می‌شود روس‌ها حدود دو هزار فروند از این پهبادها سفارش داده‌اند. روسیه در جنگ با اوکراین با کمبودهای لجستیک زیادی روبرو شده است. رویترز گزارش می‌دهد کره شمالی برای اولین بار در چند سال گذشته خط قطار به روسیه را از سر گرفته است. در این گزارش آمده کره شمالی احتمالاً مخفیانه مهمات برای جنگ در اوکراین به روسیه ارسال می‌کند.

● حسین امیرعبداللّه‌یان گفته ما تعداد معدودی پهباد ماه‌های قبل و پیش از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار دادیم.

● نهادهای امنیتی اوکراین با همکاری‌های کشورهای غربی و احتمالاً اسرائیل مسیر انتقال پهبادهای انتحاری از ایران به روسیه را شناسایی و بر اساس شواهد میدانی مستندسازی کردند.

● بررسی‌ها نشان می‌دهد از آغاز حمله روسیه به اوکراین تا کنون نزدیک به ۱۰۰ پرواز از ایران به روسیه با پنج ایرلاین انجام شده است. هوایم‌ای باری «ایران ایر» ۱۲ پرواز، «قشم ایرفراس» ۲۴ پرواز، «سها» (متعلق نیروی هوایی ارتش) ۵ پرواز، «پویا ایر» (متعلق به سپاه) ۲۸ پرواز و بوئینگ ۷۴۷ مسافربری «ماهان ایر» ۳۰ پرواز به روسیه داشتند.

● منابع آلمانی به نقل از مقامات اوکراین گزارش دادند تا کنون ۴۰۰ پهباد انتحاری جمهوری اسلامی به روسیه منتقل شده است.

سرانجام پس از ماه‌ها انکار حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ارسال پهباد به روسیه را تأیید کرد.

امیرعبداللّه‌یان شنبه ۱۴ آبان در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ارسال پهبادها و موشک‌های ایرانی به روسیه گفت: «اظهارات در مورد بخش موشکی کاملاً غلط اما بخش پهباد درست است. ما تعداد معدودی پهباد ماه‌های قبل و پیش از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار دادیم.»

امیرعبداللّه‌یان در ادامه گفت که جمهوری اسلامی

مانند پناهی، رسول‌اف و کیارستمی بدون مجوز آثارشان را به خارج می‌آوردند و در فستیوال‌ها نمایش می‌دادند. در بازگشت هم در ایران پروانه نمایش می‌گرفتند. ولی دلیل اصلی توقیف این فیلم آن است که واکنش‌ها نسبت به این فیلم و محتوای آن در خارج از کشور به هیچ وجه باب طبع آقایان در وزارت ارشاد نبوده است. در حال حاضر سعید روستایی و نوید محمدزاده هر دو ممنوع‌الکار شده‌اند. مضافاً اینکه مسائلی هم حول و حوش اتهام تعرض جنسی علیه پرویز پورصمیمی (که نقش پدر را بازی می‌کند) توسط یک خانم بازیگر زده شده که وضعیت فیلم را دشوارتر ساخته است.

ولی مسئله اصلی در حال حاضر سیاست وزارت ارشاد در قبال فیلمسازان مستقل این است که بطور کلی در پی ایجاد شرایط نامناسب است که آنها عملاً نتوانند کار کنند. عده‌ای از این فیلمسازان اکنون یا در زندان هستند یا ممنوع‌الکار شده‌اند و یا فیلم‌هایشان زیر سانسور شدید قرار دارد. به عبارت دیگر، وزارت ارشاد می‌خواهد جلوی فیلم‌هایی را که مسائل جدی مطرح می‌کنند و در آنها فکر هست از طرق مختلف بگیرد. این طُرق از جمله با دشوارکردن دادن



رادیوگراف یک خانواده

مجوز ساخت به این فیلمسازان، یا دادن مجوز و سپس پس گرفتن آن، یا مجوز ساخت دادن ولی جلوی پخش را گرفتن است که به این ترتیب، ضرر هنگفتی را به تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران وارد می‌کنند تا دیگر دست به تهیه این نوع فیلم‌ها نزنند. در مجموع سیاست کلی وزارت ارشاد به وجود آوردن وضعیت برزخی برای فیلمسازان مستقل ایران است. اضافه کنم که از شگردهای دیگر وزارت ارشاد اجازه نمایش دادن به این فیلم‌ها تنها در سینماهای درجه چندم است تا در مرکز توجه زیاد تماشاگران قرار نگیرند. توجه کنید که اینها فیلمسازانی هستند که با شرکت در جشنواره‌ها و گرفتن جوایز متعدد برای سینمای ایران حیثیت و آبرو آورده‌اند.

● آیا جشنواره «قصه» رقابتی است و یا فقط نمایش و معرفی فیلم است؟ از کدام کشورها در این جشنواره شرکت می‌کنند؟ -این جشنواره رقابتی و مسابقه نیست. در مجموع ۱۴ فیلم از کشورهای ایران، اقلیم کردستان عراق، ترکیه، الجزایر/فرانسه، مراکش، تانزانیا، سومالی، قزاقستان، اندونزی، کوزوو، لبنان، عربستان سعودی و سوریه در آن شرکت دارند. فیلم سوری «نزه» هم فیلم زیبایی است.

تداوم اعتراضات خواب از سر اصولگرایان و اصلاح طلبان که می گفتند «براندازان عددی نیستند» پرانده است!



تظاهرات در خیابان پهلوی تهران مهرماه ۱۴۰۱

در ایران محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی خطاب به «جریان انقلابی» حکومت که به ظاهر مخالف برجام بودند هشدار داد «اصلاح طلب و اصولگرا همگی در یک کشتی نشستیم». همین حرف را محمود حسینی پور استاندار مازندران دو هفته قبل تکرار کرد و هشدار داد «همه اعم از اصلاح طلب و اصولگرا گوشها را باز کنند، اگر کسی تصور این است اتفاقی برای ایران بیافتد، تصور نکند با او کاری ندارند و قبل از همه او را بالای دار می فرستند!» البته برای مقامات جمهوری اسلامی قابل تصور نیست که راه و روش دیگری غیر از «دار» و «اعدام» و «قتل عام» و «جهنم» وجود داشته باشد و در یک تناقض آشکار مرتب مخاطبان را از همان جنایاتی می ترسانند که خودشان ۴۳ سال است در حال ارتکاب آن هستند!

از سوی دیگر، حزب اللهی ها و ولایتمداران به شدت علیه اصلاح طلبان موضع گرفته اند و مدعی اند آنها با اظهاراتشان به نفاق دامن می زنند! اصلاح طلبان اما طبق معمول یکی به نعل و یکی به میخ می کوبند و امیدوارند بتوانند باز هم به پشتوانه سلبریتی هایی که به این جریان نزدیک است پایگاه اجتماعی خود را که بعد از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری ۱۴۰۰ به کمتر از آرای باطله و به «سه درصد» کاهش یافت ارتقاء دهند. اما اعتراضاتی که خود مردم آن را «انقلاب» می نامند با ابتکارات مبارزاتی کاملاً منحصر به فرد، سرگونی نظام و تغییر رژیم را هدف خود قرار داده و توانسته پشتیبانی گسترده دولت های خارجی و افکار عمومی جهان را نیز به خود جلب کند و همین خواب را از سر هر دو جریان حکومتی که بر کشتی شکسته و سوراخ نظام نشسته اند به شدت پرانده است.

در این میان، یکی از تشکیلات اصلاح طلب که خود را «جبهه اصلاحات ایران» معرفی می کند با نادیده گرفتن نقش جریان موسوم به اصلاحات در وضعیت نابسامان کشور در بیانیه ای به انتقاد از سیاست گذاران نظام پرداخته و نوشته است که این وضعیت حاصل «سرکوب زندگی» و «سیاست به رسمیت نشناختن»، «مسائل انباشته حل نشده» و «تحقیر شهروندان متکثر» است! اتفاقاً یکی از جریانات مهم حکومتی که «سیاست به رسمیت نشناختن» را پیش می بردند خود اصلاح طلبان، امثال عباس عبدی، حمیدرضا جلالی پور، صادق زیباکلام، سعید جباریان، الیاس حضرتی، حسین مرعشی و بهزاد نبوی و مشابهان، بوده اند که می گفتند «براندازان را اصیل نمی دانیم» و «براندازان می خواهند در فتنان توفان کنند».

حتا حسین مرعشی از اعضای ارشد حزب «کارگزاران سازندگی» امرداد ۱۳۹۷ در یک مصاحبه گفته بود «براندازان عددی نیستند!» اما حالا وضعیت نظام چنان وخیم شده که روزنامه بدنام و منفور «کیهان تهران» در سرمقاله خود برای ترساندن مردم هشدار می دهد «فردای براندازی جهنم است و آنهایی را که همفکرشان نیستند قتل عام می کنند!»

بخشی از حکومت در حالی یکی از جناحین خود، اصلاح طلبان را مقصر «ناآرامی ها» معرفی می کند که هنوز هم آنها با پشتیبانی صادراتی ها و لابیگران خارج از کشور در تلاش هستند تا به رهبران غربی چنین القاء کنند که آنچه در ایران می گذرد منجر به «سقوط نظام» نمی شود. امتداد این خط تبلیغاتی را که اصلاح طلبان پیش می برند می توان در مقالات و اظهارات اعضای مؤسساتی مثل «شورای آتلانتیک»، «نایاک» و «کوئینسی» دید. دو سال پیش پس از یک دوره اعتراضات ضدحکومتی

خیزش های شبانه در تهران، اصفهان، قهریجان و گلدره، اراک، سقز و مهاباد، بوکان و بسیاری از شهرهای دیگر درحالی ادامه یافت که با وجود سرکوب مردم و همچنین استفاده از اسلحه جنگی توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اصرار دارد مدعی شود که با مردم مباحثات می کند!

روزنامه «کیهان تهران» در گزارشی مقصر وضعیتی را که نظام در آن گرفتار شده «اصلاح طلبان» دانسته و نوشته است آنها به نیابت از آمریکا با انتشار یاهوها و جفنگ های، بی شرافتی و آلودگی عمیق خود را بروز دادند!

یکی از تشکیلات اصلاح طلب که خود را «جبهه اصلاحات ایران» معرفی می کند با نادیده گرفتن نقش جریان موسوم به اصلاحات در وضعیت نابسامان کشور در بیانیه ای به انتقاد از سیاست گذاران نظام پرداخته و نوشته است که این وضعیت حاصل «سرکوب زندگی» و «سیاست به رسمیت نشناختن»، «مسائل انباشته حل نشده» و «تحقیر شهروندان متکثر» است.

اتفاقاً یکی از جریانات مهم حکومتی که «سیاست به رسمیت نشناختن» را پیش می بردند خود اصلاح طلبان، امثال عباس عبدی، حمیدرضا جلالی پور، صادق زیباکلام، سعید جباریان، الیاس حضرتی، حسین مرعشی و بهزاد نبوی و مشابهان، بوده اند که می گفتند «براندازان را اصیل نمی دانیم» و «براندازان می خواهند در فتنان توفان کنند».

اینهمه در حالیست که برای مقامات جمهوری اسلامی قابل تصور نیست که راه و روش دیگری غیر از «دار» و «اعدام» و «قتل عام» و «جهنم» وجود داشته باشد و در یک تناقض آشکار مرتب مخاطبان را از همان جنایاتی می ترسانند که خودشان ۴۳ سال است در حال ارتکاب آن هستند!

در شرایطی که مقامات امنیتی و سیاسی نظام به مردم در مورد ادامه اعتراضات هشدار داده بودند و حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از معترضان خواسته بود «دیگر به خیابان ها نیایید» تظاهرات و تجمعات ضدحکومتی چهارشنبه شب ۱۸ آبان ماه نیز در هشتمین هفته ی خود ادامه یافت.

خیزش های شبانه در تهران (شهر زیبا، ستارخان، جوادیه)، اصفهان، قهریجان و گلدره، اراک، سقز و مهاباد، بوکان و بسیاری از شهرهای دیگر در حالی ادامه یافت که با وجود سرکوب مردم و همچنین استفاده از اسلحه جنگی توسط نیروهای سرکوبگر حکومت با اصرار مدعی است که هنوز با مردم مباحثات می کند!

روزنامه «کیهان تهران» در گزارشی مقصر وضعیتی را که نظام در آن گرفتار شده «اصلاح طلبان» دانسته و نوشته است که آنها به نیابت از آمریکا با انتشار یاهوها و جفنگ های، بی شرافتی و آلودگی عمیق خود را بروز دادند! این درحالیست که در تمام دو ماه گذشته اصلاح طلبان با اعلام حمایت از نظام خواستار متوقف کردن اعتراضات «اعتشاشگران» شده و مدام به مخالفان جمهوری اسلامی حمله کردند.



کیومرث حیدری فرمانده نزاجا

اتمی و نظامی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری دچار آتش‌سوزی و انفجار شدند و بعد هم قاسم سلیمانی در بغداد و محسن فخری‌زاده در جاده دماوند مورد حمله قرار گرفته و حذف شدند.

درواقع «صبر استراتژیک» یک پروژه تبلیغاتی برای توجیه ضعف نظامی نیروهای مسلح است. اینبار نیز ناتوانی در سرکوب مردم با وجود به کار گرفتن سلاح‌های جنگی و انواع و اقسام ادوات سرکوب که ده‌ها کشته از جمله در میان کودکان و نوجوانان برجای گذاشته، سبب شد حالا راهبرد «صبر استراتژیک» با رمز «مماشات و مدارا» پیاده شود. اینکه حسین شریعتمداری مدیرمسئول تبهکار روزنامه «کیهان تهران» از نهادهای امنیتی می‌خواهد مدارا نکنند و از تیر جنگی استفاده کنند یا نماینده‌های ولایت‌مدار مجلس شورای اسلامی مدام تکرار می‌کنند نباید با «اغتشاشگران» ماشاات کرد، بخشی از همین پروژه و داستان قدیمی «پلیس خوب» و «پلیس بد» است!

کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش درحالی‌با هیاو و توهین معترضان را تهدید می‌کند که اعتراضات به داخل یگان‌های ارتش نیز کشیده و به تهدیدی جدی برای حکومت تبدیل شده است. در همین ارتباط رونوشت یک نامه از نیروی پدافند ارتش به بیرون درز پیدا کرده که نشان می‌دهد در آن حفاظت اطلاعات به فرماندهان پادگان‌های تابع در مورد ایجاد آتش‌سوزی‌های عمدی و خرابکاری در تأسیسات توسط پرسنل و سربازان هشدار داده است.

کیومرث حیدری در اسفند ۱۳۹۹ ادعا کرده بود که به فرمان علی‌خامنه‌ای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات آبان ۹۸ مشارکت داشت. حالا هم با وجود سرکوب مردم معترض ادعا می‌کند که «رهبر» فرمان برخورد «ثابت» [صادر] نکرده است!

اواخر شهریور امسال حدود سه هفته پیش، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده پلیس امنیت اخلاقی جمهوری اسلامی و «گشت ارشاد اسلامی» و چند مقام نظام را به خاطر آزار و خشونت علیه زنان ایران و نقض حقوق معترضان تحریم کرد که یکی از آنها کیومرث حیدری است.

روبرو شده است. «تحقیر معترضان» یکی از روش‌هایی است که در عملیات جنگ روانی برای مهار اجتماعات و اعتراضات در اولویت رژیم‌های سرکوبگر قرار می‌گیرد. آنهایی که با کیومرث حیدری آشنا هستند می‌دانند در حالی فرماندهی نیروی زمینی ارتش (بزرگترین نیروی نظامی در بین تمام نیروهای مسلح) به او سپرده شده که حتا حرف زدن عادی برای او مشکل و بسیار «هالو» و «ضعیف‌العقل» است. در همین سخنرانی وقتی او جوگیر می‌شود طبق معمول کلام را درست ادا نمی‌کند و بجای «فرمان صادر کردن» می‌گوید «فرمان ثابت کرد» و یا بعد از تکبیر حاضرین برای تشرک از آنها می‌گوید «خواهش می‌کنم!»

البته این ویژگی‌ها تنها به این فرمانده جمهوری اسلامی محدود نیست! با اینهمه مهمترین بُعد سخنرانی حیدری مربوط به برنامه حکومت برای آبروداری و حفظ حیثیت علی‌خامنه‌ای است که از دو سه هفته پیش در بالاترین رده‌های حکومت آغاز شده است. یگان‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی با آن همه بلوف و ژست اقتدار نتوانسته‌اند خیزش انقلابی مردم را پس از دو ماه سرکوب کنند و مجبورند این ضعف و ناتوانی را توجیه کنند. یک وجه این طرح توجیهی «ادعای ماشاات و مدارا با اغتشاشگران» است و وجه دیگر ادعای اینکه علی‌خامنه‌ای «اجازه برخورد نمی‌دهد!»

چنین پروژه‌ای پیش از اینهم تکرار شده بود منتها با عنوانی دیگر: «صبر استراتژیک»! پنج تا شش سال پیش پس از آنکه در چند مرحله جنگنده‌های اسرائیل پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیابتی‌های «سپاه قدس» را در سوریه هدف قرار دادند، علی‌خامنه‌ای ادعا کرد «دوران بز در رو تمام شده» و «دشمن یکی بزند ۱۰ تا می‌خورد»! اما در عمل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی توان اقدام هم‌تراز با اسرائیل را نداشته و ندارند و هواداران نظام دچار سرخوردگی شدند. در آن دوران نیز برای لاپوشانی این ناتوانی فرماندهان نظامی و دستگاه تبلیغاتی نظام «گرفتن انتقام» را حواله به «وقت موعود» کرده و درباره «صبر استراتژیک» تبلیغ کردند! سرخوردگی ولایت‌مداران اما وقتی بیشتر شد که تأسیسات

فرمانده نزاجا:

اگر با «مگسان» برخورد نمی‌شود اراده رهبر است! ادعای «مماشات با اغتشاشگران» پروژه نظام برای آبروداری!

● سرتیپ حیدری فرمانده هالو و ضعیف‌العقل نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی گفته «اگر امروز یک مقداری آنطوری که جامعه انقلابی مطالبه می‌کند با این مگسان برخورد نمی‌شود اراده فرمانده کل قوا است ولی روزی که حضرت آقا فرمان برخورد ثابت [صادر] کند بدانند که هیچ جایی در این کشور نخواهند داشت».

● مهمترین بُعد سخنرانی حیدری مربوط به برنامه حکومت برای آبروداری و حفظ حیثیت علی‌خامنه‌ای است... یگان‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی با آنهمه بلوف و ژست اقتدار نتوانسته‌اند خیزش انقلابی مردم را پس از دو ماه سرکوب کنند و مجبورند این ضعف و ناتوانی را با «مماشات» و اینکه «رهبر دستور برخورد نداده» توجیه کنند.

● یک وجه این طرح توجیه «ادعای ماشاات و مدارا با اغتشاشگران» است و وجه دیگرش ادعای اینکه علی‌خامنه‌ای «اجازه برخورد نمی‌دهد!» اینکه حسین شریعتمداری مدیرمسئول تبهکار روزنامه «کیهان تهران» از نهادهای امنیتی می‌خواهد مدارا نکنند و از تیر جنگی استفاده کنند یا نماینده‌های ولایت‌مدار مجلس شورای اسلامی مدام تکرار می‌کنند نباید با «اغتشاشگران» ماشاات کرد، بخشی از همین پروژه و داستان قدیمی «پلیس خوب» و «پلیس بد» است!

سرتیپ کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش چهارشنبه ۱۸ آبان در یک سخنرانی با اشاره به اعتراضات ادعا کرد «اگر امروز یک مقداری آنطوری که جامعه انقلابی مطالبه می‌کند با این مگسان برخورد نمی‌شود اراده فرمانده کل قوا است ولی روزی که حضرت آقا فرمان برخورد صادر کنند بدانند که هیچ جایی در این کشور نخواهند داشت».

حیدری با بیان اینکه «اقتدار نظام باعث شده که دشمنان علیه ما توطئه کنند» تأکید کرد «در جغرافیای ایران، برای ادامه سیره شهدا، راهی جز پیروی از ولایت و اطاعت محض از رهبری وجود ندارد».

حرف‌های توهین‌آمیز حیدری و اینکه معترضان را «مگسان» خواند با واکنش منفی زیادی از سوی مردم

چهل جانباختگان «جمعه خونین زاهدان» و تداوم اعتراض و اعتصاب در دانشگاه و بازار و تجمع مردم در خیابان



تجمع اعتراضی مردم در شهرهای مختلف همزمان با چهل جانباختگان «جمعه خونین زاهدان»

تشدید کرد. مردم سه کلانتری و پایگاه سپاه پاسداران و چند ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند. شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به این جنایت رژیم در توثیبتی نوشت: «رژیم وامانده جمهوری اسلامی در جمعه خونین زاهدان، هم‌میهنان بلوچ ما را به قتل رسانده است. این جنایت‌ها تنها سرعت سرنگونی این رژیم را شدت خواهد بخشید. ملت متحد ایران، انقلاب ملی خود را تا رسیدن به یک ایران سکولار، آزاد و آباد ادامه خواهد داد.» حتا معین‌الدین سعیدی نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۱۵ آبان به کشتار مردم بلوچ به شدت اعتراض کرد اما میکروفون وی قطع شد و سپس عبدالرضا مصری که در نبود محمدباقر قالیباف اداره جلسه را به عهده داشت، خطاب به او گفت: «وقتی نیروی انتظامی هدف حمله مسلحانه قرار می‌گیرد، می‌خواهید برای آنها شیرینی پخش کنید؟!»

جدا از روزی که به «جمعه خونین زاهدان» معروف شد، در دیگر روزهای هشت هفته گذشته در خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی بارها اعتراضات مردم در استان سیستان و بلوچستان با سرکوب مسلحانه مأموران جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شد.

یک روز پس از جمعه خونین و در روز شنبه نهم مهرماه مردم در زاهدان تجمعات اعتراضی برگزار کردند که باز هم با سرکوب مسلحانه روبرو شدند. در این روز خدانور لجعی از اهالی زاهدان و یکی از چهره‌های معروف اینستاگرام با شلیک مأموران کشته شد. خدانور لجعی حاشیه‌نشین بود و مدارک هویتی نداشت و ویدئوهای زیادی از رقص او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

خدانور لجعی دو ماه پیش از کشته شدنش به دست مأموران رژیم، در جریان اعتراضات دستگیر شده و

آنها علیه جمهوری اسلامی منتشر شده است. دو هفته پس از آغاز خیزش ملی مردم که با قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، در هشتم مهر، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از داخل یک کلانتری در زاهدان به تجمع اعتراضی مردم این شهر بعد از نماز جمعه و در اعتراض به «تجاوز یک فرمانده پلیس به یک دختر نوجوان» تیراندازی کردند.

در این تیراندازی، بیش از ۹۰ نفر از معترضان کشته شدند که سازمان عفو بین‌الملل این واقعه را مرگبارترین کشتار از زمان آغاز اعتراضات مردمی پس از کشته شدن مهسا امینی خواند. مردم از این روز به عنوان «جمعه خونین زاهدان» یاد می‌کنند.

استاندار سیستان و بلوچستان مدعی شد آنهایی که کشته و زخمی شدند «افراد ناشناس و تجزیه‌طلب و تروریست‌هایی بودند که بعد از نماز جمعه به سمت کلانتری ۱۶ زاهدان حمله‌ور شده و مقر انتظامی را مورد تعرض قرار دادند.» او گفته بود این درگیری ۱۹ کشته و ۲۰ زخمی داشته است. بنا بر اعلام سازمان‌های حقوق بشری، در جمعه خونین زاهدان ۱۳ کودک نیز کشته شدند که در میان آنها کودک دوساله‌ای با نام خانوادگی میرشکار دیده می‌شد.

فرمانده نیروی انتظامی و فرماندار زاهدان مردم معترض را «اشار مسلح» خواندند و مدعی شدند آنها همانهایی بودند که هنگام خروج نمازگزاران از مصلا به سمت شان تیراندازی کردند و قصد تصرف کلانتری را داشتند.

این در حالیست که نمازگزاران پس از نماز جمعه در تجمع اعتراضی علیه قتل حکومتی مهسا امینی و همچنین اعتراض علیه تجاوز به دختر ۱۵ ساله چابهار می‌مورد حمله نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند. تیراندازی نیروهای حکومت به معترضان خشم آنها را بیش از پیش برانگیخت و درگیری را

● دانشجویان در بیش از ۱۰ دانشگاه کشور از جمله دانشگاه علم و فرهنگ، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و معماری پارس، دانشگاه شیراز، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ولنجک، دانشگاه آزاد نجف‌آباد و دانشگاه هنر تبریز تجمع کردند و شعار سر دادند.

● بازاریان نیز در شهرهای زاهدان، سمنج، بانه، سقز، بوکان، مهاباد و همچنین در بازار مبل تهران اعتصاب کردند.

● در چند شهر از جمله تهران، شیراز، اراک، قم، شهرکرد، کرج، رشت، مشهد، قهریجان، سقز، مهاباد، شاهین شهر و سمنج شهروندان تجمع کرده و ویدئوهایی از تجمع و شعارهای آنها علیه جمهوری اسلامی منتشر شده است.

● همزمان با چهل «جمعه خونین زاهدان»، احمد طاهری فرمانده پیشین انتظامی استان سیستان و بلوچستان برکنار و محمد قنبری جانشین او شد.

همزمان با چهلمین روز کشته‌شدن معترضان در شهر زاهدان دانشجویان در چند دانشگاه ایران تجمع کرده و شعار سر دادند؛ بازاریان نیز در چند شهر اعتصاب کردند و تجمعات اعتراضی از سوی شهروندان در پایتخت و دیگر شهرها از غروب امروز شکل گرفت.

امروز چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۱ به مناسبت چهل جانباختگان «جمعه خونین زاهدان» از صبح امروز دانشجویان تجمعات گسترده‌ای برگزار کردند.

دانشجویان در بیش از ۱۰ دانشگاه کشور از جمله دانشگاه علم و فرهنگ، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و معماری پارس، دانشگاه شیراز، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ولنجک، دانشگاه آزاد نجف‌آباد و دانشگاه هنر تبریز تجمع کرده و شعار سر دادند.

در مدرسه عالی دختران (الزهر) نیز مقامات امنیتی و حراست دانشگاه با قفل کردن درهای خروج اضطراری خوابگاه تلاش کردند از تجمع دانشجویان جلوگیری کنند.

تجمع دانشجویان با شعارهایی از جمله «هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم»، «خانم‌های قاتله حکومتش باطله»، «نه نون کشته شده خدانور به دست چند تا مزدور»، «نه نون داریم نه خونه، حجاب شده بهونه»، «هموطنت تیر بخوره، به غیرت بر نخوره» و «ایران وضعیتش خرابه، ملا فکر حجاب» سر دادند.

بازاریان نیز در شهرهای زاهدان، سمنج، بانه، سقز، بوکان، مهاباد و همچنین در بازار مبل تهران اعتصاب کردند. تجمع در دانشگاه‌ها و محلات مختلف و همچنین اعتصاب در بازار بر اساس فراخوانی از پیش منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت.

همچنین از غروب چهارشنبه در چند شهر ایران تجمعات اعتراضی شهروندان آغاز شد. در پایتخت در چند نقطه از جمله نارمک، ستارخان، سعادت‌آباد و خیابان انقلاب تجمعاتی شکل گرفت و مردم علیه جمهوری اسلامی شعار دادند.

در چند شهر دیگر از جمله شیراز، اراک، قم، شهرکرد، کرج، رشت، مشهد، قهریجان، سقز، مهاباد، شاهین شهر و سمنج شهروندان تجمع کرده و ویدئوهایی از شعارهای

آمارهای نگران‌کننده از وضعیت آب در ایران؛ مخزن سد اکباتان همدان تنها یک درصد پر است!

محمدرضا بختیاری مدیر عامل آبفای استان تهران هم اعلام کرده که بارندگی وضعیت خوبی ندارد، ضمن اینکه همچنان افزایش دما را در کشور شاهدیم، بنابراین اوضاع مخازن خوب نیست. بر اساس اعلام شرکت آب و فاضلاب استان تهران میزان مصرف آب در این استان ۷۶ درصد بیشتر از منابع آب تجدیدپذیر استان است و این یعنی منابع آبی استان تهران هر روز کمتر و کمتر می‌شود، افزون بر این از ابتدای سال آبی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تا کنون ۱۵۵ میلی‌متر بارندگی برای استان تهران ثبت شده که این میزان در مقایسه با ۲۰۸ میلی‌متر متوسط بلندمدت ۵۳ ساله، ۲۵ درصد کاهش داشته است.

مجتبی موسوی نائینی رئیس سد زاینده‌رود هم تأکید کرده که این سد شرایط خوبی ندارد و ۸۹ درصد سد زاینده‌رود خالی است. او تأکید کرده که تلاش می‌شود حجم ذخیره این سد از ۱۲۰ میلیون مترمکعب کمتر نشود.

کاهش حجم آب ذخیره شده پشت سد زاینده‌رود نیروگاه این سد را از مدار خارج کرده و به گفته مجتبی موسوی نائینی برگشت نیروگاه به مدار بستگی به ورودی آب و حجم ذخیره سد دارد. او گفته که اگر بارش‌های خوبی اتفاق بیفتد و ذخیره سد حداقل به نزدیک ۱۶۰ میلیون مترمکعب برسد، می‌توان نیروگاه را دوباره وارد مدار کرد.

آمارها نشان می‌دهد که در مقایسه با ۵ سال گذشته، ورودی سدهای کشور کاهش بیش از ۳۰ درصدی داشته و آب آشامیدنی ۵۰۰ شهر کشور با مشکل تأمین می‌شود و ۱۰۱ شهر در «وضعیت قرمز تأمین آب» هستند!

همچنین، ۳۰۰ شهر در معرض تنش آبی هستند و در بیشتر از ۸ هزار روستا با تانکر، آبرسانی صورت می‌گیرد. متخصصان آبخیزداری و هیدروژئولوژی، از ورشکستگی آبی خبر داده و گفته‌اند که ذخایر آب ایران تا ۳۶ سال آینده تمام می‌شوند.

وضعیت آبی در ایران چنان بحرانی شده که رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس نیز روز گذشته نسبت به آن هشدار داده و از لزوم در اولویت قرار گرفتن این بحران گفته است.

سمیه رفیعی رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی گفته که «مشکل آب متأسفانه آنقدر جدی است که اصلاً نمی‌توان از آن فرار کنیم و یا ساده آن را جلوه دهیم. رأس اولویت‌های برنامه‌ریزی دستگاه‌های مربوطه باید همین مدیریت مصرف آب باشد؛ از بودجه تا برنامه هفتم باید برای آب به کار گرفته شوند.

رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی افزوده که «تغییر اقلیم در کشورمان ما را به سمت خشکسالی برده است، تا به امروز در کمیته آب مجلس به صورت تخصصی بحث و بررسی می‌کنیم و بر موضوع دیپلماسی آب بسیار زیاد مطالبه‌گری داشتیم و راهکارهای فنی پیشنهاد دادیم اما متأسفانه تا زمانی که همان همیشگی‌ها برای آب تصمیم می‌گیرند، بعید می‌دانم تحولی در مدیریت منابع آب رخ بدهد.» آمارها از وضعیت آبی کشور نه تنها در تأمین برق از طریق نیروگاه‌های آبی و دسترسی شهروندان به آب نگرانی ایجاد می‌کند بلکه کشاورزی ایران را نیز با مشکلاتی جدی در ماه‌های آینده روبرو خواهد کرد. با توجه به بحران‌های اقتصادی در ایران و مشکلاتی که در تأمین مواد غذایی از سوی روسیه و اوکراین به وجود آمده، کاهش تولید محصولات کشاورزی در ایران به دلیل خشکسالی، امنیت غذا در کشور را به شدت مورد تهدید قرار خواهد داد.

● به گزارش وزارت نیرو، آب ذخیره شده پشت برخی از سدهای کشور نسبت به سال گذشته آبی، کاهش بین ۲۵ تا ۷۵ درصدی داشته است.

● سد اکباتان آبخیزه در استان همدان با تنها یک درصد پر شدن مخزن در سال جاری، بحرانی‌ترین وضعیت را در بین سدهای کشور دارد.

● حجم ذخیره سدهای تهران ۱۰۰ میلیون مترمکعب کمتر شده و در برخی مخازن شهر تهران ارتفاع آب که باید در حد ۴ متر باشد، به ۷۰ سانتی‌متر رسیده است.

● متخصصان آبخیزداری و هیدروژئولوژی، از ورشکستگی آبی خبر داده و گفته‌اند که ذخایر آب ایران تا ۳۶ سال آینده تمام می‌شود.

کاهش ذخایر آب پشت سدهای کشور در کنار خشکسالی و کاهش بارندگی هشدارهای تازه‌ای درباره وضعیت آبی کشور به همراه داشته است. رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی می‌گوید مشکل آب متأسفانه آنقدر جدی است که اصلاً نمی‌توانیم از آن فرار کنیم و یا ساده آن را جلوه دهیم.

کاهش بارندگی و کاهش شدید منابع آب زیرزمینی و ذخایر پشت سدهای کشور طی روزهای گذشته هشدارهای پی در پی مقامات و کارشناسان را به دنبال داشته است.

آمارهای تازه دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور حکایت از وضعیت نگران‌کننده میزان آب در برخی از سدهای کشور دارد. این گزارش با اشاره به گذشت ۱۶ روز از سال آبی جدید، میزان کل حجم آب در مخازن سدهای کشور را نزدیک به ۱۸ میلیارد و ۵۷۰ میلیون مترمکعب اعلام کرده است.

گزارش هفتگی بارش و سدها در سامانه وزارت نیرو نیز نشان می‌دهد که درصد پرشدهی مخازن سدهای کشور تا پایان امروز سه‌شنبه ۱۷ آبان‌ماه و در نیمه‌ی پاییز فقط ۳۸ درصد بوده است. وضعیت ذخائر آب پشت سدهای کشور هم امسال بحرانی‌تر از سالهای گذشته است بطوریکه به گزارش وزارت نیرو آب ذخیره شده پشت برخی از سدهای کشور نسبت به سال گذشته آبی، کاهش بین ۲۵ تا ۷۵ درصد داشته است. مهمترین این سدها، سد چاه نیمه‌ها در استان سیستان و بلوچستان، سد تهم در استان زنجان، سد ایلام در استان ایلام، سد کرخه در استان خوزستان، سد سفیدرود در استان گیلان و سد دوستی در استان خراسان رضوی است.

همچنین سد اکباتان آبخیزه در استان همدان با تنها یک درصد پرشدگی مخزن در سال جاری، بحرانی‌ترین وضعیت را در بین سدهای کشور دارد.

از سوی دیگر در روزهای اخیر، نمایندگان مجلس از خشک شدن دریاچه ارومیه خبر داده و اعلام کرده بودند تنها یک درصد از کل آب دریاچه باقی مانده، داده‌های دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور نشان می‌دهد که مجموع ۱۳ سد حوزه این دریاچه در حال حاضر نزدیک به ۵۱۸ م.م.م موجودی آب دارند که این میزان نسبت به سال گذشته، رشد ۱۶ درصدی داشته و درصد پرشدگی مخازن این سدها در سال جاری، ۳۱ درصد است.

علی سیدزاده مدیرکل دفتر مدیریت مصرف کشور هم خبر داده که حجم ذخیره سدهای تهران ۱۰۰ میلیون مترمکعب کمتر شده و در برخی از مخازن شهر تهران ارتفاع آب که باید در حد ۴ متر باشد، به ۷۰ سانتی‌متر رسیده است.

→ در بازداشت بسر می‌برد. تصویر وی در دوران بازداشت در حالی که به میله‌ی پرچم جمهوری اسلامی دستبند زده شده و یک بطری کوچک آب در حالی در برابر وی قرار دارد که نمی‌تواند آن را بیاشامد، پس از جان باختن او هزاران بار در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شده و به یکی از معروف‌ترین تصاویر انقلاب کنونی ایرانیان برای آزادی



خدانور در بند حکومتی که سرانجام وی را کشت
طرح از جانیلوکا کنتستانینی طراح سرشناس ایتالیایی
۱۸ آبان ۱۴۰۱

تبدیل شده است.

بر اساس اعلام سازمان حقوق بشر ایران، از زمان شروع خیزش سراسری مردم ایران تا کنون، دست‌کم ۱۱۸ تن در استان سیستان و بلوچستان کشته شده‌اند.

همزمان با چهلم «جمعه خونین زاهدان»، احمد طاهری فرمانده پیشین انتظامی استان سیستان و بلوچستان برکنار و محمد قنبری جانشین او شد. در جریان کشتار هشتم مهر زاهدان، طاهری فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان بود. فرمانده نیروی زمینی ارتش روز چهارشنبه ۱۸ آبان همزمان با اعتراضاتی که در دانشگاه‌ها، بازار و خیابان‌ها برگزار شد، معترضان را به «مگسان» تشبیه کرد و گفت: «اگر امروز آنطور که جامعه انقلابی مطالبه می‌کند با این مگسان برخورد نمی‌شود، اراده فرمانده کل قواست!»

دو روز پیشتر نیز عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش به معترضان حمله کرده و به دروغ مدعی شده بود که «هدف نهایی اعتراضات تجزیه کشور است.»

فرماندهان ارتش در حالی تمام‌قد در کنار جمهوری اسلامی ایستاده‌اند که طی هشت هفته گذشته بارها مردم در شعارها و در شبکه‌های اجتماعی خواستار پیوستن ارتش به مردم شدند.

ادعای تجزیه کشور و سوریه‌ای شدن ایران در صورت ادامه اعتراضات بطور سازمانیافته از سوی مقامات جمهوری اسلامی و هواداران نظام در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود تا در میان مردم هراس بیفکنند. این در حالیست که مردم ۵۵ روز در اوج همبستگی و یکپارچگی در سراسر کشور و با وجود سرکوب گسترده در خیابان‌های پایداری کردند و با وجود جان باختن صدها نفر و بازداشت و زخمی شدن هزاران نفر، همچنان به خیابان‌ها می‌آیند و علیه رژیم می‌روند که آن را نمی‌خواهند شعار سر می‌دهند.

